



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال هشتم، شماره شصت و هفت، اردیبهشت ۱۳۹۹

اقدامات پژوهشگاه برای تحقق رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی
(پیشنهاد تشکیل پرتال ویژه علوم انسانی و کرونا، و مستندسازی و تحلیل داده‌های کرونا در ایران)
از کوچ استاد اخلاق و معرفت پنج‌سال گذشت
تمدید چهارساله حکم ریاست دکتر قبادی در پژوهشگاه
پیام تبریک رئیس پژوهشگاه به مناسبت روز معلم
عقد تفاهم‌نامه‌ی همکاری میان پژوهشگاه و بنیاد شهید و امور ایثارگران
دویست و شانزدهمین جلسه‌ی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
مصاحبه با دکتر کریمی مطهر، دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

پیش‌نشست‌های همایش مجازی ابعاد انسانی - اجتماعی مسئله‌ی کرونا در ایران
کرونا، بازار کار و استراتژی‌های سازمانی
رویکرد زبان‌شناختی به مسئله کرونا
کرونا و تربیت
زنان، کرونا و ابعاد انسانی - اجتماعی و فرهنگی
گفت‌وگوی علوم انسانی و علوم طبیعی در مورد مسئله کرونا
نظام تربیت مدرسه‌ای (آموزش و پرورش) ایران در آزمون کرونا
سیمای نظام آموزش عالی ایران در دوران پساکرونا
مدیریت فضای خانواده در شرایط کرونا با رویکرد روان‌شناختی تربیتی

از کوچ استاد اخلاق و معرفت پنج سال گذشت

۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۹، پنجمین سالگرد رحلت استادی مؤمن و مدیری مدبر و دلسوز بود که در سالهای آخر عمر شریف و پربرکتش، ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را بر عهده داشت و در همان دوران کوتاه اشتغال بدین کار، خاطره‌ای بس نیکو و سرشار از ایمان، عشق و زیبایی را برای کارکنان پژوهشگاه بر جای گذاشت.

دکتر صادق آئینه‌وند، استاد ماندگار تاریخ اسلام و معلم وارسته، مؤمن، دلسوز و متعهدی که عمر شریف خود را به اشاعه علم مبتنی بر اخلاق اسلامی، صلح‌جویی و انسان‌دوستی گذراند و در سلوک و خلیقات نیز همت خویش را بر تبعیت از آموخته‌هایش از سیره نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه‌ی هدی (ع) نهاده بود، از جمله پژوهشگران و اندیشمندی بود که دانش و معرفت را بیش از هر چیز برای ساختن جامعه‌ای بهتر و ترویج فرهنگ دیگردوستی و دغدغه‌ی زندگی نیکو و کرامت‌مدار برای همه‌گان می‌خواست و تقریب و اتحاد مسلمانان در سرتاسر جهان را گامی مؤثر در این جهت می‌انگاشت و مبلغ اسلام به‌مثابه دین همدلی و عبودیت خالص برای پروردگار همه‌ی انسان‌ها و موجودات عالم بود.

بسیاری از پژوهشگران و دانشمندان امروز در حوزه‌های مختلف علمی، در سال‌های گوناگون توفیق تلمذ علمی و عملی نزد این استاد کم‌نظیر را داشتند و شهادت می‌دهند که فقدان این مدرس شریف و متعهد تا چه اندازه برای جامعه‌ی علمی و دانشگاهی کشور، ثلمه‌ای بزرگ و جبران‌ناپذیر است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که آخرین مقصد خدمت آن بزرگ‌مرد بود، هر ساله در این روزها در یادآوری این فقدان عظیم، یاد استاد سفر کرده را گرامی می‌دارد. امسال که پنجمین سال رحلت دکتر صادق آئینه‌وند (ره) را می‌گذرانیم، ضمن تسلیت مجدد به خانواده‌ی گرامی ایشان و همه‌ی اهالی علم و معرفت و مسلمانان متعهد و دغدغه‌مند عالم، نام و یاد آن فقید سعید را به نیکی یاد می‌کنیم. باشد که در حسن سلوک و تخلق به اخلاق الهی، رهرو بزرگ‌مردانی مانند دکتر صادق آئینه‌وند (ره) باشیم.

روحش شاد و یادش گرامی باد



با حکم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری صورت گرفت:

تمدید چهارساله حکم ریاست دکتر قبادی در پژوهشگاه

دکتر منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، طی حکمی دکتر حسینعلی قبادی را به مدت چهار سال دیگر به عنوان رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منصوب کرد. در متن حکم دکتر قبادی آمده است:

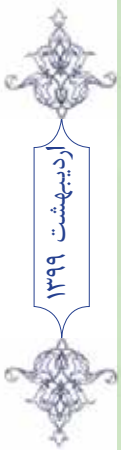
با عنایت به مراتب تعهد، تخصص و تجارب ارزنده جنابعالی و براساس پیشنهاد معاون پژوهش و فناوری، حکم جنابعالی به سمت رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای یک دوره چهار ساله تمدید می شود.

نظر به اهمیت و جایگاه علوم انسانی در نظام سیاست گذاری، تصمیم گیری و برنامه ریزی در سطح کلان کشور، نیاز است مراکز علمی در جهت فراهم سازی زیرساخت ها و توسعه نقش پژوهش های علوم انسانی در تصمیم سازی ها اهتمام ویژه نمایند. براین اساس لازم است پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که از ظرفیت مناسبی در این زمینه برخوردار است، با بهره گیری از توان تخصصی اعضای هیأت علمی و براساس اسناد بالادستی در جهت زمینه سازی مناسب برای انجام تحقیقات مورد نیاز جامعه و رفع نیازهای اساسی و کمک به تصمیم گیری نظام مدیریت کشور گام بردارد.

در ادامه حکم وزیر علوم آمده است: از جنابعالی انتظار می رود با توکل به خداوند سبحان بر پایه ی قوانین،

سیاست ها و برنامه های دولت تدبیر و امید و با همکاری اعضای هیأت علمی و کارکنان، مأموریت های پژوهشگاه را در سطح ملی تبیین و آنها را به نحو احسن به انجام رسانید. امید است با رعایت منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید در حفظ بیت المال بکوشید و نهایت اهتمام خویش را در اعمال سیاست های مؤثر در صرفه جویی در هزینه ها، پرهیز از تجمل گرایی، تقویت نظم و انضباط اداری و رعایت مقررات مالی و ارتقای علمی فرهنگی و اجتماعی آن پژوهشگاه به کار بندید.

در اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ و پس از رحلت دکتر صادق آئینه بوند، رئیس فقید پژوهشگاه، دکتر قبادی با حکم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان سرپرست پژوهشگاه منصوب شد که دکتر محمد فرهادی، وزیر وقت، در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ حکم ریاست ایشان را بر پژوهشگاه برای مدت چهار سال صادر کرد.



عقد تفاهم‌نامه‌ی همکاری میان پژوهشگاه و بنیاد شهید و امور ایثارگران

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، و حجت‌الاسلام محمدحسن کاویانی‌راد، معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران، در راستای تعاملات و همکاری‌های مشترک آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی در زمینه‌های مرتبط با اهداف و برنامه‌های دو طرف، تفاهم‌نامه‌ای منعقد کردند. در این جلسه که دکتر ملایی‌توانی (معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی)، دکتر پارساپور (معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی)، دکتر قنبرلو (معاون اداری مالی و مدیریت منابع)، دکتر ابراهیمی (مدیر نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی) و نیز دکتر رحیم‌نیرمانی (مدیرکل اسناد و انتشارات بنیاد شهید و امور ایثارگران) به همراه جمعی از فرهیختگان و مدیران بنیاد حضور داشتند ضمن اشاره به ظرفیت‌ها و توانایی‌های پژوهشگاه علوم انسانی در خصوص نیازهای پژوهشی بنیاد شهید، بر لزوم فراوری پژوهش‌های حوزه‌ی ایثارگری و شهادت برای پیش‌بینی ضرورت‌های آتی تأکید شد. برخی از همکاری‌های مندرج در این تفاهم‌نامه به شرح ذیل است:



- همکاری در زمینه‌ی تحقق اهداف بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی ایران به‌ویژه تبیین شاخص‌های نقش ایثار و شهادت در تکوین تمدن اسلامی
- تبادل اطلاعات علمی- پژوهشی مرتبط در زمینه‌های مرجع‌نگاری، فهرست‌نویسی، نمایه‌سازی، خدمات مرمت اسناد
- همکاری با دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی پژوهشگاه برای تبیین مفاهیم ایثار اجتماعی در دیپلماسی ایثار، فرهنگ ایثار و شهادت
- همکاری در تهیه و تولید محتوای کتاب به‌ویژه کتاب‌های پژوهشی و سیره‌نگاری و زندگی‌نامه شهدا.

دکتر قبادی ضمن تأکید بر اهمیت «پژوهشگاه بدون دیوار» و این‌که «کار خوب و ماندگار جز از مسیر تحقیق و مطالعه نمی‌گذرد»، به معرفی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان بزرگ‌ترین پژوهشگاه قاره‌ی آسیا پرداخت و گفت: این پژوهشگاه در قالب ۱۱ پژوهشکده و ۲ مرکز فعالیت دارد و می‌تواند از طریق ۱۴۰ عضو هیأت علمی، ۳۰۰۰ استاد در شبکه‌ی نخبگانی و ۲۲ مجله‌ی علمی - پژوهشی با بنیاد شهید و امور ایثارگران همکاری‌های پژوهشی متعددی داشته باشد.

حجت‌الاسلام کاویانی ضمن ابراز خرسندی از انعقاد این تفاهم‌نامه، به ۲۳۰ هزار شهید انقلاب و جنگ تحمیلی در سطوح مختلف اثرگذاری و مجموعه‌ی عظیمی از مستندات باقی‌مانده از این شهدا اشاره و بر لزوم دستیابی به سازوکارهایی که بتواند به‌طور نظام‌مند به کشف مبانی، برای مواجهه‌ی صحیح با آینده پرداخت و اشاره کرد: «در طول سی و چند سال تمرکز بر انباشت اطلاعات از بسیاری از موارد غافل شدیم و امروز برای جبران آن نیازمند اقدامات فوری پژوهشی و تحقیقاتی همه‌جانبه هستیم تا این عقب‌ماندگی جبران شود».

دکتر ملایی‌توانی با اشاره به لزوم درنظر گرفتن بافتار و زمینه در زندگی‌نامه‌نویسی شهدا، گفت: متأسفانه سنت انباشته‌ای در حوزه‌ی زندگی‌نامه‌نویسی نداریم؛ اما این تجربه و ظرفیت در پژوهشگاه علوم انسانی وجود دارد و گردآوری و جمع‌آوری این زندگی‌نامه‌ها با همکاری با بنیاد میسر خواهد شد.

دکتر نیرمانی ضمن قدردانی و تشکر از برگزاری این جلسه، عنوان کرد: «نگاه ما به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تحقیق و توسعه در بخش علوم انسانی است». وی همچنین به بحث آموزش نویسندگان نوقلم و تولید نسل جدیدی در حوزه‌ی ادبیات ایثارگری و شهادت اشاره کرد.

در پایان خانم دکتر ابراهیمی به توان و ظرفیت پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری و پژوهشکده‌ی علوم قرآنی برای شروع همکاری‌های مفید و مشترک اشاره کرد.



پیام تبریک رئیس پژوهشگاه به مناسبت روز معلم

روز معلم بر همه‌ی شما استادان گرانقدر مبارک‌باد، بر شما که زحمات متعهدانه‌تان در تربیت دانشمندان جوان و پیش‌برد کاروان علوم انسانی در ایران عزیز، ماندگار خواهد بود. ۱۲ اردیبهشت‌ماه هر سال یادآور فقدان جبران‌ناپذیر فقیهی دانشمند و معلمی بزرگ است که انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران، مدیون اندیشه‌ها و تعالیم این شهید بزرگوار است. شهید آیت‌الله مرتضی مطهری از جمله شخصیت‌های درخشان تاریخ معاصر علم و اندیشه در ایران بود که نام‌گذاری سالروز شهادت ایشان به نام «معلم»، فخر و راهنمایی برای تمامی معلمان و استادان به شمار می‌رود.

این‌جانب ضمن تبریک مجدد این روز بزرگ به همه‌ی شما پژوهشگران و استادان ارجمند که دلسوزانه در جهت تلاش برای ارتقای علم و تعلیم آن در کشور تلاش می‌کنید، آرزو می‌کنم که بتوانیم در کنار یکدیگر در تداوم راه این شهید ارجمند و دیگر معلمان برجسته‌ی تاریخ و تمدن ایران اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را چنان‌که شایسته‌ی نام و قدمت آن است، به‌عنوان نهادی پیشگام در ارتقاء و اعتلای علوم انسانی در سطح ملی و جهانی تثبیت و درخشانده کنیم. امیدوارم در سایه‌ی الطاف الهی و با همکاری و همیاری، در انجام این رسالت بزرگ موفق باشیم.

توفیق از خدا و توکل بر اوست

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سالروز شهادت استاد مطهری و بزرگداشت
روز معلم بر استادان عزیز کرامی باد



دکتر قبادی در مصاحبه‌ای با ایرنا مطرح کرد:

پرتال جامع مطالعات انسانی، اجتماعی و فرهنگی کرونا راه اندازی می‌شود

دکتر حسینعلی قبادی روز دوشنبه، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۹، در گفت‌وگو با خبرنگار دانشگاه و آموزش ایرنا گفت: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با کند و کاوهای مستمر علمی که از همان اوایل ورود کرونا به ایران داشت، تاکنون چندین نشست علمی، پویش‌های اجتماعی، تدوین مجموعه مقالات علمی، حتی ترجمه‌ی آخرین دستاوردهای حوزه‌ی علوم انسانی را درباره‌ی کرونا در دستور کار قرار داد.

وی افزود: به استناد مجموعه دستاوردها اعلام می‌کنم، این پژوهشگاه بیشترین توجه به بررسی و تحلیل زوایای پدیده‌ی کرونا را در ایران به ثمر رسانده است. کرونا علاوه بر ابعاد بهداشتی، پزشکی و درمانی، تأثیرات عمیق روانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و آیینی هم به دنبال داشت.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: در بحث شیوع کرونا، برگی از تمدن ما ورق می‌خورد و در سبک زندگی ما اثر می‌گذارد؛ ملت ایران، ملتی فرهنگی، معنوی و آیین‌مدار است که الان حتی قادر به برگزاری مراسم سوگ نیست و این تأثیرات روانی در لایه‌های مختلف خانوادگی، بستگان و محلات اثر می‌گذارد.



قبادی خاطرنشان کرد: اگر علوم انسانی زودتر در این باره ورود یابد، می‌تواند راه حل دهد. وی در این باره به ذکر مثالی پرداخت و اظهار داشت: طراحی فضای مجازی برای سوگواری‌ها، برگزاری آیین‌ها با دغدغه‌های فرهنگی، غنی‌سازی آیین‌ها و سنت‌های ایرانی اسلامی که برگزار می‌شود، بخشی از این خلاء را جبران می‌کند تا انواع مسائل اقتصادی ناشی از آسیب‌دیدگی کسب‌وکارهای کوچک، خرده‌فروش‌ها، کم‌توان‌ها، خانواده‌های بی‌بضاعت را حمایت کند.

به گفته‌ی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طراحی ساماندهی برای استفاده‌ی بهینه و همه‌جانبه‌ی فرهنگی، اقتصادی و مدیریت با بهره‌وری بالا از کمک‌های مردم، دولت، نهادهای عمومی دولتی و غیردولتی می‌تواند در این زمینه کمک کنند؛ البته که عزت مردم باید حفظ شود و نباید این مسائل تبدیل به تبلیغات شود زیرا با عزت فرهنگی، اجتماعی و اخلاق اسلامی ما هم در تضاد است.

قبادی افزود: این روزها شاهد فوران اظهارنظرات نخبگان، دانشمندان و صاحب‌نظران حوزه‌های علوم انسانی و هنر در این حوزه هستیم ولی هیچ موضوع‌بندی صورت نگرفته است؛ اگر فردا کسی به مسئله‌ای مراجعه کند، دوباره کاری صورت می‌گیرد، درحالی‌که می‌توانیم با طراحی یک پرتال جامع در زمینه‌ی ابعاد انسانی، اجتماعی و فرهنگی کرونا به آنها سامان دهیم.

وی گفت: بعد از ۲ ماه بررسی و مطالعه، با توجه به تجربه‌ای که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در زمینه‌ی پایگاه‌های داده‌ای گوناگون و به‌ویژه پرتال جامع علوم انسانی دارد و مرجع منحصر به فرد در زبان فارسی جهانی است همچنین با توجه به حضور دانشمندان متعهد و علاقه‌مند به سرنوشت مسائل و مباحث مردم ایران و تخصص‌های بین رشته‌ای که در پژوهشگاه وجود دارد، در هیأت رئیسه تصویب کردیم که برای نخستین بار پرتال جامع علوم انسانی مربوط به مطالعات ابعاد انسانی، اجتماعی و فرهنگی کرونا را در ایران راه‌اندازی کنیم.

قبادی تأکید کرد: این پرتال می‌تواند در سطوح مختلف طبقه‌بندی شود و علمی پژوهشی یا علمی ترویجی باشد؛ گزاره‌ها و یادداشت‌های علمی را در خود جای دهد و حتی شامل ثبت خاطرات، فداکاری پزشکان، پرستاران، کادر درمانی و ملت ایران باشد. با توجه به مجموعه‌ی تمهیدات، توانایی‌ها و احساس تعهدی که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نسبت به سرنوشت مردم دارد، این پرتال به‌عنوان مسئولیت‌شناسی اجتماعی تصویب شد که به زودی آن را معرفی و با هماهنگی وزارت علوم به صورت مجازی افتتاح می‌کنیم.

به گفته‌ی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سعی می‌کنیم وزارت امور خارجه، سازمان یونسکو و ایسکو هم در راه‌اندازی این سامانه مشارکت داشته باشند و ابعاد بین‌المللی کار را هم تقویت کنیم.



علوم انسانی و چالش کرونا

دویست و شانزدهمین (۲۱۶) جلسه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در روز پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹، با حضور اعضای شورای بررسی متون از جمله رئیس و معاونان پژوهشگاه علوم انسانی و مشاوران و مدیران گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون برگزار شد. این جلسه به صورت مجازی، به مدت ۴ ساعت با مشارکت فعال اعضای شورای بررسی متون تشکیل شد.

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و شورای بررسی متون در ابتدای این نشست اظهار داشت: کرونا تأثیر عمیقی در زندگی ما داشته و سبک زندگی ما را تغییر خواهد داد. شورای بررسی متون یک پنجره‌ای در پژوهشگاه علوم انسانی برای اندیشه‌ورزی است و این شورای علمی باید از این بحران به‌مثابه فرصتی برای روزآمدتر کردن منابع درسی، متون دانشگاهی و روش‌های آموزشی استفاده کند. وجه نخبگانی شورا در این شرایط برجسته شود و به نیازهای کنونی پاسخ داده شود. به گفته دکتر قبادی، کرونا در کنار تهدیداتش، فرصت‌هایی هم ایجاد کرده است. به‌عنوان مثال در حوزه‌ی آموزش مجازی، فرصت‌های صرفه‌جویی ملی ایجاد شده است که در شرایط فعلی کشور قابل توجه است.

دکتر قبادی افزود: یکی از محورهای اصلی این جلسه‌ی مجازی، ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای همکاری و مشارکت گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون درباره‌ی برگزاری همایش مجازی بررسی ابعاد انسانی، اجتماعی کرونا بود. هرگونه فعالیت علمی از جمله برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و اجرای طرح‌های پژوهشی مسئله‌مند در خصوص کرونا باید منجر به خروجی مشخص و کاربردی از جمله ارائه‌ی گزارش‌های ملی، گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاستی، و راهبردهای مدیریتی باشد.

پس از سخنان دکتر قبادی، اعضای شورای بررسی متون به بحث و تبادل نظر در خصوص ابعاد انسانی، اجتماعی کرونا و از جمله نحوه مشارکت در همایش مجازی ابعاد انسانی و اجتماعی کرونا پرداختند. دکتر زهرا پارساپور، معاون فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی، پیشنهاد همکاری معاونت کاربردی‌سازی و فرهنگی پژوهشگاه با گروه‌های تخصصی شورا را در خصوص تأمین کارفرمایان و کاربران طرح‌های پژوهشی درباره‌ی ابعاد انسانی و اجتماعی کرونا مطرح کرد.

سپس دکتر کریمی‌مطهر، دبیر شورای بررسی متون، به مدیریت ادامه‌ی جلسه پرداخت و در سخنان پیش از دستور



خود به این نکته اشاره کرد که گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون، براساس تصمیم و مصوبه‌ی پیشین شورا، در سال جاری از متن محوری به مسئله محوری تغییر مسیر می‌دهند. بر این اساس یکی از مسائل بنیادین امسال شورای بررسی متون نیز طبق نیاز روز جامعه، مطالعه و پژوهش درباره‌ی ابعاد انسانی و اجتماعی کرونا است. محورهای همانند هراس از کرونا، سوگ و سوگواری در دوران کرونا، رویکرد تاریخی به بیماری‌های فراگیر و باهم‌بودگی اجتماعی، کرونا و علوم انسانی، کرونا و آموزش، مدیریت بحران کرونا، موج اطلاعات صحیح و سقیم در موضوع کرونا به‌عنوان یک آسیب فراگیر در روند اطلاع‌رسانی از جمله مباحث این جلسه مجازی بود.



در ادامه دکتر مصباحی مقدم، رئیس گروه اقتصاد شورای بررسی متون در این جلسه‌ی مجازی به بررسی و مطالعه‌ی آثار ملی-اقتصادی ناشی از بحران کرونا طی یک نشست تخصصی اشاره کرد و گفت: آثار ملی و بین‌المللی اقتصادی ناشی از کرونا، رشد فعالیت‌های گروه‌های جهادی، جایگزینی برخی فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در فضای مجازی، کاهش برخی مصارف اقتصادی در دوره‌ی شیوع کرونا، افزایش هزینه‌ی دولت در دوره‌ی بحران کرونا و اثر کاهش درآمد نفت بر بودجه‌ی کشور از جمله مباحث و موضوعات صورت گرفته در این نشست خواهد بود. دکتر صادق‌زاده، رئیس گروه علوم تربیتی شورای بررسی متون نیز با اشاره به ظرفیت گروه‌های شورای بررسی متون، اظهار داشت: به‌نظر می‌رسد که کلان مسئله‌ی امسال شورای بررسی متون، همین بحث مواجهه با کرونا و دوران پساکرونا باشد. وی همچنین از آمادگی این گروه برای اجرای طرح پژوهشی مسئله‌محور درباره‌ی بازنگری نظام آموزش عالی ایران در دوران پس کرونایی خبر داد. گروه هنر شورای بررسی متون، پیشنهاد ایده‌پردازی در خصوص فعالیت‌های آموزشی در حوزه‌ی هنر در بحران کرونا را ارائه کرد. بر این‌اساس تهیه‌ی ویدئوهای کوتاه

برای معرفی کتاب‌های مهم و آثار فاخر هنری در فضای مجازی، برگزاری همایش مجازی با عنوان ابعاد انسانی-اجتماعی هنر و بیمارهای فراگیر توسط گروه هنر مطرح شد.

دکتر بهروز ذری، رئیس گروه مدیریت شورای بررسی متون، برگزاری نشست‌های تخصصی مجازی با محورهای مدیریت استرس در شرایط بحران سازمانی، راهکارهای افزایش تاب‌آوری سازمان‌ها در شرایط بحران کرونا، استفاده بهینه از فرصت در شرایط بحران کرونا، مربی‌گری در بحران کرونا، مدیریت رفتار فردی و سازمانی در شرایط بحران کرونا، مدیریت بحران و بحران مدیریت در شرایط کرونایی، تصمیم‌گیری در شرایط بحران کرونا و بازخوانی بحران کرونا و آثار آن در مدیریت آینده‌ی کشور را پیشنهاد داد. وی همچنین تأکید کرد که فرصت جدیدی برای تولید محتوای مناسب و کیفی برای شناخت بهتر ابعاد بحران کرونا فراهم آمده است. گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی نیز برگزاری نشست تخصصی با عنوان آثار و پیامدهای اجتماعی بحران کرونا را پیشنهاد داد. در این جلسه، رئیس گروه عربی شورا نیز به گنجانیدن کلان مسئله‌ها در برنامه این گروه در سال جاری و همچنین برگزاری بیشتر جلسات به صورت مجازی در تالار گفت‌وگوی وینار اشاره کرد. رئیس گروه ادبیات فارسی نیز به کیفیت خوب برگزاری جلسات این گروه به صورت مجازی اشاره کرد. رئیس گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون نیز به آمادگی این گروه به برگزاری وینارهای تخصصی پیامدهای روان‌شناختی کرونا پرداخت. رئیس گروه باستان‌شناسی نیز بر آمادگی این گروه در مطالعه‌ی علمی شیوه‌ی مواجهه‌ی انسان در دنیای باستان و دنیای معاصر با بیماری‌های فراگیر همانند کرونا تأکید کرد. همچنین در این جلسه، دکتر توسلی مدیر گروه علوم سیاسی شورا پیشنهاد داد که تجارب انسانی و مدیریتی در حوزه‌های مختلف مبارزه با کرونا به‌ویژه در بخش بهداشتی و درمانی کشور به صورت علمی ثبت و ضبط شود. بر این‌اساس یک طرح بین‌رشته‌ای برای مطالعه ابعاد مختلف انسانی و اجتماعی کرونا از دیدگاه علوم اقتصادی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی و ... طراحی و اجرا شود. این طرح با تأکید بر تجربیات ملی، منطقه‌ای و جهانی مبارزه با کرونا بسیار ارزشمند خواهد بود. در پایان نشست مجازی، مدیران و مشاوران شورا همچنین در خصوص شیوه‌ی تسکین و تخفیف آلام انسانی ناشی از بحران کرونا بحث و گفت‌وگوی لازم انجام شد و گروه روان‌شناسی شورا و پژوهشگاه علوم انسانی آمادگی خود را برای اجرای طرح‌های پژوهشی و برگزاری نشست و کارگاه علمی اعلام کردند.



در گفت‌وگو با دکتر کریمی‌مطهر، دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی:
«شورای بررسی متون» ستون تفکر انتقادی در پژوهشگاه است



دکتر جان‌اله کریمی‌مطهر، دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، طی گفت‌وگویی با خبرنگار روابط عمومی به برنامه‌های جدید این شورای تخصصی پرداخت که از نظر آن می‌گذرد:

*** به‌عنوان اولین سؤال، هدف از راه‌اندازی و فرایند تحول شورای بررسی متون را تشریح بفرمایید؟**

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، به‌عنوان مرکزی فعال در حوزه نقد متون دانشگاهی فعالیت دارد و نخستین مجموعه علمی کشور است که در سال ۱۳۷۴ با هدف ترویج جریان نقد متون علمی و برای پاسخگویی به نیاز جامعه علوم انسانی و دانشگاه‌های کشور به گفتمان انتقادی و نقد متون درسی و دانشگاهی تأسیس شد و در ادامه فعالیت خود به خصوص در سال‌های اخیر، به تولید خروجی‌های عالمانه و علمی نیز ورود کرده است که حاصل آن کتب، مقالات علمی پژوهشی و یادداشت‌های ارزشمند انتقادی در حوزه‌ی متون علوم انسانی است. این شورا از همان آغاز فعالیت، سیاست کاری خود را متوجه رشد تفکر انتقادی در تولیدات علمی دانشگاهی کرد و بر همین اساس اهداف و سیاست‌های این شورا بر نقد متون دانشگاهی متمرکز شد. شورا در طی سالیان اخیر، در کنار هدف اصلی‌اش که نقد کتب و متون دانشگاهی با رویکرد علمی و بومی است، به توسعه‌ی فرهنگ نقد علمی از طریق انتشار مقالات نقد و کتبی با رویکرد انتقادی پرداخته است که نشان می‌دهد این شورا فقط در مرحله‌ی نقد نمانده، بلکه به تولید آثار جدید نیز اهتمام ورزیده است.

*** میزان استقبال و توجه پژوهشگران به شورا را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

شورای بررسی متون در حال حاضر از ۱۷ گروه تخصصی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی بهره‌مند است که بیشتر رشته‌های علوم انسانی را پوشش می‌دهد. شورا در گروه‌ها و کارگروه‌های تخصصی خود توانسته است به صورت هدفمند، به جلب مشارکت استادان و پژوهشگران برتر علوم انسانی بپردازد و شبکه‌ی نخبگانی خود را در سراسر کشور گسترش دهد. شبکه‌ی نخبگانی شورا بیش از ۳۰۰۰ استاد دانشگاهی و حوزوی است که به‌عنوان عضو گروه، مؤلف و ناقد، سخنران نشست‌های علمی نقد، و داور و ارزیاب کتاب مشغول فعالیت هستند. خدارا شکر بازخوردهایی که از فعالیت‌های شورا دریافت کرده‌ایم بسیار خوب بوده است و تعداد زیادی مکاتبات از طرف ناشران و مؤلفان دریافت کرده‌ایم که از نقدهای علمی و منصفانه شورا استقبال کرده‌اند.

*** برنامه‌های فعلی شورا در چه حوزه‌هایی متمرکز است؟**

برنامه‌ها و فعالیت‌های شورای بررسی متون طی سالیان اخیر در چند بخش اصلی در حال انجام است که شامل، نقد کتب و متون دانشگاهی و غیردانشگاهی علوم انسانی، انتشار نقدنامه‌های تخصصی، انتشار ماهنامه‌ی علمی پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های درسی، تألیف کتاب، تألیف مجموعه مقالات همایش‌ها و نشست‌های نقد و نشست‌ها و همایش‌های تخصصی نقد متمرکز است. شورا در هر کدام از برنامه‌های خود به‌دنبال اثربخشی است و برای نمونه مجله‌ی پژوهش‌نامه‌ی انتقادی شورای بررسی متون، تنها نشریه‌ی علمی نقد در کشور است که ماهانه منتشر می‌شود و تاکنون این مجله و مقالات آن در جشنواره‌های مختلف از جمله جشنواره‌ی نقد کتاب به‌عنوان مجله‌ی برتر و مقالات برتر انتخاب شده است.



* آیا شما در حوزه‌ی مسائل بومی علوم انسانی نیز فعالیت داشته‌اید؟

شورا تمرکز خود را در این سال‌ها بر روی مسئله‌مداری و پاسخ به نیازهای جامعه گذاشته است که نمونه‌ی آن اقدامات متنوع پژوهشی و ترویجی شورا در حوزه‌ی اقتصاد مقاومتی، تولید ملی، بیانی‌ی گام دوم انقلاب اسلامی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سایر موضوعات مهم کشور است. برای نمونه، شورا در حوزه اقتصاد مقاومتی، «کتاب اقتصاد مقاومتی»، «مجموعه مقالات اقتصاد مقاومتی» و دو همایش اقتصاد مقاومتی در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ برگزار کرده است. همچنین «کتاب نقدنامه‌ی اقتصاد مقاومتی» شامل نقد بیش از ۴۰ کتاب منتشر شده با موضوع اقتصاد مقاومتی نیز به همت شورای بررسی متون منتشر شده است. نمونه‌ی دیگر از فعالیت شورا در خصوص نقد الگوی اسلامی - ایرانی است که همایش بررسی متون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را در ۲۷ تیرماه ۹۸ برگزار کردیم و در چندین جلسه‌ی تخصصی به بررسی و نقد سند الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت با حضور اعضای مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پرداختیم.

* آیا شورای بررسی متون در حوزه‌ی بحران کرونا نیز فعالیت‌های علمی و یا ترویجی داشته است؟

بله، در حوزه علمی - پژوهشی تاکنون ۱۴ طرح‌نامه از طرف گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون درباره‌ی موضوع علوم انسانی و بحران کرونا به پژوهشگاه ارائه شده است. در حوزه‌ی ترویجی‌سازی، نشست‌ها، همایش‌ها، سخنرانی‌های علمی و پیشنهادات گروه‌های شورای بررسی متون در رابطه با ابعاد انسانی - اجتماعی کرونا را داشته‌ایم. نشست کرونا و فلسفه‌ی آموزش مجازی به صورت هر دو هفته یکبار به همت گروه علوم تربیتی شورای بررسی متون با همکاری انجمن فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در حال برگزاری است. همایش ملی گروه اقتصاد شورا نیز با عنوان آثار و ابعاد اقتصادی ملی و بین‌المللی بحران کرونا برای شهریورماه سال جاری برنامه‌ریزی شده است. همچنین طبق سبقه مشورتی و نخبگانی شورای بررسی متون، بحث و تبادل نظر علمی در خصوص پدیده‌ی کرونا و پرسش‌گری فلسفی و سیاسی داشتیم که گروه‌های مختلف شورا نیز در این پروژه فکری مشارکت فعال داشتند.

* به لحاظ اقتصادی از هزینه‌ها یا درآمدها چه ارزیابی می‌توان ارائه کرد؟

سیاست کاهش هزینه‌های شورا با توجه به بخشنامه‌های وزارت علوم و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در دستور کار شورا قرار گرفته است که گزارش‌ها نشان‌دهنده‌ی رویکرد صرفه‌جویانه و روند کاهش هزینه‌های شورای بررسی متون در سال ۱۳۹۸ است. گزارشی که ما آماده کرده‌ایم و یک نسخه از آن نیز به ریاست محترم پژوهشگاه تقدیم شده است، نشان می‌دهد که هزینه‌های شورا در سال ۱۳۹۸ در مقایسه با سال ۱۳۹۷ کاهش چشم‌گیری داشته است. با این وضع خوشبختانه نه تنها فعالیت‌های شورا و عملکرد آن کم نشده است، بلکه در کنار کاهش بیش از ۲۵ درصد هزینه‌های این سال نسبت به هزینه‌های سال قبل، شاهد افزایش فعالیت‌های گروه‌های مختلف شورا نیز بوده‌ایم.

* فعالیت‌های شورا تا چه اندازه می‌تواند در برجسته‌کردن نام پژوهشگاه نقش داشته باشد؟

شورای بررسی متون جزئی از بدنه‌ی پژوهشگاه و ستون تفکر انتقادی در پژوهشگاه و تجلی شبکه‌ی نخبگانی آن است و هم اکنون نیز اعضای زیادی از استادان پژوهشگاه عضو این شورا هستند و در گروه‌ها و برنامه‌های آن مشارکت دارند. اگر بخواهیم به جایگاه نهادی شورا بپردازیم باید به توجه مقام معظم رهبری به این شورا اشاره کنیم که تاکنون اعضای شورا دو دیدار با ایشان داشتند. نمونه‌ی دیگر، توجه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و شخص وزیر به این شورای نخبگانی است به گونه‌ای که دکتر منصور غلامی، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری دوبار در میان اعضای شورا حضور یافتند و حتی در دویستمین جلسه‌ی شورا نیز مشارکت و سخنرانی داشتند و درباره‌ی این مرکز علمی چنین ابراز کردند: تشکیل شورای بررسی متون و فعالیت‌های آن تبلوری از فرایند نهادینگی نقد و نقادی در ساختار رسمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و در سطح تک‌تک دانشگاه‌های کشور بوده است. نیروهای فرهیخته‌ی دانشگاهی و حوزوی که در این سازمان گسترده سازماندهی شده‌اند، نماد شبکه‌ی نخبگانی کشور به شمار می‌روند. بنابراین، جایگاه مردم‌نهادی شورا که شامل همکاری بیش از ۳۰۰۰ استاد برجسته‌ی علوم انسانی و همچنین جایگاه رسمی شورا که شامل حمایت مقامات کشوری از آن است، در ارتقای جایگاه این مرکز نقد که جزئی از بدنه‌ی پژوهشگاه است، بسیار مؤثر است.



ضد عفونی و استریلیزاسیون ساختمان‌های پژوهشگاه

به همت معاونت اداری، مالی و پشتیبانی پژوهشگاه و به منظور صیانت از سلامت همکاران و دانشجویان و پیشگیری از شیوع ویروس کرونا، ساختمان‌های پژوهشگاه با استفاده از مواد مخصوص ضد عفونی شدند.



بازدید دکتر قبادی از بخش‌های مختلف پژوهشگاه

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن بازدید از بخش‌ها و پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه، به همکاران مختلف توصیه کرد که بیش از حد به توصیه‌های بهداشتی کارشناسان در مورد پیشگیری از ابتلاء و شیوع ویروس خطرناک کرونا عمل کنند و تا حد امکان در منزل و با دورکاری به انجام امور مشغول شوند.

دکتر قبادی همچنین از استاد پورنامداریان تقاضا کرد، تا بعد از رفع کامل خطر این ویروس در محل کار خود حاضر نشود تا به فضل پروردگار سلامتی ایشان تهدید نشود. دکتر قبادی ابراز امیدواری کرد: ان شاء الله به زودی با زحمات و درایت مسئولان بتوانیم کشور را از این مرحله خاص نیز به سلامت عبور دهیم.



قدردانی از همکاران امور مالی و اداری

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن بازدید از بخش مختلف پژوهشگاه از حضور و فعالیت اینارگانه‌های همکاران در اداره در ایام دشوار شیوع بیماری قدردانی کرد. دکتر قبادی در عین حال از همکاران و پژوهشگران مختلف درخواست کرد، توصیه‌های بهداشتی مربوط به عدم شیوع کرونا را همچنان با دقت رعایت کنند تا ان شاء الله کشور عزیزمان ایران این بحران را نیز با تکیه بر دانش و توانمندی‌های بومی و با سربلندی رد کند.



جلسه‌ی رئیس پژوهشگاه با اعضای روابط عمومی

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی برگزاری جلسه‌ای با مدیر و کارکنان واحد روابط عمومی نکاتی را در خصوص شرایط خاص کشور و نحوه‌ی فعالیت ادارات مختلف یادآور شد. وی ضمن انجام هماهنگی در مورد برنامه‌های عمومی پژوهشگاه در سال جدید با توجه به شرایط فعلی کشور نکاتی را گوشزد کرد و از روابط عمومی درخواست کرد که ارتباط خود را با همکاران و مخاطبان افزایش دهد.



اسکان دانشجویان پسر پژوهشگاه در خوابگاه شهید مطهری دانشگاه علامه طباطبایی

نظر به پیگیری‌ها و هماهنگی‌های صورت گرفته از سوی معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی، پس از سال‌ها دانشجویان تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه از خوابگاه‌های خودگردان به خوابگاه دولتی نقل مکان کردند و اسکان آنها در خوابگاه شهید مطهری دانشگاه علامه طباطبایی به مرحله‌ی اجرا در آمد.





همایش مجازی ابعاد انسانی - اجتماعی مسئله‌ی کرونا در ایران



کرونا، بازار کار و استراتژی‌های سازمانی

پنجمین پیش‌نشست علمی همایش مجازی ابعاد انسانی - اجتماعی کرونا در ایران، روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ با حضور صاحب‌نظران و دانشجویان برگزار شد. در این نشست که با عنوان «کرونا، بازار کار و استراتژی‌های سازمانی» برگزار شد، دکتر نادر سیدکلالی (استادیار پژوهشکده‌ی اقتصاد و مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر لیلا سادات زعفرانچی (استادیار پژوهشکده‌ی اقتصاد و مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر الهام ابراهیمی (استادیار پژوهشکده‌ی اقتصاد و مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر فرزانه میرشاه ولایتی (استادیار پژوهشکده‌ی اقتصاد و مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به‌عنوان سخنرانان این جلسه حضور داشتند.



در ابتدای نشست، دکتر نادر سیدکلالی به سخنرانی خود با موضوع «استراتژی‌های کسب‌وکار در زمان بحران کرونا» پرداخت و گفت: با گسترش جهانی ویروس کرونا در جهان که در ادامه‌ی پخش شدن بیماری‌های واگیرداری مانند ابولا و سارس رخ می‌دهد، روند تحول در مدل‌های کسب‌وکار سرعت خواهد گرفت. حرکت سریع‌تر به سمت مدل‌های اینترنتی و دیجیتالی از جمله اصلی‌ترین این تغییرات خواهد بود. به دلیل ماهیت واگیرداری و کشندگی بالای این بیماری که در نیم قرن گذشته کم‌سابقه است، روند عادی انجام کسب‌وکار در جهان مختل شده است. آثار کرونا بر کسب‌وکارها را می‌توان از جنبه‌های مختلفی مانند تأثیرات آن بر انواع فعالیت‌های اقتصادی، عناصر کسب‌وکار و غیره بررسی کرد.

بخش‌هایی که از این بحران ضربه بیشتری خواهند خورد، شامل ایرلاین‌ها، هتل‌ها، رستوران‌داری و به‌طور کلی بخش‌های مرتبط با گردشگری است. صنایع مرتبط با نفت و گاز، بانک‌ها، خودرو، مسکن و خدمات تجاری نیز در وهله‌ی بعد آسیب خواهند دید. بخش‌های مرتبط با مواد غذایی و محصولات مصرفی، خرده‌فروشی، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل و مخابرات نیز کم‌ترین ضربه را متحمل خواهند شد.

تأثیرات کرونا بر آینده می‌تواند طیف گسترده‌ای را در بر بگیرد و آثار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متنوعی داشته باشد. شدت این تأثیرات را می‌توان با توجه به دوره‌ی تداوم و گستره‌ی جغرافیایی توزیع آن در قالب سناریوهای خوش‌بینانه، محتمل و بدبینانه طبقه‌بندی کرد. وی در ادامه به برخی از این پیامدهای محتمل پرداخت:

۱- کسب‌وکارهایی که مرتبط با سلامت فیزیکی و روانی بیشتر انسان‌ها هستند، توسعه پیدا خواهند کرد و کارآفرینی در این زمینه‌ها رشد خواهد کرد.

۲- رفتار مصرف‌کنندگان دچار تغییراتی خواهد شد؛ مثلاً توجه مشتریان به شاخص‌های مرتبط با سلامتی مواد غذایی افزایش پیدا خواهد کرد و برندهای مرتبط با محصولات و خدمات این حوزه تقویت خواهند شد. تمایل افراد به صرف زمان در منزل و انجام کارهای روزمره مانند آشپزی و تعامل با اعضای خانواده افزایش خواهد یافت. افراد تمایل بیشتری به ذخیره‌ی کالاهای مرتبط با نیازهای اساسی (به‌خصوص مواد غذایی) پیدا خواهند کرد. انبار کردن کالاهایی مانند برنج و روغن و خرید بیشتر محصولات بهداشتی مانند دستمال کاغذی محتمل است.

۳- مدل‌های سنتی کسب‌وکار تضعیف خواهند شد و مدل‌های نوین اینترنتی توسعه خواهند یافت. بسیاری از کسب‌وکارهای سنتی خود را به کانال‌های فروش آنلاین مجهز خواهند کرد. با توسعه‌ی مدل‌های اینترنتی کسب‌وکار، سودآوری و ارزش سهام آن‌ها افزایش خواهد یافت. افزایش ثروت جف بزوس، مدیرعامل آمازون در دوره‌ی شیوع کرونا شاهدی بر این مدعا است.



۴- توجه جامعه به محیط زیست و پایداری کسب و کار افزایش پیدا خواهد کرد. سیاست‌ها و اقدامات مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی CSR در شرکت‌ها تقویت خواهد شد.

۵- مدل‌های جدید ارتباطاتی توسعه خواهند یافت. این مدل‌ها هم در سازمان‌ها و هم در میان خانواده‌ها و دوستان به میزان بیشتری به کار گرفته خواهند شد. آموزش‌های مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به سمت مدل‌های تلفیقی (آموزش حضوری و مجازی) میل خواهد کرد.

۵- استفاده از فناوری‌های جدید مانند گوشی‌های هوشمند در میان عموم شهروندان ترویج و روند رشد آن تسریع خواهد شد.

۶- تفکرات مرتبط با زندگی مینی‌مالیستی و در لحظه از اقبال بیشتری برخوردار خواهند شد.

۷- توجه شرکت‌ها به موضوع تاب‌آوری سازمانی افزایش خواهد یافت.

۸- هزینه‌های دسترسی به اطلاعات توسط دولت‌ها کاهش خواهد یافت و زیرساخت‌های مرتبط با فناوری اطلاعات با سرعت و شمول بیشتری فراهم خواهد شد. این امر موجب افزایش کاربران اینترنت و شبکه‌های مجازی و شدت گرفتن روند دموکراتیک شدن کشورها و افزایش شفافیت خواهد شد. از سوی دیگر، با توجه به نقش قابل توجه دولت‌ها در مدیریت این بحران، ملی‌گرایی می‌تواند تقویت شود و نگاه‌ها به مقوله جهانی شدن از تصورات خوش‌بینانه و انتزاعی به برداشت‌هایی واقعی‌تر تنزل یابد.

۹- قدرت سازمان‌های مرتبط با مقوله‌ی بهداشت و درمان، ممکن است افزایش پیدا کند. به علاوه احترام و مرجعیت صاحبان مشاغل مرتبط با بهداشت و درمان افزایش پیدا می‌کند.

تمرکز جستار حاضر بر آثار کرونا بر عناصر سازمان و کسب و کار است. باید توجه داشت که سناریوهای گوناگونی برای آینده‌ی گسترش این ویروس مطرح است. فرض جستار حاضر این است که جهان در سال ۲۰۲۰ کمابیش با این ویروس درگیر خواهد بود. بدیهی‌ست کنترل و سرکوب سریع بیماری، سناریوی دیگری را رقم خواهد زد و نتایج متفاوتی به همراه خواهد داشت.

مدل‌های گوناگون از مناظر مختلفی به سازمان‌ها و کسب و کارها نگریسته‌اند. وی در ادامه به بررسی استراتژی کسب و کار از چهار جنبه‌ی کلیدی پرداخت: ۱- مشتریان، ۲- تولید و لجستیک، ۳- مالی و ۴- سرمایه انسانی. رمز موفقیت سازمان در هم‌سویی و هماهنگی این سیاست‌ها با یکدیگر است. سیدکلالی در ادامه ضمن بیان اینکه لزوماً در زمینه‌های محیطی گوناگون تفاوت‌هایی با یکدیگر وجود خواهد داشت، موارد پیشنهادی برای هر جنبه را ارائه کرد:

۱- مشتریان

- نیازها و ترجیحات مشتریان در دوره شیوع ویروس با گذشته فرق خواهد کرد. ضرورت دارد که کسب و کارها از کانال‌ها و ابزارهای ایمن‌تری که در گذشته برای تحقیقات بازار استفاده می‌کردند (مانند نظرسنجی‌های آنلاین و اپلیکیشن‌های موبایلی) بهره‌برند تا این نیازهای جدید را به‌طور فوری مطالعه و شناسایی کنند.

- فروش حضوری متوقف یا محدود شود و حتی‌المقدور از کانال‌های مجازی برای عرضه و فروش محصولات و خدمات بهره‌گرفته شود. در صورت ضرورت تعامل حضوری برای فروش محصولات از ویدیوکنفرانس بهره‌گرفته شود. مدل‌های ارتباط با مشتریان آنلاین و اختصاصی در وبسایت و اپلیکیشن‌های موبایلی شرکت‌ها فعال شود.

- تخفیفات بر روی کالاها و خدمات افزایش یابند و از بخش‌بندی بیش از اندازه‌ی مشتریان برای ملاحظات هدف‌گذاری اجتناب شود. کانال‌ها، محصولات و خدماتی که جامعه‌ی هدف محدودتری دارند، موقتاً غیرفعال شوند.

- دوره‌های پایش شاخص‌های کلیدی عملکرد بازاریابی کوتاه‌تر شوند و متناسب با بازخوردهای دریافتی، سیاست‌های بازار تعدیل و اصلاح شوند.

- در دوره‌ی کرونا مشتریان وقت زیادی را در منزل می‌گذرانند؛ بنابراین نیاز به سرگرم شدن دارند. شرکت‌ها می‌توانند از روش‌های بازاریابی مبتنی بر سرگرمی و ... برای جلب توجه مشتریان استفاده کنند.

- بودجه‌ی بازاریابی و تبلیغات و نحوه تخصیص منابع متناسب باید با شرایط جدید تعدیل یابند. در دوره شیوع کرونا بسیاری از روش‌های تبلیغاتی مانند تبلیغات بیلبوردی اثربخشی خود را از دست خواهند داد.

- در دوره‌ی کرونا، تأمین و تحویل محصولات و خدمات با مشکلات بیشتری روبرو خواهد شد. اهتمام کسب و کارها به تأمین به‌موقع تعهدات خود به حفظ ارزش برند آن‌ها کمک خواهد کرد. در صورتی که شرکت‌ها با تصور موقتی بودن این دوره، انجام به‌موقع تعهدات خود را به تأخیر بیندازند، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به ارزش برند آن‌ها وارد خواهد شد.



۲- تولید و لجستیک

- موجودی کالاها به طور مرتب صورت برداری شده و از انباشت موجودی اکیداً اجتناب شود.
- تعداد تأمین کنندگان افزایش یابد تا در صورت بروز مشکل در یکی از شرکت‌های تأمین کننده، کسب و کار با مشکل تأمین مواد اولیه روبه‌رو نشود.
- خط تولید محصولات و خدماتی که حاشیه سود پایین تری دارند و نیاز کلیدی مشتریان محسوب نمی‌شوند، موقتاً متوقف یا حجم تولید آن‌ها کاهش یابد.
- برای توزیع محصولات و رساندن آن‌ها به دست مشتریان، زیرساخت‌های خود را با شرکت‌های همکار و همسایه به اشتراک بگذارید تا ضمن افزایش بهره‌وری و جلوگیری از ظرفیت خالی، میزان جابه‌جایی‌های درون شهری پرسنل کاهش پیدا کند. البته باید توجه داشت که زمان تحویل محصولات به مشتریان باید با دقت بیشتری از قبل مدیریت شود. به دلیل مشکلات در حمل و نقل و محدود شدن ظرفیت‌های موجود تأمین کنندگان این خدمات، باید ضمن بهره بردن از روش‌های پیش‌گفته مانند مورد مذکور، اقدام به رزرو خدمات تأمین کنندگان و افزایش تعاملات با مشتریان (تماس تلفنی، پیامک، ایمیل و غیره) جهت جلب رضایت آن‌ها کرد.

۳- مالی

- اصلی‌ترین متغیرهای محیط دور و نزدیکی را که بر درآمدها و هزینه‌های شرکت، قیمت تمام‌شده و قیمت بازار محصولات و خدمات شرکت تأثیر می‌گذارند، شناسایی کنید و متناسب با تحولات مقطعی آن‌ها، اقدامات مناسبی در خصوص مدیریت شرکت و محصولات/خدمات خود اتخاذ کنید.
- کنترل و کاهش هزینه‌های غیرضروری و دقت در هزینه‌کرد موضوعی است که باید در اولویت جدی مدیریت مالی شرکت‌ها قرار گیرد. شناخت و بهره‌گیری مؤثر از کمک‌های دولتی باید پیگیری شود.
- ضروری است جریان‌های نقدی و مخارج سرمایه‌ای اولویت‌بندی شوند. توسعه‌ی گزینه‌های تأمین منابع مالی و توجه به منابع ارزان‌قیمت باید در دستور کار قرار گیرد. مدیریت مالی سازمان‌ها باید مجدداً به ارزیابی ریسک‌های مالی اقدام کنند.
- افزایش نقدینگی را در دستور کار قرار دهید، از خریده‌ها و انباشت موجودی اجتناب کنید و با به‌کارگیری رویکردهایی مانند تولید به موقع، میزان نقدینگی شرکت را بالا ببرید و نسبت‌های آنی و جاری آن را بهبود بخشید.
- وصول فوری مطالبات را در دستور کار قرار دهید و تسویه‌ی بدهی‌هایی که ضرورتی برای پرداخت فوری



آن‌ها نیست، به تعویق اندازید.

- به‌نظر می‌رسد پس از کرونا با بازتعریف شاخص‌هایی که عملکرد خوب شرکت‌ها را تعریف می‌کنند مواجه شویم. در این میان نقش نقدینگی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد و توجه به بقا و ثبات جای رشد و سودآوری بیشتر را خواهد گرفت.

۴- سرمایه‌ی انسانی

- کرونا می‌تواند ادراک کارکنان از عدالت سازمانی را خدشه‌دار کند. آن گروه از کارکنان که در دوران شیوع بیماری مجبور هستند در محل کار حاضر شوند و امکان دورکاری ندارند، ممکن است پس از پایان بیماری، با کاهش تعهد و بهره‌وری مواجه شوند. مدیران باید جهت تأمین سلامتی و ایمنی این کارکنان سیاست‌های عملیاتی مناسبی اتخاذ کنند. فراهم کردن وسایل ایمنی مانند دستکش، ماسک و غیره از این جمله هستند.

- درنظر گرفتن مزایا و پاداش‌های مالی برای این گروه از کارکنان باید در دستور کار قرار گیرد. فراهم کردن مشاوره‌های روان‌شناختی رایگان یا ارزان‌قیمت برای کارکنان حاضر در محل کار جهت کاهش اضطراب آن‌ها باید تسهیل شود. آموزش‌های ضمن خدمت به‌طور موقت تعطیل شوند و برنامه‌های مشاوره و مانورینگ با تمرکز بر کاهش آثار روان‌شناختی بیماری بر زندگی شغلی و خانوادگی افراد درنظر گرفته شوند.

- درخصوص کارکنانی که حضور فیزیکی آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار نیست، ضرورت دارد سیاست‌های کاری انعطاف‌پذیر لحاظ شود. امکان دورکاری از منزل، کاهش ساعات حضور در محل کار، شیفت‌بندی حضور پرسنل و محدود کردن جلسات سازمانی به جلسات کلیدی و برگزاری آن‌ها حتی‌المقدور به صورت ویدئوکنفرانسی از این جمله‌اند. رفت‌وآمد مراجعین بیرونی به درون سازمان باید متوقف سازد یا به موارد ضروری محدود کند. در ادامه دکتر لیل‌اسادات زعفرانچی با موضوع «بحران کرونا، بازار کار و دورکاری» سخنرانی کرد و گفت: شوک ناشی از گسترش ویروس کرونا بر اقتصاد جهانی به اذعان تحلیل‌گران اقتصادی عظیم‌تر و شدیدتر از بحران مالی سال ۲۰۰۸ است و جهان رکودی بزرگ‌تر از رکود بزرگ سال ۱۹۳۰ را تجربه خواهد کرد. منطقه خاورمیانه علاوه‌بر تأثیر کرونا بر فضای اقتصاد، هم‌زمان با سقوط قیمت نفت

روبه‌رو است. وقوع این دو اتفاق هم‌زمان، خسارات جبران‌ناپذیری بر بدنه‌ی تولیدی در کشورهای منطقه وارد می‌کند و باعث کاهش رشد و افزایش بیکاری می‌شود. بازار کار یکی از منظومه‌های اقتصادی به شدت متأثر از بحران کرونا در گستره‌ی جهانی است. کرونا این اختلال اقتصادی، بهداشتی علاوه‌بر تهدید سلامت جهان، معیشت و رفاه میلیاردها نفر را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار داده است. براساس آخرین گزارش اعلام شده از سوی سازمان جهانی کار بیماری کرونا و البته اقدامات پیشگیرانه در مقابله با این ویروس، تقریباً ۲/۷ میلیارد کارگر را در سراسر جهان تحت تأثیر خود قرار داده که حدود ۸۱ درصد از نیروی کار جهانی را تشکیل می‌دهند. در شرایط فعلی مشاغل موجود در طیف وسیعی از بخش‌های اقتصادی با خسارات فاجعه‌باری مواجه هستند که خطر عدم امکان پرداخت بدهی به‌خصوص در میان بنگاه‌های کوچک اقتصادی نگران‌کننده‌تر است. تأثیر این ویروس برای کارگران بی‌سپرست و

آسیب‌پذیرترین گروه‌های اقتصادی در اقتصاد غیررسمی شدیدتر گزارش شده است. انقباض اشتغال در حال حاضر، در مقیاس بزرگ و اغلب بی‌سابقه در بسیاری از کشورها آغاز شده است. در فقدان دسترسی به سایر داده‌ها تغییر ساعات کاری که منعکس‌کننده‌ی هر دو مورد اخراج نیروی کار و کاهش موقت زمان کاری است، تصویر وخیمی از بازار کار در جهان را ترسیم می‌کند. برآوردهای صورت‌گرفته نشان می‌دهد که ساعات کار در سه ماهه اول سال ۲۰۲۰، ۶/۷ درصد کاهش می‌یابد که معادل فعالیت ۱۹۵ میلیون نیروی کار تمام وقت است. البته آمار نهایی وخامت اوضاع بازار کار ناشی از این بیماری فراگیر بستگی به شیوع بیماری در آینده و البته اقدامات پیشگیرانه دولت‌ها خواهد داشت.

مفهوم دورکاری که اکنون به‌عنوان یکی از سیاست‌های بازار کار توسط دولت‌ها در مبارزه با کرونا و کاهش اثرات آن بر بازار کار و اشتغال توصیه می‌شود، عبارت جدیدی در ادبیات اقتصادی نیست، اما بحران کرونا باعث شده با خانه‌نشینی میلیون‌ها کارگر، جهان بار دیگر به این مفهوم به‌صورت جدی و همه‌جانبه بپردازد. علاوه‌بر نتایج حاصل از گسترش ویروس کرونا بر اقتصاد کار که به نوعی بحث دورکاری را به‌عنوان یک استراتژی میان‌مدت و بلندمدت مطرح کرده، به‌نظر می‌رسد آینده‌ی جهان و مشکلات پیش‌رو از جمله گسترش



نامحدود شهرنشینی، بحران انرژی، آلودگی هوا و مشکلات زیست محیطی، بحران ترافیک و در نهایت افزایش استرس بشر در توازن کار و زندگی نشان‌دهنده الزام تغییر سبک اشتغال در آینده بازار کار در جهان است. با وجود تعاریف بعضاً متفاوت و گسترده از مفهوم دورکاری، اصلی‌ترین ویژگی بارز این شکل از اشتغال به امر عدم تمرکز زمانی و مکانی باز می‌شود. این در حالی است که در دهه‌های اخیر دسترسی به تکنولوژی به شکلی فراگیر باعث شده تا بسترهای لازم فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطاتی جهت تحقق شرایط دورکاری تسهیل شود. وی در ادامه ناظر بر عنوان سخنرانی خود یعنی «بحران کرونا و دورکاری» محورهای ذیل را مورد بحث و بررسی قرار داد:

- مقدمه‌ای از تأثیرات کرونا بر شرایط اقتصاد و بازار کار در جهان؛
- مفهوم دورکاری و مروری بر شکل‌گیری تاریخچه دورکاری در ادبیات اقتصادی؛
- دورکاری از نگاه تصمیم‌گیران اصلی انتخاب شامل: نیروی کار و کارفرما؛
- توصیه‌ها و راهکارهای سیاستی منطبق با فضای فعلی در جهان با رویکردی بر شرایط ملی.

سپس دکتر الهام ابراهیمی به موضوع «تأثیرات پاندمی کرونا بر فرایندها و نگرش‌های منابع انسانی» پرداخت و گفت: همه‌گیری کرونا، بحرانی که سراسر جهان را تحت الشعاع قرار داده، سازمان‌ها، استراتژی‌های آن‌ها و کارکردهای متعدد سازمانی را نیز با تحولات جدی مواجه کرده است. آمارهای سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد ۸۱ درصد معادل ۲.۷ از ۳.۳ میلیارد نفر شاغلان در جهان تحت



تأثیر بحران کرونا قرار گرفته‌اند؛ به‌علاوه در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۰ با فرض ۴۰ ساعت کار در هفته، ۶.۷ درصد از ساعات کار کم شده که این معادل بیکاری ۲۳۰ میلیون کارگر تمام‌وقت در جهان است. بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین کارکردهای سازمانی که به‌شدت متأثر از بحران کرونا بوده، حوزه‌ی مدیریت منابع انسانی سازمان‌هاست. ابراهیمی در ادامه کارکردهای مدیریت منابع انسانی در شرایط بحران کرونا را از دو دیدگاه - فرایندها و نگرش‌های منابع انسانی - مورد بررسی قرار داد.

وی در خصوص تأثیرات پاندمی کرونا بر فرایندهای مدیریت منابع انسانی، گفت: هرچند در مواردی در مورد فرایندهای اصلی مدیریت منابع انسانی از دیدگاه پژوهشگران مختلف اتفاق نظر وجود ندارد؛ اما فرایندهای اصلی

که در اکثر منابع بدان‌ها اشاره شده عبارت‌اند: از جذب، توسعه و آموزش، مدیریت عملکرد و جبران خدمات کارکنان. در شرایط فعلی، هریک از فرایندهای فوق‌الذکر به طریقی تحت تأثیر بحران مذکور قرار گرفته‌اند.

ابراهیمی درخصوص جذب و استخدام روندها گفت: این موضوع از سازمانی به سازمان دیگر متغیر است. همان‌گونه که در اخبار و رسانه‌ها ملاحظه می‌شود سازمان‌هایی که از زیرساخت‌های اطلاعات و ارتباطات برای ارائه‌ی خدمات به مشتریان استفاده کرده‌اند، در اکثر موارد یا نیازمند تعدیل نیرو نبوده‌اند و یا حتی با مشکل کارمندیابی و جذب در یک بازه زمانی کوتاه مواجه شده‌اند. در مورد سازمان‌هایی که مأموریت آن‌ها به‌شدت تحت تأثیر این بحران قرار گرفته، شاهد حجم وسیعی از تعدیل نیرو بوده‌ایم. اما آنچه در این میان حائز اهمیت است «برند کارفرمایی Employer branding» این سازمان‌هاست. در جریان تعدیل گسترده‌ی نیروها در برخی سازمان‌های ایرانی مانند «علی بابا» و «الی گشت» در حوزه‌ی صنعت گردشگری، که مدیران ارشد آن‌ها از آن با عنوان «تصمیم سخت» یاد کرده بودند، موج عظیمی از اعتراضات رسانه‌ای، آسیب‌های جدی به برند کارفرمایی این سازمان‌ها به‌عنوان «مکان مناسبی برای کار کردن» وارد کرد. در کنار این تعدیل‌های گسترده و توثیقات منتشر شده ضد اقدامات این سازمان‌ها، برخی شرکت‌ها مانند استارت‌آپ‌های فعال در حوزه‌ی ارتباطات و حتی در مواردی رقبای این شرکت‌ها مانند «فلائیو» در همان صنعت گردشگری، در راستای مسئولیت اجتماعی خود با انتشار فراخوان‌های متعددی برای استخدام این نیروها اعلام آمادگی کردند. باید توجه داشت برخلاف این‌که نگر داشت منابع انسانی در این دوران در مواردی هزینه‌های هنگفتی به سازمان‌ها تحمیل می‌کند، اما از دست دادن نیروها در زمان فعلی، علاوه‌بر وارد آوردن زیان به شهرت و اعتبار سازمان، در دوران پساکرونا به سهولت و با هزینه معقول قابل جبران نخواهد بود.

وی درخصوص در حوزه‌ی آموزش و توسعه گفت: این بحران به شدت سازمان‌ها و مخصوصاً سازمان‌هایی با مأموریت دانش‌محوری مانند دانشگاه‌ها را تحت تأثیر قرار داد. در عین حال گزارش برجسته‌ترین منابع در حوزه مدیریت منابع انسانی نشان می‌دهد نیاز سازمان‌ها به آموزش کارکنان برای دورکاری از جمله مهم‌ترین استراتژی‌های اثرگذار در این دوران است.



در حیطه‌ی مدیریت عملکرد نیاز اساسی به یک تغییر پارادایم در دو حوزه‌ی اساسی وجود دارد؛ نخست تغییر تمرکز از ارزیابی فرایندها به ارزیابی نتایج. آنچه پیشتر در مورد گروه‌های خاصی از کارکنان نظیر پژوهشگران یا محققان مصداق داشت، با تغییر رویه سازمان‌ها به سمت دورکاری تبدیل به جزء لاینفکی از فرایند ارزیابی عملکرد شده است. در کنار این موضوع، ارائه‌ی بازخورهای عملکردی که متأسفانه در اکثر موارد، بخش مغفول فرایند مدیریت عملکرد بوده، در شرایط حاضر اهمیتی بیش‌ازپیش یافته است.

در نهایت، بنابه‌گزارش مؤسسه‌ی مشاوره Delloitte پنجاه درصد از سازمان‌های مورد پیمایش این مؤسسه در سراسر جهان، تضمین بسته‌های جبران خدمات را از مهم‌ترین چالش‌های مدیریت منابع انسانی می‌دانند. آنچه در گذشته در این زمینه همواره به سازمان‌ها توصیه می‌شد، استفاده از بسته‌های سفارشی شده جبران خدمات بنا به نیازهای متنوع منابع انسانی بود که امروزه ضرورت آن بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در عین حال قدردانی از فعالیت‌های کارکنان در این دوران از استراتژی‌های سازمان‌های موفق بین‌المللی است؛ برای مثال شرکت تاکسی‌رانی Uber که شرکت‌های مشابه آن را تحت عنوانی مانند تپسی و اسنپ در ایران می‌شناسیم اعلام کرده برای هریک از رانندگانی که درگیر بیماری کرونا شوند، مرخصی ۱۴ روزه با حقوق در نظر می‌گیرد یا شرکت جی پی مورگان (JP Morgan) بزرگ‌ترین بانک آمریکا برای کارکنانی که به‌صورت حضوری در شرایط بحران به مشتریان خدمات‌رسانی می‌کنند، پاداش هزاردلاری در نظر گرفته است.

دکتر ابراهیمی درباره‌ی تأثیرات پاندمی کرونا بر نگرش‌های منابع انسانی نیز گفت: در کنار فرایندهای مدیریت منابع انسانی، نگرش‌های کارکنان طی این دوران دستخوش تغییرات اساسی شده است. نگرش‌های حوزه رفتار سازمانی متعدد و متکثرند و در این نشست مجال اندکی برای پرداختن به آن‌ها داریم. هرچند این فرصت محدود از اهمیت موضوع نمی‌کاهد. مهم‌ترین آموزه در مورد نگرش‌های کارکنان در دوران شیوع بیماری کوید ۱۹ و پیامدهای عمده‌ی آن نظیر دورکاری و نوبت‌کاری، باور به تغییر مرزها و در مواردی معنای مفاهیم رفتاری است. برای نمونه مفهوم مناسب‌کار و زندگی در این دوران دستخوش تغییرات اساسی شده است. این مفهوم پویا و پیچیده، ابعاد متعدد شناختی، احساسی، اجتماعی و رفتاری دارد. در گذشته دیدگاه منفی یا به عبارت دیگر «تضاد کار و زندگی» کارکنان، بیشترین سهم تحقیقات این حوزه را به خود اختصاص داده بود. این جنبه تعارض‌زا، بر مبنای تضاد در سه محور «زمان»، «فشار» و «رفتار» بروز و ظهور می‌یابد. تضاد مبتنی بر زمان؛ واضح‌ترین نوع تضاد است که به دو صورت رخ می‌دهد: زمانی که صرف نقش‌های کاری می‌شود، زمان در دسترس برای نقش‌های خانوادگی را کاهش می‌دهد یا اشتغال در نقش‌های کاری، برخلاف حضور فیزیکی فرد، به کارکرد وی در نقش‌های خانوادگی آسیب می‌رساند (حضور صرفاً فیزیکی تضاد مبتنی بر فشار؛ زمانی رخ می‌دهد که فشارهای ناشی از نقش‌های کاری (برای مثال، تنش، اضطراب، خستگی، افسردگی و تحریک‌پذیری) عملکرد فرد در سایر نقش‌ها را دشوار می‌سازد؛ در نهایت تضاد مبتنی بر رفتار زمانی ایجاد می‌شود که رفتارهای مورد نیاز در نقش‌های کاری با سایر نقش‌ها در تناقضند. در حوزه روان‌شناسی سلامت شغلی، اکثر پژوهشگران در تعریف «تضاد کار و زندگی»، آن را به‌عنوان شکلی از سرریز منفی نقش‌های کاری به زندگی خانوادگی کارکنان تفسیر کرده‌اند. اما شاید این موضوع در شرایط کنونی جامعه بشری با تغییر سبک زندگی کاری افراد، قابل بازنگری باشد. تضادی که این بار، نه از حوزه‌ی کاری، بلکه از حوزه‌ی خانوادگی بر کار سرریز می‌کند. اکنون دیگر، صرف زمان قابل ملاحظه در کار، تنش‌های محیط کار و رفتارهای متعارض با نقش‌های خانوادگی معنا و مفهوم گذشته خود را از دست داده‌اند و به معنای دقیق‌تر، کم‌رنگ شدن مرزهای میان کار و زندگی بیش از هر زمان دیگری به چشم می‌خورد.

ابراهیمی یکی دیگر از واکنش‌های رفتاری رایج در این دوران کناره‌گیری از کار دانست و گفت: مجموعه رفتارهایی که کارکنان ناراضی انجام می‌دهند تا از کار سرباز زنند و این شامل تغییر رفتاری، کناره‌گیری فیزیکی و کناره‌گیری روانی از کار است. نظریه کناره‌گیری متوالی تاریخچه‌ی طولانی و طرفداران متعددی دارد. فردی که به دلایل مختلف نظیر اجبار به حضور در محیط کار، عدم ادراک حمایت سازمانی و نظایر آن از شغل یا سازمان خود ناراضی است، ممکن است نتواند به سرعت به شغل دیگری روی آورد. در عوض به صورت فیزیکی (از طریق غیبت و تأخیر) یا روان‌شناختی (از طریق پیوند شغلی کمتر یا تعهد کاری پایین‌تر) از کار کناره‌گیری می‌کند تا زمانی که فرصت مناسب برای تغییر سازمان فرا رسد. البته برخی پژوهشگران نیز معتقدند هیچ روند متوالی خاصی وجود ندارد و افراد نوعی از کناره‌گیری را انتخاب می‌کنند که با احتمال بیشتری می‌تواند ناراضی‌تبی آن‌ها را جبران کند. براساس دسته‌ی دیگری از نظریات، کناره‌گیری در اثر ناراضی‌تبی مستمر به وجود می‌آید، سپس در اثر برخی رفتارهای نامناسب در کار به اوج خود رسیده و به تهاجم (مانند مشاجره با سرپرست یا همکاران) یا عقب‌نشینی (مانند فرصت‌های شغلی جایگزین) منجر می‌شود. فارغ از این‌که کدام نظریه بهتر است، در مورد این‌که رفتارهای کناره‌گیری با هم مرتبط‌اند و در اثر ناراضی‌تبی شغلی بروز می‌کنند، اجماع



وجود دارد. در دوران شیوع کرونا، اجبار به تعامل فیزیکی مستقیم با ارباب رجوع در مشاغل مانند بانکداری را در نظر بگیرید. اشتغال ذهنی دائمی کارکنانی که مجبورند در این شرایط حتی با رعایت اصول بهداشتی و ایمنی با ترس از تعامل نزدیک با طیف وسیعی از مراجعان کار کنند، مقایسه‌ی آن‌ها با همکاران خود در سایر بخش‌های سازمانی و یا دیگر سازمان‌ها که با چنین شرایط کاری مواجه نیستند، حتی در صورتی که در مراحل نخست به کناره‌گیری فیزیکی نیانجامد، احتمال کناره‌گیری روان-شناختی از کار در قالب کاهش عجزین شدن با کار و پیوند سازمانی را در پی خواهد داشت.

وی نگرش مهم دیگر در مباحث مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی، حمایت سازمانی ادراک‌شده دانست و گفت: در پیمایش‌های وسیعی که طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ بر مبنای مدل تعالی منابع انسانی ۳۴۰۰۰ در بیش از هزار سازمان در سراسر کشور انجام شد، میانگین این نگرش در سطح سازمان‌ها پایین‌تر از متوسط ۵۰ درصد ارزیابی شده است. این مفهوم عبارت است از باور کلی کارکنان در مورد ارزشی که سازمان به مشارکت آنان می‌دهد و اهمیتی که برای بهزیستی آن‌ها قائل است. نکته‌ی قابل توجه در مورد این مفهوم آن است که حمایت سازمانی بر ادراک کارکنان تمرکز دارد؛ از این رو، به عنوان ادراک یا برداشت ذهنی کارکنان از میزان حمایت سازمان از آن‌ها، تعریف شده است. البته، این حمایت تنها در ازای نیازها و انتظارات مالی کارکنان نیست، بلکه آگاهی از دشواری‌های کاری افراد و حمایت روان‌شناختی از آنان را نیز شامل می‌شود. این بدان معناست که حس ارج نهادن سازمان به افراد و ادراک

از حمایت سازمانی منجر به احساسات کاری مثبت می‌شود و در نتیجه‌ی آن، کارکنان مشکلات سلامت فیزیکی و روان-شناختی کمتری را تجربه می‌کنند. این مفهوم در دوران پرتنش کاری فعلی نقش تیغ دولبه‌ای را ایفا می‌کند که در صورت توجه بدان از سوی سازمان‌ها خصوصاً در قالب حمایت‌های روان‌شناختی که سازمان برای کارکنان فراهم می‌کند، ادراک مثبت سازمانی و ارتقای حس هویت‌یابی سازمانی را به دنبال خواهد داشت. برعکس، در صورتی که کارکنان حس کنند نیازها و انتظاراتشان در این دوران از سوی کارفرما نادیده گرفته شده (تأکید می‌شود که این مفهوم یک برداشت است و ممکن است برخلاف در نظر گرفتن تمهیداتی از سوی سازمان، این حس حمایت به هر دلیلی به کارکنان تسری نیابد) آثار منفی آن بیش از پیش نمود خواهد داشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

همایش مجازی

ابعاد انسانی-اجتماعی کرونا

در ایران

COVID-19

برگزاری پنجمین نشست علمی پیش‌همایش ابعاد انسانی- اجتماعی کرونا در ایران
به کوشش پژوهشکده دانشنامه نگاری

به اطلاع می‌رساند پنجمین نشست علمی پیش‌همایش ابعاد انسانی- اجتماعی کرونا در ایران، با موضوع: «کرونا، بازار کار و استراتژی‌های سازمانی» در روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۹۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ با حضور سخنرانان زیر:

سخنرانان:

- * دکتر نادر سیدگلالی، استادیار پژوهشکده اقتصاد و مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی استراتژی‌های گسب و کار در زمان بحران کرونا.
- * دکتر لیلا سادات زعفرانچی، استادیار پژوهشکده اقتصاد و مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بحران کرونا، بازار کار و دورکاری.
- * دکتر الهام ابراهیمی، استادیار پژوهشکده اقتصاد و مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأثیرات پاندمی کرونا بر فرایندها و نگرش‌های منابع انسانی.
- * دکتر فرزانه میرشاه ولایتی، استادیار پژوهشکده اقتصاد و مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فناوری‌های توانمندساز دورکاری در دوران کرونا و پس از آن.

دبیر علمی همایش:
* دکتر احمد پاکتچی

مدیر پنل:
* دکتر لیلاداد زعفرانچی

به صورت مجازی برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای شرکت و دسترسی به جلسه مجازی فقط در ساعت برگزاری جلسه می‌توانند از طریق لینک زیر در این جلسه مجازی شرکت فرمایند. لطفاً برای بهره بردن از تمامی امکانات جلسه مجازی از مرورگرهای Google Chrome, Firefox یا Safari استفاده نمایید.

<http://www.ihcs.ac.ir/coronaconf/fa/news/19429>

اردیبهشت ۱۳۹۹



در مجموع باید اذعان داشت، باور به تغییر مفاهیم مدیریت رفتار سازمانی در این دوران بیش از پیش مصداق پیدا کرده و اهمیت توجه به موضوعاتی نظیر «بازآفرینی مشاغل را بیش از پیش آشکار می‌کند. بازآرایی و بازآفرینی که در سه حوزه وظیفه، روابط بین فردی و حتی حوزه‌های شناختی تعریف می‌شود. بازآفرینی وظیفه زمانی اتفاق می‌افتد که کارکنان تعداد، وسعت و نوع وظایف شغلی را که برعهده دارند، تغییر دهند؛ برای مثال ممکن است وظایف جدیدی را عهده‌دار شده و یا شیوه انجام آن وظایف را تغییر دهند. در بازآفرینی رابطه، کارکنان به تغییر کیفیت تعاملات خود می‌پردازند و یا میزان تعامل با افراد یا قالب آن را تغییر می‌دهند و در بازآفرینی شناختی کارکنان مرزهای شناختی شغل خود را تغییر می‌دهند یا به عبارت دیگر نوع دیدگاه خود نسبت به شغل را تغییر می‌دهند. همان‌گونه که از توضیحات بیان شده در قالب فرایندها و نگرش‌های منابع انسانی در دوران کاری فعلی بر می‌آید، اکنون زمان آن فرا رسیده که کارکردهای سنتی مدیریت منابع انسانی به جای رویکردی بالا به پایین، روندی معکوس را پیش گیرند. روندی که از طریق بازتعریف وظایف، روابط و ادراک کارکنان، آثار منفی شرایط فعلی بر نگرش‌های کارکنان نظیر سرریز منفی اضافه‌بار نقش‌های خانوادگی بر کار را کاهش دهد. در پایان نباید فراموش کرد که در پس هر ابر سیاهی، روزه‌های امید هست! با تغییر کارکردهای سنتی مدیریت منابع انسانی می‌توان این آشفتگی ناخواسته را به فرصتی برای ارتقای نگرش‌های کارکنان و تحول حوزه‌های علوم مدیریت رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی بدل کرد.



آخرین سخنران این نشست، دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی در سخنرانی خود به موضوع «فناوری‌های توانمندساز دورکاری در دوران کرونا و پس از آن» پرداخت و گفت: ۲۹ بهمن سال ۱۳۹۸ به‌طور رسمی اولین موارد ابتلا به کوید ۱۹ در ایران تأیید شد و در پی آن، به‌سرعت مهدهای کودک، مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل شد. در ادامه، برخی کسب و کارها تعطیل شد یا ساعات کاری تقلیل یافته و بعضاً دورکاری در دستور کار بعضی فعالیت‌ها قرار گرفت. البته به‌نظر می‌رسد این دورکاری اجباری با از پیش آمادگی خوبی همراه نبود. این دورکاری فقط مختص ایران نبود، بلکه در چین یا کشورهای همسایه در عرض یک ماه میلیون‌ها نفر دورکار شدند. در آمریکا، شرکت‌های بزرگی همچون Google، در استرالیا شرکت‌های Cisco و Vodafone به سرعت بخشی از کارکنان خود را دورکار کردند.

شواهد و یافته‌های علمی نه چندان امیدوارکننده درخصوص پایان داستان کوید ۱۹ در آینده‌ی نزدیک به همراه سایر روندهایی که از قبل شروع شده بودند همچون: افزایش روزافزون تمایل شرکت‌ها به برنامه کاری منعطف، هزینه‌ها و مخارج قابل اجتناب با کمک دورکاری هدف‌مند و... ضرورت آمادگی بخش دولتی و خصوصی کشور برای ایجاد زیرساخت لازم و استفاده عاجل از ظرفیت‌های این روش بدیل را نشان می‌دهد. وی در ادامه درخصوص پیاده‌سازی اثربخش راهبرد دورکاری، آن را از سه بعد اصلی ابعاد مدیریتی، ابعاد نیروی انسانی، ابعاد فناورانه مورد توجه قرار داد و گفت: در بُعد مدیریتی، مواردی همچون: «ماهیت کسب‌وکار، نوع فعالیت‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ها، امکانات و زیرساخت‌ها، فرصت‌ها و شرایط محیطی، امنیت اطلاعات، و غیره» در گرایش و امکان انجام دورکاری مهم و مؤثر است.

از سوی دیگر، جنبه‌ی انسانی دورکاری نیز می‌تواند در اجرای موفقیت‌آمیز آن بسیار مهم باشد. مواردی از قبیل «دانش و مهارت، فرهنگ کاری، ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، و غیره». اما، روشن است که تحقق دورکاری نیازمند بستر مناسب سیستمی و فناورهای مرتبط است. به عبارتی، از آنجایی که زیرساخت‌های فناوری، نقشی حیاتی در ایجاد امکان دورکاری و همچنین توانمندسازی کارکنان در این رابطه دارد، میرشاه‌ولایتی در ادامه به بررسی دورکاری از منظر فناورانه، الزامات و فناورهای تسهیل‌کننده این مهم پرداخت و مباحثی همچون شرایط کرونا، الزامات دورکاری و محدودیت‌های موجود؛ ماهیت و ویژگی‌های فناوری‌های توانمندساز؛ وضعیت کنونی فناوری‌های توانمندساز در حوزه دورکاری و روندهای آینده‌ی فناوری‌های توانمندساز در حوزه دورکاری را بررسی کرد.

رویکرد زبان‌شناختی به مسئله‌ی کرونا

ششمین پیش‌نشست علمی همایش مجازی ابعاد انسانی- اجتماعی کرونا در ایران، روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ با حضور صاحب‌نظران و دانشجویان برگزار شد. در این نشست که با عنوان «رویکرد زبان‌شناختی به مسئله کرونا» برگزار شد، دکتر سیدمصطفی عاصی مدیریت پنل را برعهده داشت و ضمن ارائه‌ی مقدمه‌ای در مورد موضوع کلی پنل، آقایان دکتر فرهاد ساسانی (دانشیار دانشگاه الزهراء)، دکتر احمد پاکتچی (دانشیار پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دکتر مسعود قیومی (استادیار پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) را به‌عنوان سخنرانان این نشست معرفی کردند.

در ابتدای نشست دکتر فرهاد ساسانی در سخنرانی خود به موضوع «رخداد کلامی ناهم‌گام» پرداخت و گفت: زبان، با نگاهی نقش‌گرایانه، به چیزی جز متن تحقق‌یافته نیست. چنان‌چه از دور به متن‌ها بنگری، می‌توانی سازگان و رمزگان پس‌پشت آن را بیابی. با این نگاه، هر گاه کسی چیزی بگوید، بشنود، بنویسد یا بخواند، متنی را تولید کرده است. پس متن هر بار رخ می‌دهد. این رخ‌دادن را می‌توان یک «رخداد کلامی» نامید. رخداد کلامی اگرچه شاید در وهله‌ی نخست، گونه‌ی گفتاری زبان را تداعی کند که در آن دو سوی گفت‌وگو در بافتی مشترک حاضرند، در واقع می‌تواند خواندن یک نوشته بدون حضور نویسنده‌اش، و با گسترش ارتباط تلفنی گفت‌وگوی ناهم‌مکان، و با گسترش شبکه‌های ارتباط تصویری و اجتماعی گفت‌وگوی تصویری ناهم‌مکان و «چت» یا گفت‌وگوی نوشتاری ناهم‌مکان و ناهم‌زمان باشد. این ارتباط ناهم‌مکان ناهم‌زمان که از آن تعبیر به «ناهم‌گام» می‌کنم («گاه» هم به‌معنای مکان و هم زمان)، پدیده‌ای است، به‌نسبت تاریخ بشر، بسیار تازه و در عین حال به‌دلیل گستردگی و سرعت رشدش، بسیار آشنا. ولی گویی بتوان همه‌گیری کوید-۱۹ را نقطه‌ی عطفی در گسترش فزاینده‌ی این رخداد کلامی ناهم‌گام در عرصه‌هایی غیر از گپ‌های روزمره دانست، چنان‌که سیستم آموزش و در واقع دورآموزی، کار و در واقع دورکاری، مهمانی و در واقع دورمهمانی و دیگر فعالیت‌های اجتماعی مشابه را تقریباً یک‌شبه دگرگون کرده است. وی در ادامه ویژگی‌های این رخدادهای کلامی ناهم‌گام «ناروزمره» را بررسی کرد.

در ادامه‌ی نشست دکتر احمد پاکتچی با موضوع «زبان پزشکان و زبان مردم: آزمونی در بحران کرونا» سخنرانی کرد و گفت: «مسئله‌ی گویش صنفی پزشکان به‌عنوان شاخه‌ای از مباحث گویش اجتماعی (Sociolect)، ویژگی‌های این گویش و افزودن فهم‌پذیری متقابل میان پزشکان و عموم مردم، چندی است که توجه زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است. از جمله، هیرشهاوزن (۲۰۰۷م) در زبان آلمانی و پرلینسکا و کرزشتوف (۲۰۰۷م) در لهستانی و انگلیسی چنین پژوهشی را در سطح زبان و رسیدن به یک فرهنگ دوسویه دنبال کرده‌اند. فراتر از ضرورت همیشگی این بستر مطالعاتی، اکنون مواجهه با مسئله‌ی کرونا و دشواری‌های موجود در هم‌زبانی پزشکان و مردم چه در مقام آموزش و چه در مقام درمان، بدان ضرورت مضاعف بخشیده است. با نگاهی به محتوای پژوهش‌های انجام گرفته، باید گفت وجه غالب در آنها، رویکردی واژه‌شناختی محدود به هم‌ارزی‌های معنایی میان دو گونه‌ی زبانی است؛ اما آنچه می‌تواند به افزودن ژرفای بحث یاری رساند، پرداختن به جنبه‌های معنانشناختی فراتر از هم‌ارزی است. البته در پژوهش‌های بعدی جا دارد که تفاوت دو گونه‌ی زبانی، از حیث منطق گزاره‌ها و از حیث گفتمان نیز مورد مطالعه قرار گیرد که به‌دلیل محدود بودن مجال از بحث حاضر بیرون نهاده شده است.

از منظر معناشناسی، برخی از ملاحظات حرفه‌ای پزشکان، مانند نگرانی و پرهیز از تقلیل‌گرایی، اهمیت جنبه‌ی احتمالات و نیز درجه‌ی مسئولیت‌پذیری در تعهدسپاری به مخاطب از ویژگی‌های گویش حرفه‌ای آنان است؛ ضمن آن‌که آشنایی‌زدایی از زبان خود یکی از ترفندهای تاریخی پزشکان در ایجاد کاریمزای ارتباطی و هدایت کردن این کاریمزما در مسیر مؤثرسازی آموزش، درمان و جلوگیری از خوددرمانی و مداخله‌های غیرحرفه‌ای



است. همچنین در سطح واژگان، برخی از معنای مربوط به سپهر کلینیک مانند تریاژ از جمله مواردی است که رسیدن به تفاهم مناسب درباره‌ی آنها، هرگز در قالب روابط هم ارزی میان دو گونه زبانی قابل پی‌جویی نیست و برای فهم آنها مخاطب نیازمند آشنایی با سپهر معنایی کلینیک است.

گفتنی است، برخی از واژگان باریط با پزشکی که محصول دقت‌های عرفی‌اند -مانند فرق گذاردن میان سه نوع آزدگی اندامی در زبان آذربایجان -ağrı, sancı, acışma- یا رسوب نظام‌های درمانی ستی در زبان عمومی مانند طبایع چهارگانه در صورت ترجمه‌ی مناسب به زبان پزشکی می‌تواند سودمند باشند و در صورت بی‌اعتنایی می‌توانند سوءفهم و سوء رفتارهای جدی به‌وجود آورند. سرانجام باید توجه داشت که زدودن بافت فرهنگی در واژگان حرفه‌ای پزشکان و سوق یافتن به‌سوی یک زبان جهانی‌شده پزشکی از یک سو، و حفظ بافت فرهنگی در زبان عمومی مردم از سوی دیگر زمینه‌ای جدی و حساس برای فاصله گرفتن نظام واژگانی آنهاست.

آخرین سخنران نشست، دکتر مسعود قیومی، به موضوع «چالش سامانه‌های پردازش زبان طبیعی در مواجهه با نوآژه‌های کروناوی» پرداخت و گفت:

زمانی که جهان با پدیده جدید ویروس کرونا مواجه شد و هیچ نقطه‌ای از جهان از گزند این بیماری در امان نماند، زبان جوامع بشری نیز از این پدیده دست‌خوش تغییر کرد و در یک شرایط بحرانی به انفجار واژه‌ها و اصطلاحات جدید منجر شد. اگرچه مدت کوتاهی در حدود ۴ ماه از تولد این ویروس می‌گذرد، سرعت ساخت، انتشار و پذیرش واژه‌ها و اصطلاحات ساخته‌شده در جوامع بشری کمتر از سرعت شیوع خود ویروس نبوده است و این واژه‌ها و اصطلاحات توانسته‌اند در کوتاه‌زمان به‌خوبی جای خود را در زبان باز کنند. برای مثال ساخت واژه‌های جدید مانند «کروناوی» و «پاندومی»، مفاهیم جدید مانند «فاصله اجتماعی»، «فاصله‌گذاری هوشمند» و «ایمنی گله‌ای»، یا استعاره‌های جدید مانند «مهمان ناخواسته» یا «ویروس منحوس» در زبان فارسی بیانگر تحول سریع در زبان است. حتی نحوه‌ی مقابله با این ویروس به یک کارزار شبیه شده و اصطلاحاتی مانند «شکست کرونا» و «عملیات سرکوب کرونا» مفاهیم جدیدی را در خود دارد. این ویژگی مختص زبان فارسی نبوده و خلق مفاهیم جدید در زبان‌های دیگر نیز روی داده است، مانند covidiot که در زبان انگلیسی به فردی اطلاق می‌شود که بهداشت عمومی را نادیده می‌گیرد.

نکته‌ی دیگری که در مورد واژه‌ی «کرونا» باید ذکر شود نگارش آن در فارسی و زبان‌های لاتین است. در فارسی بدون نیاز به تصمیم فرهنگستان به‌صورت «کرونا» نوشته شده و توسط اهل زبان پذیرفته شده است و



پژوهشگاه دانش‌های بنیادی

همایش مجازی

ایجاد انسانیت اجتماعی - کرونا

در ایران

COVID-19



مشخص نیست چرا صورت نگارش «کرنا» مورد قبول اهل زبان واقع نشده است. سرنام‌سازی موجب شده است در زبان‌های لاتین «بیماری کرونا در سال ۲۰۱۹» به صورت «COVID-19» نگارش شود. تا پیش از این ۴ ماه، واژه «کرونا» جایگاهی در زبان‌های بشری نداشت و بسامد آن چیزی در حدود صفر بود؛ ولی امروزه روزانه چندین بار این واژه خوانده شده یا به گوش می‌رسد و به یکی از واژه‌های پربسامد و داغ تبدیل شده است. بنابراین خلق این واژه‌ها و اصطلاحات جدید که در بالا به آن‌ها اشاره شد سامانه‌های پردازش زبان طبیعی را با چالش مواجه می‌کند؛ چراکه سامانه با واژه و اصطلاحات کاملاً جدیدی مواجه می‌شود و عدم توانایی در پردازش این موارد به کاهش کارایی سامانه می‌انجامد. این واژه‌ها و مفاهیم خاص اصطلاحات نه تنها در لغت‌نامه‌های زبانی وجود ندارد، بلکه در پیکره‌های زبانی که ابزارهای پردازش زبان اطلاعات آماری و زبان‌شناختی خود را از آن‌ها استخراج می‌کنند نیز وجود ندارد.

مشکل «خارج از لغات» (Out Of Vocabulary (OOV در سامانه‌های پردازش زبان طبیعی یکی از مشکلات شناخته شده‌ای است که برای رفع آن، تلاش می‌شود ضمن استفاده از پیکره‌های زبانی و دسترسی به حجم زیادی از اطلاعات به صورت گنج‌واژه، از قواعد زبان‌شناختی برای تحلیل آن استفاده شود. چنانچه واژه همچنان نامشخص باقی بماند می‌توان تا حدی از روش‌های احتمالاتی برای رفع مشکل استفاده کرد. اما این روش‌ها هیچ‌یک به تنهایی توانایی تخمین دقیقی از ویژگی‌های زبان‌شناختی این واژه‌ها و اصطلاحات جدید اعم از تلفظ، مقوله‌ی دستوری و معنا را ندارد.

این کاستی‌ها بر لزوم پویا بودن پیکره‌های زبانی تأکید می‌کند. چنانچه در سامانه‌های پردازشی به پیکره‌های ایستای جمع‌آوری شده در یک بازه‌ی زمانی خاص بسنده شود، این چالش به مرور زمان پررنگ و پررنگ‌تر خواهد شد. اما اگر سامانه‌های

پردازشی خود را به منابع زبانی و پیکره‌های پویایی مجهز کند که امکان به‌روزرسانی سریع و مستمر آن فراهم باشد می‌توان تا حد قابل قبولی برای رفع این مشکل و مشکلات مشابه آتی گام برداشت. رویکردهایی مانند جمع‌آوری داده از وب و تهیه‌ی پیکره‌های تحت‌وب که از خزش رسانه‌های خبری برخط و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی حاصل می‌شود می‌تواند این پویایی را در داده‌های زبانی فراهم آورد تا بتوان در بزنگاه تغییرات ناگهانی، در زمان کوتاه زبان را مورد بررسی قرار داد و تا حد زیادی از کاهش کارایی سامانه‌های پردازش زبان در پردازش متون جدید جلوگیری کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

همایش مجازی

ابعاد انسانی-اجتماعی کرونا

در ایران

COVID-19

برگزاری ششمین پیش‌نشست علمی همایش ابعاد انسانی- اجتماعی کرونا در ایران
به کوشش پژوهشکده دانشنامه نگاری

به اطلاع می‌رساند **ششمین** پیش‌نشست علمی همایش ابعاد انسانی- اجتماعی کرونا در ایران، با موضوع: «**نشست رویکرد چندرشته‌ای به مسئله کرونا**» در روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۹۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ با حضور سخنرانان زیر:

سخنرانان:

- * دکتر فرهاد ساسانی، دانشیار دانشگاه الزهراء
- رخداد کلامی ناهمگاه.
- * دکتر احمد پاکتچی، دانشیار پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی زبان پزشکی و زبان مردم: آزمون در بحران کرونا.
- * دکتر سمود قیومی، استادیار پژوهشکده زیان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چالش سامانه‌های پردازش زبان طبیعی در مواجهه با نو واژه‌های «کروناوی».

دبیر علمی همایش:

* دکتر احمد پاکتچی

به صورت مجازی برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای شرکت و دسترسی به جلسه مجازی فقط در ساعت برگزاری جلسه می‌توانند از طریق لینک زیر در این جلسه مجازی شرکت فرمایند لطفاً برای بهره بردن از تمامی امکانات جلسه مجازی از مرورگرهای Google Chrome, Firefox یا Safari استفاده نمایند.

<http://www.ihs.ac.ir/coronaconf/fa/news/19442>

www.ihs.ac.ir/coronaconf

اردیبهشت ۱۳۹۹

کرونا و تربیت

هفتمین پیش‌نشست علمی همایش مجازی ابعاد انسانی - اجتماعی کرونا در ایران، روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ با حضور صاحب‌نظران و دانشجویان برگزار شد. در این نشست که با عنوان «کرونا و تربیت» برگزار شد، دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری (مدیر پنل) و دکتر خسرو باقری (استاد دانشگاه تهران)، دکتر نعمت‌ا... موسی‌پور (استاد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فرهنگیان)، دکتر محمد حسینی (دانشیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش) و دکتر علی‌رضا صادق‌زاده قمصری (استادیار دانشگاه تربیت مدرس و مدیرگروه علوم تربیتی شورای بررسی متون) به‌عنوان سخنران در این نشست حضور داشتند.

در ابتدای نشست دکتر خسرو باقری در سخنرانی خود را با موضوع «مثلث دَوّار من - تو - آن: نگرش‌های تربیتی کرونایی» گفت: پدیده‌ی کرونا هر روز دامنه‌ی تأثیرش را بلندتر می‌کند. سخن گفتن از تأثیر آن بر قلمرو تعلیم و تربیت، خود، در حوزه‌های مختلفی چون روش‌های یادگیری مجازی، ارتباط‌های اجتماعی مجازی دانش‌آموزان و نظایر آن قابل بررسی است. وی موضوع بحث خود را تأثیر این پدیده بر نگرش‌های تربیتی دانست و گفت: نگرش، تا حدی متفاوت با دانش و دانش‌ورزی است. نگرش هم از حیث کل‌نگری، وسیع‌تر از دانش است و هم از حیث آمیزه‌ها و عناصری که در آن حضور دارند، پیچیده‌تر است. نگرش چشم انداختن و دانش چشم دوختن است؛ نگرش با چشم‌انداز بیکران افق سروکار دارد، درحالی‌که دانش در کران سرزمینی معین به ژرف‌کاوی می‌پردازد. از حیث آمیزه‌ها نیز نگرش، مزاجی امتزاجی دارد و عناصر مختلفی چون شناخت، عاطفه، و روابط اجتماعی را در خویش گرد می‌آورد، درحالی‌که دانش، حتی در شکل بین‌رشته‌ای آن، از چنین تنوع و تکثری برخوردار نیست. به هر روی، در پی آنیم که تأثیر کرونا بر قلمرو تعلیم و تربیت را با تمرکز بر نگرش‌های تربیتی بررسی کنیم.



وی با ذکر این نکته که به نظر می‌رسد، کرونا نگرش‌نوینی را در تعلیم و تربیت فراهم می‌آورد، گفت: کرونا این کار را با به‌هم‌آوردن سه ضلع یک مثلث به انجام می‌رساند؛ سه ضلعی که گرایش به دور شدن از هم داشته‌اند. ضلع نخست، من فردی، ضلع دوم، دیگری و ضلع سوم، طبیعت یا جهان است که از آنها با عناوین «من»، «تو»، و «آن» یاد می‌کنیم. تباعد این سه ضلع، یا گرایش آنها به دوری از یکدیگر، به شرح زیر است. «من» در درجه نخست، دو ضلع دیگر را همتای خود نمی‌بیند، بلکه رابطه‌ی ارباب و رعیتی با آنها برقرار می‌سازد: «تو» تا جایی که در خدمت «من» است، قابل تحمل است و «آن» تا جایی که منبع تغذیه‌کننده «من» است، در نظر می‌آید. بر این اساس، «تو» به منزله‌ی «دیگری» همواره در اندیشه انتقام گرفتن از منیت «من» بوده است و نیز در کار حيله‌آوردن برای بیرون کشیدن «آن» از چنگ وی. تاریخچه‌ی «دیگری»‌های تحقیرشده، انباشته از سرگذشت این نبردهاست. سرانجام، «آن» نیز که طعمه «من» و «تو» بوده، همواره فرصت‌جویی کرده تا بر این دو شریک ناسازگار بشورد و علیه آنان طغیان کند و چون چارپایی که بیش از طاقت بر او بار کرده‌اند، از سواران خود تن زند و آنان را بر زمین زند.

نگرشی که کرونا فراهم می‌آورد، از طریق کنار هم چیدن این سه ضلع فرّار و دَوّرانی کردن مثلث حاصل از آنها است. نخست، باید این سه ضلع، هم‌تا شوند و باور کنند که سهم هر یک در شکل دادن به مثلث، برابر است. نه «من» بدون «تو» معنا و حیاتی دارد و نه لازم است که «تو» یا دیگری، در تلاشی واکنشی، حق تقدم را از «من» برآید و از آن خویش کند، چنان‌که اندیشمندان معاصر چون لویناس و دریدا بر آن کوشیده‌اند تا «دیگری» را بر تارک بنشانند و «من» را به تبعیت بکشانند. از سوی دیگر، «من» و «تو» بی «آن» چه توانند کرد،



جز آن که سر بر بالین گرسنگی بگذارند و بمیرند؟ طبیعت مامی است که این دو طفل را با دو پستان خویش شیر داده است و می‌دهد. بدین سان، باید همتایی این سه ضلع در برساختن مثلثی هماهنگ را باور کرد و فراهم آورد. اما حرکت دَوْرانی این مثلث برای آن است که هیچ دوضلعی برای ریاست تباری نکنند؛ مثلث دوار، رأس ثابتی برفراز ندارد.

وی با بیان اینکه کرونا نشان داد که باید میان «من» و «تو» اصلاح ذات‌البین صورت گیرد، گفت: البته هنوز این نگرش به خوبی آموخته نشده است و افراد و ملت‌هایی دیده می‌شوند که در فکر بودن فرصت و امکانات از یکدیگر برای بقای خویشند. اما کرونا با همه‌گیری بی‌ظنری که از خود نشان داده، اثبات کرده است که بقای همه‌گان به همه‌گان وابسته است. باید روزی فرابرسد که آدمیان باور کنند بدون دیگران، در وحشت تنهایی به سر خواهند برد و باید باور کنند که نیاز «من» به «تو» از نوع نیاز ارباب به برده، در تصویر هگلی آن، نیست، بلکه نوعی همتایی و هماوایی است. به راستی، تا کی باید آدمی در این توحش به سر برد که زندگی «من» (خواه فردی یا ملی) با دریدن «تو» (خواه فردی یا ملی) فراهم می‌آید؟ چه زمانی قرار است آدمیان بفهمند که تنها با هم زنده‌اند و اگر تنها بمانند، بازنده‌اند؟ اکنون آن زمان فرارسیده است و باید پای درس خودشناسی و اجتماعی کرونا این نگرش را نیک نویسید. اما حکایت «آن» نیز در کرونا بس شنیدنی است. از این منظر، کرونا فریاد کرکنده‌ی طبیعت است؛ انتقامی است که «آن» از «من» و «تو» می‌ستاند. طبیعت به آدمی می‌آموزاند که خطاشکیبی «آن» حدی دارد و تحمیل بیش از حد آدمی را تحمل نخواهد کرد. آدمی باید حریم طبیعت را پاس دارد و گرنه حیات را بر او حرام خواهد کرد. با کرونا طبیعت، نفسی تازه کرده است: وَالصُّبْحُ إِذَا تَنَفَّسَ. جلوه‌های گشایش تنگ‌نفس طبیعت، این جا و آنجا هویداست؛ در پاکیزگی هوا، در رهایی حیوانات، در ترمیم لایه‌ی اوزون و نظایر آنها. کرونا به ما آموخت که بسیاری از کارهای ما بیهوده بوده و بدون انجام آنها، نه تنها آسیبی به کسی یا جایی نمی‌خورد، بلکه آسیب‌هایی نیز چاره می‌شوند. «کار» باید اکنون بازتعریف و از شبه‌کار تفکیک شود؛ هم باید مشخص شود که شبه‌کار چقدر از ارزش کار دور است و هم ارزش دورکاری به‌خوبی درک شود. اکنون بایسته است که از دریچه‌ی نگرش‌های انسانی، اجتماعی و طبیعی حاصل از کرونا به تعلیم و تربیت نگاه کنیم و در این چشم‌انداز وسیع به دانش‌آموزان خود چیزی بیاموزانیم. ما نیاز داریم که مقدار خود را بشناسیم، قدر دیگران را بازیابیم و قدرت خویش را به رخ طبیعت نکشیم. در متن این نگرش‌ها، دانش نیز در جایگاه مناسب خود خواهد آرمید.»



سپس دکتر نعمت‌ا... موسی‌پور به موضوع «دامن کشیدن فرهنگ‌سازی از نظام تربیتی: آثار کرونا بر درک ارزش ساختارها» پرداخت و گفت: فرهنگ‌سازی پدیده‌ای تربیتی و دارای سابقه طولانی است. نخستین متفکران تجددگرای ایران، باور داشتند که طریق رستگاری ایرانیان، فرهنگ‌سازی است که بنیاد آن بر «باور به اراده و اختیار شخص» و «ضرورت افزایش دانایی فرد برای عمل» قرار داشت. اختیار یک واقعیت حیات فردی و آگاهی یک مؤلفه‌ی انتقالی از تجربه‌ی جمعی است؛ که حامل آن، نظام آموزشی است. این بود که توسعه‌ی مدارس و دانشگاه‌ها در ایران از ابتدای قرن چهاردهم شمسی رونق گرفت. چنین تصور می‌شد که آگاهی با اختیار درهم می‌آمیزد و عمل شخص را شکل می‌دهد. ایجاد شرایط تحقق عمل مورد انتظار، فرهنگ‌سازی نام گرفت؛ پدیده‌ای

که رنگ تعلق می‌پذیرفت. یعنی می‌توانست برآمده از «باستان‌گرایی قومی» یا «آینده‌گرایی دینی» باشد. همین ویژگی اخیر سبب شد در دهه‌ی چهل و پنجاه شمسی، هم مردان شاه به‌عنوان حکومت مستقر و هم مردان انقلاب به‌عنوان بدیل آن، در یک اعتقاد همانند باشند: «فرهنگ است که جامعه را می‌سازد.

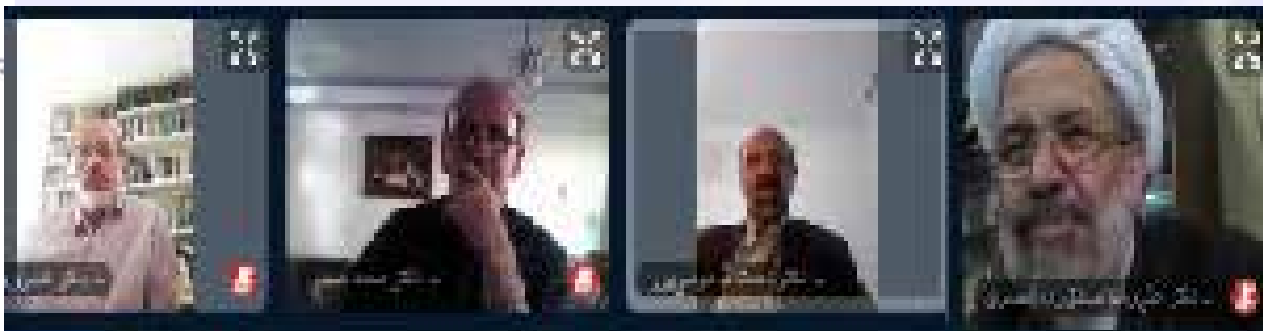
وی درخصوص دلیل اهمیت آموزش و پرورش گفت: چون تصور می‌شود آموزش و پرورش می‌تواند با مدیریت تربیت بیرونی، به دانایی اشخاص شکل دهد؛ هرچند که تجربه تاریخی بشر و تلاش‌های پیامبرانه، توفیق آن را نشان نمی‌دهد. حاصل این شکل‌دهی، تحقق نوع خاصی از «فرهنگتگی» است؛ که منتهی به تشخیص موقعیتی عمل می‌شود. این همان موضوعی است که «انقلاب‌ها» به آن دل سپرده‌اند. انقلاب‌ها اصولاً با ساختارها سازگاری ندارند و آنچه در ایران انقلابی رخ داد هم در خدمت آن بود که ملت «انقلابی باشد». موسی‌پور فرهنگ‌سازی را دارای جلوه‌ای اغواکننده دانست و گفت: به دلایل متعددی فرهنگ‌سازی در تمام سطوح جامعه‌ی انقلابی ایران طی چهار دهه‌ی گذشته گسترش یافت و همه‌گان آن را باور کردند. چنان شد



که برای حل هر مسئله‌ای، از طولانی شدن دادرسی در دادگاه تا جرم کردن رانندگان در آزادراه، یک راه‌حل مطرح بود: «باید فرهنگ‌سازی شود!» همین بود که وقتی از افسر راهنمایی و رانندگی در کلان‌شهر تهران پرسیده می‌شد: چگونه می‌توان وضع رانندگی را در جامعه بهبود بخشید، جواب این بود: باید فرهنگ‌سازی شود؛ و اگر همین پرسش از یک والد بی‌سواد در دوردست شهرهای بزرگ هم پرسیده می‌شد که تنها تجربه‌اش از رانندگی مردم، بوقی بود که کامیونی برای دورکردن گوسفندانش از مسیر جاده به صدا درآورده بود، او هم می‌گفت: باید فرهنگ‌سازی شود! فرهنگ‌سازی طی سه دهه‌ی گذشته رمز عملیات روانی و حتی عملی علیه آموزش و پرورش و معلمان معجزه‌گر آن شد که با جانفشانی، بذر دانایی را در جان ملت می‌کاشتند و زنده نگه می‌داشتند. با ذکر این مصیبت، بر تن این مجموعه خدمت، چه ضربه‌ها که زده شد! اصرار بر این بود که «تربیت صحیح»، اگر باشد، عمل درپی آن است! و سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی، سنگر مدرسه و تعلیم و تربیت و فرهنگ است.

وی با بیان اینکه اعتقاد به فرهنگ‌سازی با تمرکز بر «اختیار عمل» دنبال می‌شود و با ساختار مغایرت دارد، گفت: ساختارها، مجموعه‌ای از قواعد و اصول حاکم بر عمل اجتماع هستند که بر بنیادی توافق یا تحمیلی شکل می‌گیرند اما به‌طور جدی از استمرار خود محافظت می‌کنند و بازتولید می‌شوند. ساختارها در قامت کلی حکومت با قوای مستقل یا نامستقل تبلور می‌یابند و تبعیت از آنها راهی برای زیستن در آنهاست. آنها تعیین حقوق و حدود می‌کنند و خود حامی بالفعل خود هستند. ساختارسازی در مقابل فرهنگ‌سازی قرار دارد و مانع اصلی تحقق انسان دارای عمل متکی بر تشخیص شخصی است. کسی در درون ساختارها، «به اختیار» نیست؛ بلکه عنصری از یک کل سازمان‌یافته هدف‌مند است که برای بودن آن، تعریفی وجود دارد و برای عمل آن، تحدیدی!

شخص، جزئی از کل است که هرگونه خروج از او ساختار، جهانی را به «آشوب» می‌کشد. نحوه‌ی عمل «ویروس کرونا» در عصر ما، آشکار ساخت که چگونه هیچ عملی در این جهان، بی‌ارتباط با سایر رخدادهای پدیده‌ها نیست! آنچه بیش از یک قرن توسط متفکران سیستمی بیان می‌شد، اکنون به شکل عملی تحقق یافت تا ذهن عینی‌گرای بشر، به فهم آن نائل آید و باور کند که فرهنگ‌سازی بنیادی برای عمل آزاد و تشخیصی ایجاد می‌کند و در عصری دارای حرمت است که هر شخص بتواند عمل خود را تعریف و بدون عنایت به پیامد آن بر دیگری، بگوید: «من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش!» اکنون هر بودنی بر بودن‌های دیگر مؤثر است. نیک و بد همه‌ی اعضای اجتماع به‌هم آمیخته است. این‌جاست که دیگر نمی‌توان به توان تربیت برای فرهنگ‌سازی اکتفا کرد و لازم است حکومت به ساختارسازی اقدام نماید. البته



فرهنگ‌سازی برای گروه‌هایی اندک از جامعه که در سطحی خاص از اعتلای شخصی عمل می‌کنند، دارای نقش اساسی است ولی در یک جامعه، سرنوشت همه‌ی اشخاص به‌هم پیوسته است. عمل هر یک بر همه‌گان تأثیر می‌گذارد. کرونا به روشنی این پدیده‌ی مهم اجتماعی را آشکار کرد که «هم‌سرنوشتی» و «طوفان‌سازی اثر ذره‌ای» در اجتماع بشری به چه معناست. اکنون این ویروس ناپیدای نوپدید بنیان‌افکن اجتماعات بشری، از عیش و شادی تا وفات و سوگواری عزیزان، به ما آموخت که در ظهور عمل مناسب، ساختارهای اجتماعی دارای نقشی بیش از تربیت فردی هستند. فرهنگ‌سازی تنها می‌تواند به افزایش آگاهی از حقوق و حدودی اقدام کند که با ساختارسازی به تعیین آنها اقدام شده است».



در ادامه‌ی نشست دکتر محمد حسینی به موضوع «تربیت اخلاقی اجتماع بر مبنای حساسیت اخلاقی: پادتن اجتماعی و ویروس کرونا» پرداخت و گفت: کرونا پدیده‌ی پیچیده‌ای است. این پدیده صرفاً بهداشتی و مرتبط با سلامتی افراد نیست. قدرت تأثیرگذاری این پدیده آن‌چنان زیاد است که می‌تواند نگاه بشریت را به زندگی و هستی تغییر دهد. لذا می‌توان از ابعاد مختلف به بررسی آن پرداخت. ابعاد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و حتی اخلاقی موضوع بسیار جدی و مهم است؛ حتی از پروتکل‌های درمانی و مراقبتی هم بسی جدی‌تر است. کرونا در مناسبات اجتماعی (بین فردی) توسعه می‌یابد. به‌نظر می‌رسد که بیش از آن‌که دنبال تولید پادتن

کرونا بگردیم تا بدن‌ها را مصون سازیم، به دنبال پادتن اجتماعی باید بگردیم تا جامعه مصون از شیوع کرونایی شود؛ زیرا ویروس‌ها موجودات عجیبی هستند و این ظرفیت را دارند که با جهش‌های عمدی و غیرعمدی (با مداخلات غیرطبیعی) نسل بشر را در خطر انقراض قرار دهند. به همین دلیل تولید پادتن کرونا و یا داروی درمان آن، راهکاری موقت برای مواجهه با این بلاست. ما باید به دنبال راهبردی باشیم تا نه تنها افراد، بلکه جامعه نسبت به این‌گونه فجایع مصونیت پیدا کند.

وی در خصوص توسعه‌ی معنایی مصونیت از فردی به اجتماعی، گفت: نکته‌ی مهم این موضوع در واقعیت طبیعی سرایت ویروس و شیوع بین فردی است. اگر ویروس‌ها دست‌به‌دست نشوند، خطری جوامع را تهدید نمی‌کند. پس باید روی سرایت و شیوع و سازوکارهای فیزیولوژیک و روانی شیوع تمرکز کنیم. متخصصان بهداشت روی سازوکارهای فیزیولوژیک تمرکز می‌یابند. آن را به موضوع مراقبت فردی فرو می‌کاهند. راهکارهایی که می‌دهند مبتنی بر انگیزه‌های فردی، مراقبت و صیانت از سلامت خود یا حداکثر خانواده است. این اگرچه لازم است، اما بی‌تردید کافی نیست. باید به دنبال راهی بگردیم که از طریق بهبود مناسبات بین فردی از شیوع جلوگیری کند. باید دید در مناسبات بین فردی چه راهکاری برای کنترل این‌گونه چالش‌ها وجود دارد که منجر به فجایع نشود.

حسینی به گسترش دامنه‌ی مسئله از فرد به حوزه‌ی بین‌فردی پرداخت و گفت: اخلاق به‌عنوان یک پدیده اجتماعی رخ می‌نمایاند؛ بنابراین شیوع کرونا می‌تواند به دلیل ماهیت انتشارش که امری بین فردی است، به حوزه اخلاق مرتبط شود. به سخن دیگر مصونیت از مرز فردی گذر می‌کند و وجه اجتماعی نیز پیدا می‌کند. ممکن است فردی به لحاظ فیزیولوژیک با تزریق واکسن کرونا نسبت به آن مصون شود، در وجه اجتماعی نیز جامعه‌ای نیز می‌تواند با روش‌هایی (نه صرفاً فیزیولوژیک) بلکه اجتماعی به‌نوعی مصونیت در برابر اشاعه دست یابد. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که اتکا بر اصول اخلاقی و کنش‌ورزی اخلاقی مردمان جوامع مهم‌ترین راهبرد مواجهه با این‌گونه بلااست که در کلیدواژه‌ی سرایت و شیوع اشتراک دارند. مراد از مواجهه‌ی اخلاقی، توصیه به عدم احتکار مواد و اقلام بهداشتی موردنیاز، نیست یا حتی تشکیل سمن‌ها برای کمک به پیران و بیماران جامعه و تجلیل از فداکاری‌های جامعه‌ی پزشکی و پرستاران نیز نیست که این‌ها در جای خود بسی ارزشمند هستند. مراد از کنش‌ورزی اخلاقی عمیق‌تر آحاد جامعه در سطح انگیزه‌های عالی پایدار شده است که نامش در مباحث فلسفه‌ی اخلاق حساسیت اخلاقی است. منظور از حساسیت اخلاقی دغدغه‌مند بودن، وفادار بودن، حساب‌گری همیشگی و همه‌جایی و برانگیختگی به‌جا و به‌موقع موافق و هماهنگ با اصول اخلاقی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی است.

وی در ادامه به محتوای حساسیت اخلاقی پرداخت و گفت: حساسیت اخلاقی بدون محتوای مشخص بروز و جلوه‌ی بیرونی نخواهد یافت. حال باید دید که حساسیت نسبت به چه اصل اخلاقی می‌تواند عامل مقابله با چنین خطرهای جمعی باشد که خطر آن در شیوع و سرایت نهفته است. در ادبیات کشور ما که سرشار از مضامین



بلند اخلاقی است، اصلی اساسی در اخلاق به چشم می‌خورد که می‌تواند درون‌مایه‌ی این حساسیت اخلاقی باشد و جامعه را به سمت سلامتی و نیک‌بختی ببرد. این اصل با موضوع سرایت و شیوع ارتباط وثیقی نیز دارد. در اصول اخلاقی ما، مردم‌آزاری یک ضد ارزش است. برخی متفکران بر این باورند که ملاک مهم برای حسن اخلاقی یک فعل آن است که پیامدش به آزار و اذیت دیگری منجر نشود. تا جایی که سعدی توصیه می‌کند «میازار موری که دانه‌کش است» یعنی گستره‌ی مصداقی این اصل مهم جانوران کوچک چون موران را هم در برمی‌گیرد. در این جا حساسیت اخلاقی چنین مصدقی پیدا می‌کند که هر فرد نسبت به پیامدها و آثار عملش نسبت به دیگران دغدغه‌مند باشد.

وی درخصوص معنای حساسیت اخلاقی یک کنش‌گر اخلاقی با درون‌مایه این اصل اصیل و رکن اخلاقی، در فضای سرایت و شیوع و دست‌به‌دست شدن عامل بیماری گفت: این مسئله یعنی اینکه من نباید عملی را انجام دهم که عامل این بیماری را بگیرم و تا منبع انتقال شوم همچنین عمل من باعث شود عامل این بیماری به فرد دیگری منتقل شود یا کاری کنم که زمینه این انتقال فراهم شود؛ زیرا این عمل موجبات آزار دیگران را فراهم می‌سازد. حتی در این مواجهه‌ی اخلاقی با چنین پدیده‌ای دلیل مراقبت از خود صرفاً سلامتی خود نیست که البته این مهم است بلکه دلیل مهم ترش از منظر کنش‌گر اخلاقی با چنین حساسیتی این است که با بیمارشدنم زمینه‌ی زحمت و رنج برای دیگران را فراهم می‌سازم. ظرفیت درمانی محدود جامعه را اشغال می‌کنم و لذا فضا برای درمان دیگران کم می‌شود و بابت هزینه‌هایش جامعه متضرر می‌شود، جان برخی دیگر درخطر می‌افتد. بدیهی است که اگر این جهت‌گیری اخلاقی سطح حساسیت اخلاقی در بین عوام و خواص هماهنگ شود، جامعه روی نیک‌بختی را خواهد دید. این همان پادتن اجتماعی کروناست.

حسنی در ادامه مباحث را جمع‌بندی نمود و گفت: اگر احاد جامعه به چنین درک و حساسیت اخلاقی نائل آیند، به سهولت می‌توان از گسترش و تبدیل شدن این بیماری‌ها به یک فاجعه‌ی ملی یا جهانی جلوگیری کرد. شاید برخی تصور کنند که این سخن سهل و ممتنع است. واقعیت این است که این سخن نه سهل است نه ممتنع. ظرفیت‌های اخلاقی انسان‌ها که ما عموماً به زیبایی در این دوران بحران شاهدش هستیم، نشان می‌دهد که این کار ممتنع نیست؛ اما انجام آن سهل هم نیست. کم نیستند انسان‌هایی که ظرفیت‌های اخلاقی‌شان دست‌نخورده و بالقوه باقی‌مانده است. بسیاری از انسان‌هایی که ظرفیت حساسیت اخلاقی‌شان فعلیت یافته است و نشر چنین استدلالی بر جان‌شان می‌نشیند و آنها را تبدیل به یک کنش‌گر اخلاقی می‌کند. در هر صورت کاری است که نیازمند یک اهتمام مشترک محلی، منطقه‌ای، ملی و شاید جهانی است. شاید ویروس‌ها آثارشان فقط کشندگی نباشد و از این طریق و به نحو سلبی نویدبخش و حیات‌بخش برای جوامع نیز باشند؛ آن زمان که چنین پدیده‌هایی موجب تحریک، شکفتن و برکشیدن ظرفیت حساسیت اخلاقی احاد جامعه شوند. این امر زمانی تحقق خواهد یافت که در جامعه نوعی گفتمان اخلاقی شکل بگیرد و اخلاق از دغدغه‌های اجتماعی اولیه و اساسی احاد جامعه شود. قدرت تشخیص و ارزیابی موقعیت‌ها از منظر ارزش‌های اخلاقی به‌ویژه عدم آزار دیگری تشدید شود.

اردیبهشت ۱۳۹۹



و در آخر دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری به مبحث «رویداد کرونا، شاهدهی آشکار بر اولویت پرداختن به وجوه عقلانی حیات‌طیبه در نظام تربیت اسلامی» پرداخت و گفت: در قرآن کریم به زندگی مطلوب انسان تنها یک بار به صراحت با تعبیر حیات‌طیبه اشاره شده است (سوره نحل، آیه ۹۷)؛ که ناظر است به توصیف و ترسیم سیمای زندگی آرمانی انسان و مشخصات و ابعاد آن از منظر دین؛ البته این نوع زندگی پدیده‌ای نیست که در عالم آخرت و پس از مرگ محقق شود، بلکه در حقیقت در همین زندگی دنیوی و با تنظیم و ساماندهی و صبغه الهی بخشیدن به زندگی طبیعی و روزمره‌ی آدمی صورت تحقق می‌یابد. به بیانی دقیق‌تر حیات‌طیبه عبارت است از:

«وضعیت دل‌پسند، رضایت‌بخش و شایسته زندگی فردی و اجتماعی آدمی در دنیا و در همه‌ی شئون مختلف، براساس نظام معیار ربوبی است که مراتبی از آن، پس از انجام اعمال شایسته، همراه با ایمان، از سوی خداوند کریم، و در جهت تعالی زندگی طبیعی، به همه‌ی انسان‌های نیکوکار و مؤمن عطا

می‌شود. بر این اساس، تحقق حیات‌طیبه در معنای حقیقی آن، مشروط به پذیرش اختیاری دین حق و انجام اعمال صالح بر این مبنا است، اما چنان‌که می‌دانیم نظام معیار ربوبی در دیدگاه اسلامی، مفهومی ذو مراتب است که برخی از ارزش‌های مراتب نخستین آن، مطلوب بالفعل فطرت کمال جوی همه انسان‌هاست و می‌توانیم



مصادیقی از ارزش‌های اصلی مورد تأکید در حیات‌طبیّه حقیقی (مواردی نظیر صداقت، عدالت‌ورزی، شکر نعمت، امانت‌داری و وفای به عهد و حتی حفظ سلامت بدن) را برای هر انسان طبیعی، سالم، خردمند و باقی‌مانده بر اصل فطرت (ولو افراد غیرمتدین به دین حق) نیز اموری خواستنی و تحقق‌پذیر بدانیم و در نتیجه اهتمام به این نوع ارزش‌های عقلانی، که عقل بشری به‌طور مستقل درباره‌ی آنها حکم می‌کند، باعث می‌شود تا تحقق این مراتب از نظام ارزش‌های حیات‌طبیّه، آرمان قابل وصول و واقع‌بینانه‌ای برای عموم مردم (اعم از دینداران و افراد غیرمتدین) به‌شمار آید و لذا باید تلاش برای تحقق حیات‌طبیّه، از این مراتب آغاز شود.

از این‌رو به‌نظر می‌رسد یکی از زمینه‌های اصلی تحقق حیات‌طبیّه آن است که همه‌ی انسان‌ها را به اقتضای فطرت پاک و حکم عقل سلیم و ندای وجدان درون، نخست به تحقق این مراتب اولیه از ارزش‌های انسانی و عقلانی فراخواند و انسانیت آنها را از این مسیر، بالفعل کرد؛ زیرا وصول به‌معنای حقیقی حیات‌طبیّه، بدون دستیابی به این مراتب ممکن نیست. یعنی در جریان تربیت اسلامی - به‌مثابه روند زمینه‌سازی برای ورود متریبان به فضای حیات‌طبیّه حقیقی - ابتدا باید نسبت به پذیرش و التزام عملی ایشان به آن دسته از ارزش‌های انسانی اصرار ورزیم که وجوه عقلانی و فرادینی حیات‌طبیّه هستند (یعنی قبول و پایبندی نسبت به آنها مشروط به انتخاب دین حق و ایمان و التزام به همه ارزش‌های نظام معیار ربوبی نیست هرچند درعین حال دین، حکم مستقل عقل عملی درباره حسن آنها را تقریر و امضا می‌کند و لذا در نظام معیار ربوبی مقبول و حتی بسیار مورد تأکید هستند) زیرا رعایت عملی این دسته از ارزش‌های عقلانی - حتی اگر صرفاً با انگیزه‌های دنیایی و غیر دینی صورت پذیرند - مراتب اولیه‌ای از زندگی مطلوب انسانی را - به‌مثابه پیش‌نیاز حیات‌طبیّه حقیقی - فراهم می‌سازد. بنابراین آماده شدن جهت تحقق حیات‌طبیّه (یعنی مقصود اصلی جریان تربیت اسلامی) نیز می‌تواند به‌جای مباحث اعتقادی و عبادی، از درخواست التزام مخاطبان به این وجوه عقلانی و فرادینی حیات‌طبیّه آغاز شود؛ چراکه تعهد عملی به آنها با فطرت آدمی و حکم مستقل عقل بشری متناسب است و لذا قبول آنها نیازمند حل و فصل مباحث گسترده درباره عقائد دینی نیست.

وی در ادامه گفت: اما برخلاف آنچه گفته شد نکته‌ی قابل توجه و چالش‌برانگیز در اندیشه‌ی عموم صاحب‌نظران تربیتی مسلمان و یکی از نواقص عموم مفهوم‌پردازی‌های رایج در جهت ترسیم نظام تربیت اسلامی در جوامع معاصر، عبارت است از نوعی غفلت و یا کم‌توجهی نسبت به وجوه عقلانی حیات‌طبیّه و در نتیجه شاهد کمترین تلاش برای توجیه این نوع زندگی شایسته‌ی انسانی اسلامی باتکیه‌بر دلایل عقلی و عقلایی هستیم؛ یعنی به‌جای بیان استدلالی لزوم حرکت متریبان در مسیر تربیت اسلامی، باتکیه‌بر کمال‌گرایی فطری ایشان و انجام بحث در فضایی فلسفی و فراتر از دلایل درون دینی، نوعاً توجیه لزوم حرکت در این مسیر با فرض پذیرش عقاید دینی اسلام از سوی مخاطب بحث و بنا بر تعبد و التزام او به آموزه‌ها و ارزش‌های آن، (و طبیعتاً برای اقناع خصوص دینداران و مؤمنان) صورت گرفته است. درحالی‌که چنین توجیهی و توجه به‌وجوه عقلانی و فرادینی حیات‌طبیّه، می‌تواند برای عموم انسان‌های دارای عقل سلیم و وجدان بیدار - اعم از متدین و غیرمتدین - موضوعی پذیرفتنی باشد. بر همین اساس به‌نظر می‌رسد (به اقتضای بحث حاضر و لوازم آن) نظام‌های تربیت اسلامی باید تحقق وجوه عقلانی حیات‌طبیّه، را در مرتبه نخست اهتمام خود قرار دهند درحالی‌که روند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و عمل در عموم نهادهای تربیتی جوامع اسلامی معاصر، معمولاً برای ساحت تربیت دینی به‌معنای خاص اولویت ویژه قائل هستند و خصوصاً عرصه‌هایی مانند تربیت بدنی و زیستی، تربیت اخلاقی (به‌معنای عام) و تربیت اجتماعی را در مراتب بعدی اهمیت قرار می‌دهند.

اما در این میان رویداد کم‌سابقه کرونا و آثار گسترده‌ی آن در زندگی عموم افراد جامعه را باید شاهدی از غیب دانست بر لزوم توجه به وجوه عقلانی حیات‌طبیّه در نظام تربیت اسلامی، پدیده‌ای که باعث شد اموری عقلانی مربوط به مواجهه با این رویداد - نظیر التزام به خانه‌نشینی برای حفظ سلامت بدن، مسئولیت اخلاقی نسبت به سلامت و بهداشت دیگران، رعایت ضوابط و مقررات سخت‌گیرانه در فاصله‌گذاری اجتماعی ناظر به مصالح اجتماعی عموم افراد و تلاش اخلاقی و ایثارگرانه در حمایت از آسیب‌دیدگان کرونا - نسبت به سایر امور مهم فردی و جمعی زندگی (نظیر تلاش‌های اقتصادی و فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و حتی انجام مناسک جمعی مذهبی) از سوی همه‌گان در درجه‌ی اول اهمیت قرار گیرند.

از این‌رو به‌نظر می‌رسد در شرایط پساکرونا، نظام تربیت اسلامی جامعه‌ی ما (چه در مقام اندیشه و چه در مقام عمل) باید مورد بازنگری اساسی قرار گیرد و در آن وجوه عقلانی حیات‌طبیّه از جمله اهداف و تدابیر مربوط به ساحت‌های تربیت بدنی و زیستی، تربیت اخلاقی و تربیت اجتماعی به‌عنوان امور ضروری و پیش‌نیاز برای سایر وجوه حیات‌طبیّه، مورد توجه جدی عموم سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران و معلمان مدارس و دیگر نهادهای تربیتی این نظام قرار گیرند.



هشتمین پیش‌نشست علمی همایش ابعاد انسانی- اجتماعی کرونا در ایران:

زنان، کرونا و ابعاد انسانی - اجتماعی و فرهنگی

هشتمین پیش‌نشست علمی همایش مجازی ابعاد انسانی- اجتماعی کرونا در ایران، روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ با حضور صاحب‌نظران و دانشجویان برگزار شد. در این نشست که با عنوان «زنان، کرونا و ابعاد انسانی- اجتماعی و فرهنگی» برگزار شد، دکتر شکوه‌السادات حسینی (مدیر پنل) و دکتر زهرا داورپناه (استادیار مرکز تحقیقات زن و خانواده قم)، دکتر نعمت‌ا... فاضلی (استاد پژوهشکده مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر فرشته موتابی (استادیار پژوهشکده‌ی خانواده دانشگاه شهید بهشتی) به‌عنوان سخنران در این نشست حضور داشتند.



در ابتدای نشست، دکتر زهرا داورپناه، استادیار مرکز تحقیقات زن و خانواده قم، در سخنرانی خود به موضوع «خانواده به‌مثابه امر بحرانی (critical)» پرداخت و گفت: یکی از کلید واژگان ایام کرونا، بحران بود. بحران یا (Crisis) از ریشه یونانی (Krinein) و هم‌ریشه کریتیک (نقد) است؛ همچنین با واژه (Criterion) یعنی معیار و محک، شباهت دارد. به این ترتیب نقد، بحران، معیار، محک و منتقد، ریشه مشترک و واحد در سنت یونانی دارند. این واژگان در سه قلمرو امور دادگاهی، امور سیاسی و امور طبیی به‌کار می‌رفته است. در همه‌ی این موارد، نقد یا سنجش، نقطه چرخش و نیز گزینش و انتخاب شیوه‌ای جدید در شرایط نامطلوب و بحرانی است. بحران؛ یعنی مشکل و بن‌بست و نقد فرایندی است که توسط آن، مشکل مورد تحلیل قرار می‌گیرد و راه‌حل و راه خروج از بن‌بست پیدا می‌شود.

در ادامه داورپناه گفت: بحران کرونا سبب قرنطینه‌ی خانگی و در خانه

ماندن، به‌عنوان راه پیش‌گیری از بیماری و تقلیل سرعت بحران مطرح شود. امری که اهمیت خانواده در بحران و اهمیت بحرانی خانواده را برجسته می‌سازد. در این منظر «خانه» دیگر نه صرفاً به‌عنوان مکان زیست، بلکه تنها پناه‌گاه و کلید بقای حیات بشری نمودار می‌شود. گویی تعبیر هایدگری از اهمیت بنیادین در خانه بودن و سکناگزیدن در سطح زندگی روزمره منتشر می‌شود. سکناگزیدن که در فلسفه‌ی هایدگر به‌معنای چیرگی بر فراموشی هستی بود، در ادراک روزم مردم و حاکمیت‌ها، تنها راه نجات از مرگ تلقی می‌شود. این اهمیت از ابعاد مختلف قابل بررسی است: نخست پیش‌گیری از بیماری و مراقبت از بیماران در خانه که تنها همین بعد از منظر اقتصاد مراقبت چنان اهمیت دارد که اگر حکومت‌ها بخواهند خود چنین خدماتی را ارائه دهند، هزینه‌ای بسیار سنگین تحمیل می‌شود. ضرب این هزینه و پیچیدگی مدیریت این حجم از خدمات در فشار و هزینه‌ای که بحران کرونا به جهان تحمیل کرد، ما را متوجه اهمیت واقعی نهاد خانواده می‌کند. قرنطینه و الزام به تأمین همه یا غالب نیازها در خانه، بازگشت به نقش‌های قدیمی خانواده به‌مثابه تأمین‌کننده نیازهای آموزشی، مذهبی، عاطفی، روانی، درمانی و اقتصادی را در پی داشت. به این ترتیب افرادی که تنها زندگی می‌کردند و از محیط‌های اجتماعی مختلف، نیازهای گوناگون خود را تأمین می‌کردند، ناگهان با نیازهای متعددی مواجه شدند که حالا باید خود، به تنهایی آنها را برآورند. این فشار سبب کاهش جدی کیفیت زندگی و آسیب‌پذیری جسمی و روانی می‌شود. وی ادامه داد: در همین روزها، نگرانی‌ها درباره خشونت خانگی افزایش یافت. کرونا اعضای خانواده‌های نایمن را ملزم به ماندن در خانه می‌کند و تعامل میان هم‌خانه‌های خطرناک و آسیب‌پذیر را -مانند هم‌خانه‌های سالم دیگر- افزایش می‌دهد. به‌این ترتیب در شرایط بحران، خانواده‌ی معمولی، راه حل و زندگی‌بخش به حساب می‌آید ولی خانواده‌هایی هم هستند که بیرون و درون آنها به یک اندازه فرد در معرض خطر قرار می‌گیرد. سال‌ها بود که به‌نظر می‌رسید جهان به‌چنان پیشرفتی در تقسیم کار و غنایی در کسب‌وکارهای خدماتی رسیده

که فرد به صرف برخورداری از منابع مالی مناسب می‌تواند «همه‌ی» نیازهای خود را از بازار خریداری کند. در این فضا خانواده، به‌خصوص خانواده‌ی پایدار و طولانی مدت کمابیش به‌امری عاطفی، ارزشی و تجربه‌ای رمانتیک تقلیل می‌یافت که غالب کارکردهای آن جایگزین‌پذیر است و حتی گاهی تجملی قدیمی به حساب می‌آید. بحران کرونا در کنار همه‌ی نقدهایی که بر جهان مأنوس ما وارد آورد، جانی تازه به گفتمان‌های خانواده‌گرا می‌دهد تا از نو توجه به خانواده را فراخوان کنند، خانواده‌ای که حافظ ماست، در قرنطینه و تعطیلی حداکثری نهادها تنها در گشوده به‌روی ما است و حتی اگر بتوان از آن کناره گرفت، در بحران‌ها باید به‌آن بازگردیم. از این‌رو اگر در ایام آرامش، به‌آن اهتمام نداشته باشیم، در بحران‌ها هیچ پناهی نخواهیم داشت».



سپس دکتر نعمت... فاضلی، استاد پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سخنرانی خود به موضوع «مسابقه یا مراقبت: رویکردی زنانه برای مواجهه با کرونا» پرداخت و گفت: بحران کرونا در همه‌ی جوامع از جمله ایران تنش‌ها و چالش‌های وسیعی در تمام حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایجاد کرده است. طبیعتاً در چنین موقعیت اضطراری و بحرانی زنان نیز مانند مردان درگیر مجموعه‌ی وسیعی از محرومیت‌ها، محدودیت‌ها، رنج‌ها و دردها شده‌اند. در چند ماه اخیر، فعالان اجتماعی و دانشگاهی تلاشی کرده‌اند تا این رنج‌ها، محرومیت‌ها و محدودیت‌ها را بازنمایی کنند؛ رنج‌ها و محدودیت‌هایی که همواره در جامعه وجود داشت، اما با بحران کرونا تشدید شده است. فعالان

اجتماعی تلاش کردند تا نشان دهند که چگونه نابرابری‌های جنسیتی در جامعه جنسیت‌زده، هنگام موقعیت‌های بحرانی، زنان را به‌طور مضاعفی با محرومیت‌های ساختاری‌شان درگیر می‌کند. آنان از تمام اشکال محرومیت‌های اقتصادی و بحران‌هایی که جامعه جنسیت‌زده با آن روبه‌رو است صحبت می‌کنند. به‌ویژه در ماه‌های اخیر بحث قرنطینه و پیامدهای آن دامنگیر زنان می‌شود، به‌ویژه گسترش خشونت‌های خانگی یا مسئله زنان خودسرپرست و محرومیت‌های اقتصادی که این زنان در نتیجه‌ی از دست دادن منابع اقتصادی‌شان روبه‌رو بوده‌اند. مسئله‌ی بحران‌های اقتصادی که منجر به از میان رفتن مشاغل گوناگون، به‌ویژه مشاغلی که زنان به‌آن می‌پرداختند. یا مسئله‌ی پرستاران در مراکز درمانی که عموماً زنان هستند و رنج‌ها و دردهایی که پرستاران با آن روبه‌رو هستند. همچنین چالش‌هایی که در نتیجه‌ی بحران کرونا نقش‌ها و وظایف زنان را افزوده است. این‌ها و بسیاری موضوعات دیگر، دغدغه‌هایی بودند که فعالان اجتماعی زنان در مطبوعات، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها به‌گفت‌وگو درباره‌ی آنها پرداختند. می‌توان گفت، این مجموعه گفتارها، گفتمان زنان را در دوران بحران کروتا شکل داده است. اما می‌توان از زاویه دیگر نیز به‌پسوند این بحران با زنان نگاه کرد؛ این زاویه عبارت است از توجه به زن و فرهنگ زنانه همچون رویکردی برای مواجهه‌ی بنیادی و ساختاری با بحران‌های طبیعی و ویروسی که جهان در دهه‌های اخیر با آنها روبه‌رو بوده است، و در سال‌های و دهه‌های آینده ممکن است با بحران‌هایی به مراتب شدیدتر از بحران کرونا روبه‌رو شود. این رویکردی است که از سال‌های دهه ۱۹۸۰ بسیاری از محققان و فعالان جنبش‌های زیست‌محیطی و جنبش زنان درباره آن صحبت کرده‌اند.

وی در ادامه به توضیح این رویکرد پرداخت و روایتی از آن را بیان کرد: جهان تحت تأثیر کووید ۱۹ درگیر بزرگ‌ترین بحران در یک قرن اخیر شده است و این بحران ریشه‌های گوناگون دارد. اما میان محققان اجماع است که بنیادی‌ترین ریشه این بحران جنگ انسان با طبیعت است. جنگی که در آن انسان به دلیل سیطره لجام گسیخته و غیرمسئولانه بر طبیعت، تعادل، توازن و هماهنگی در تعاملات انسان و طبیعت را درهم ریخته است. این عدم تعادل و جنگ میان انسان و طبیعت در واقع جنگ میان طبیعت با طبیعت انسانی نیز هست. درباره‌ی این‌که این جنگ با طبیعت را چگونه می‌توان پایان داد، رویکردهای متعددی ارائه شده است. یکی از مهم‌ترین رویکردهای مطرح عبارت است از: توجه به «فرهنگ مراقبت» و «اخلاق مراقبت» که منبعث و الهام گرفته از فرهنگ زنان است. در این‌جا زن را همچون فرهنگ، منبع معنایی و شیوه‌ی اندیشیدن و زیستن می‌بینم و نه چون موجودی زیستی و فیزیولوژیک. زنانگی واجد ارزش‌هایی است که با صلح‌جویی، مهربانی، مراقبت، تعامل، گفت‌وگو و همدلی همراه است؛ همچنین زنان بیش از مردان در حفظت از محیط زیست می‌کوشند، نگرش همدلانه‌تری با رفتارهای سلامت زیست محیطی دارند، زنان نسبت نتایج رفتارها و عملکردهای ویران‌گر و مخرب اکوسیستم حساسیت قوی‌تری نشان می‌دهند، و از توانایی‌ها و قابلیت‌های بیشتری برای مواجهه سازنده با محیط زیست برخوردارند. این مجموعه ارزش‌ها و باورهای سازنده‌ی زیست‌محیطی را می‌توان فرهنگ مراقبت و اخلاق مراقبت نیز نامید. این فرهنگ ریشه در بسیاری از تجربه‌های تاریخی زنان و همچنین مادرانگی‌ها دارد. زنان در فرهنگ مراقبتی خود به‌جای رقیب‌پنداری



دیگری و مسابقه دادن برای داشتن و تملک بیشتر، میل و آمادگی برای صلح، دوستی، همکاری و تعاون و گفت‌وگو دارند. نکته کلیدی که می‌خواهم در این‌جا تأکید کنم این است که تخریب سیستماتیک اکوسیستم در جهان امروز ریشه در فرهنگ مسابقه و خصومت‌گرایی دارد. مایکل کلبرگ در کتاب «ورای فرهنگ رقابت» (Karlberg; ۲۰۱۴) این نظریه تشریح کرده است که چگونه «فرهنگ رقابت» شکل همگانی از «خصومت‌گرایی هنجاری» را ایجاد کرده است. یعنی در نظام‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی و آموزشی معاصر و مدرن، ستیز کردن، دیگری را تخریب کردن و سلطه‌جویی به صورت هنجارهای جمعی پذیرفته درآمده است. این امر زمینه‌ی فرهنگی برای استثمار طبیعت و تمام چیزهای دیگر را فراهم کرده و بهره‌کشی و تخریب به صورت گفتمان و استعاره‌ها و صورت‌های کلامی جاافتاده و پذیرفته‌ای بدل شده است. استعاره‌ی جنگ، مبارزه و رقابت و تشبیه زندگی به میدان مبارزه، امری همه‌گانی و هنجارین شده است. در حوزه‌ی اقتصادی، ما با جنگ‌های تجاری، رقابت اقتصادی و در حوزه‌ی سیاست ما با مبارزه انتخاباتی و در حوزه‌ی آموزشی با رقابت تحصیلی سروکار داریم. ما در فرهنگ مدرن با استعاره «مبارزه» زندگی می‌کنیم، مبارزه علیه فقر، مبارزه علیه بی‌سوادی، مبارزه علیه مواد مخدر و مبارزه علیه طبیعت! در نتیجه، بنای زندگی جمعی بر جنگیدن و تخریب دیگری تبدیل شده و چنین امری دیگر نه تنها قبح و زشتی ندارد، بلکه امری اخلاقی و پسندیده است. رسانه فرهنگ رقابت را تقویت و تشدید می‌کنند و آن را موجه و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در فرهنگ رقابت اصول فرهنگی به گونه‌ای است که عملاً مراعات طبیعت و محیط زیست ممکن نیست. فرهنگ خصومت‌گرایی هنجاری به اعتقاد کارلبرگ ریشه در «محوریت قرار گرفتن هویت مردانه در فرهنگ معاصر است». پیامدهای ویران‌گری برای زندگی بشر در دوره معاصر داشته است که یکی از آنها تخریب محیط زیست است. پیشنهاد و بدیلی که کارلبرگ برای فرهنگ خصومت‌گرایی هنجاری ارائه می‌کند، «فرهنگ همکاری» است. من در این‌جا می‌خواهم توضیح دهم که می‌توان «فرهنگ مراقبت» را بدیلی برای فرهنگ خصومت‌گرایی در نظر گرفت. وی ضمن بیان اینکه از فرهنگ مادرانه و زنانه می‌توان هنجارها، باورها، الگوهای شناختی و اصول فرهنگی استخراج کرد که به جای خصومت‌گرایی هنجاری و فرهنگ مسابقه و رقابت، شکلی از فرهنگ ایجاد شود که در آن زندگی بر پایه همکاری، مراقبت و ارزش‌های انسانی استوار شود و مراعات طبیعت و بهره‌برداری مسئولانه از طبیعت و بهره‌برداری مسئولانه از طبیعت امکان‌پذیر شود، گفت: فرهنگ مراقبت به جای فرهنگ مسابقه، کلیدی‌ترین راهبرد بنیادی است که برای مواجهه با ویروسی شدن زیست‌کره می‌توان ارائه کرد. انسان‌شناسان در دو دهه‌ی اخیر تلاش‌های گسترده‌ای کردند تا نشان دهند که چگونه فرهنگ مسابقه و رقابت فرهنگی که بر اقتصاد، سیاست، آموزش، علم و تمام ساختارها و سیستم‌های ما استوار است، باید بازبینی انتقادی شوند، تا بتوانیم به این فضا برسیم. فضایی که طی آن، به جای استفاده از زبان جنگ، زبان خصومت، بتوان از زبان مراقبت، زبان مادرانه و زبان زنانه در تمام سیستم‌های سیاسی، اقتصادی، حقوقی، آموزشی و پژوهشی استفاده کرد؛ زبانی که به جای استعاره‌های نظامی و جنگی مانند مبارزه علیه فقر، مبارزه علیه بی‌سوادی، مبارزه علیه جهل یا استعاره‌هایی که اکنون هم در بحران کرونا رایج است؛ مبارزه علیه ویروس، ما بتوانیم از زبان استعاره‌ی استفاده کنیم که طی آن تعاون، همکاری، هم‌یاری و مراقبت بتوانند به صورت بنیان‌های معرفتی و شیوه‌ی تفکر انسان شوند. نتیجه‌ی چنین همکاری و هم‌یاری، شکل‌گیری زبان تازه‌ای است که در این زبان تازه، استعاره‌های ما برای فهم‌پذیر کردن انسان و طبیعت، سازماندهی اجتماعی، روابط میان اقوام و ملت‌ها، انسان‌ها و تمام تجربه‌های ما در جهان بر پایه‌ی اشکال تازه‌ای از همزیستی استوار شود.

وی ادامه داد: از این دیدگاه، زنانگی، جنسیت و تمام مقولات برآمده از زن می‌توانند به‌مناب‌ه رویکرد و تفکری در جهان ارائه شود که بر پایه آن نه فقط زنان، بلکه زنان و مردان یا به‌طور کلی انسان‌ها و همه شیوه‌های سازماندهی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما بتوانند نوع تازه‌ای از دیدن و نشان دادن و شیوه تازه‌ای از نظم هنجاری و اخلاقی ایجاد کنند. همان‌طور که به نقل از کارلبرگ گفتیم در تمام دوره‌ی



مدرن یعنی دوره‌ای که از قرن هفدهم تا امروز شکل گرفته است؛ فرهنگ رقابت؛ فرهنگ مسابقه، فرهنگ، فرهنگ ستیزه‌جویی و خصومت‌گرایی به صورت نظامی هنجاری و اخلاقی درآمده است. در این فرهنگ خصومت‌گرایی هنجاری شده، زنان و زبان زنانه فرهنگ زنانه یا همان فرهنگ مراقبت و اخلاق مراقبت به حاشیه رانده شده است. پیامد به حاشیه رانده شدن اخلاق مراقبتی و فرهنگ زنانه این بوده است که در سیاست، اقتصاد، آموزش و تمامی عرصه‌های زندگی، به تدریج برای کسب بالاترین امتیازها، بیشترین برخورداری از منابع، مواد و سرمایه‌ها و برای برتر شدن و بالاترین نشستن، شکلی از روابط سلطه و قدرت ایجاد شده است. طی آن به تدریج جهان و طبیعت و از جمله انسان‌ها، فرسوده‌تر شده‌اند. فرسودگی یا فرسایش در تمام زمینه‌ها به تدریج موجب شده است که طبیعت، چه طبیعت وجودی انسان و چه طبیعت غیرانسانی، امکان بقا و دوام پایدار خود را از دست بدهد. اکنون در انتهای این مسیر چندصد ساله هستیم، و مشاهده می‌کنیم که از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد در نتیجه برهم خوردن تعادل محیط زیست، در نتیجه‌ای از بین رفتن جنگل‌ها، گسترش بیابان‌ها، خشک شدن تالاب‌ها، در نتیجه به هم خوردن وضعیت هوا و فرسوده شدن تمام عناصر محیط زیست، ما اکنون در معرض خطری هستیم که اگر تغییرات بنیادی در اصول فرهنگی و پیش‌فرض‌های فکری ما صورت نگیرد، اگر ما صرفاً به دستاوردهای علوم پزشکی و زیست‌شناسی تکیه کنیم و دلخوش باشیم به کشف دارو و برای درمان کرونا و واکسن برای جلوگیری از بیمار شدن، ما عملاً فقط بحران جهان را به تأخیر انداخته‌ایم؛ چرا که بعد از کوید ۱۹، ویروس‌های دیگر و بحران‌های زیست محیطی دیگری می‌آیند. شرط نجات انسان و طبیعت این است که اصول فرهنگی خصومت‌گرایی هنجاری و فرهنگ مسابقه و رقابت مورد بزاندیشی انتقادی قرار گیرند و به جای رقابت لجام‌گسیخته، اشکال تازه‌ای از «رقابت‌های مسئولانه» به ساختارها و سیستم‌های ما راه پیدا کنند. ما به جای خصومت‌گرایی هنجاری نیازمند اصول فرهنگی مراقبتی هستیم تا بتواند نظم هنجاری نوین ایجاد کنیم. تجربه چند قرن و چند هزار ساله بشر این است که زنان به دلیل مسئولیت‌هایی که در زایش، پرورش و زندگی بر دوش داشته‌اند؛ فرهنگی را شکل دادند که در آن انسان، طبیعت انسان، نیازهای وجودی انسان و طبیعت اعم از گیاهان، جانوران، پرندگان، هوا و تمام جهان طبیعی از نوعی احترام و توجه برخوردار می‌شوند. در فرهنگ مسابقه و رقابت، بشر نوعی الگوی مبتنی بر تجاری را دنبال کرده است. الگویی که می‌خواهد طبیعت را مانند نجار قطعه‌قطعه کند تا بتواند برای خود و خودشیفتگی‌ها و خودمحوری‌هایش، طبیعت را دستکاری کند. الگوی فرهنگ مراقبت به جای نگاه نجارانانه، نگاه باغبانانه به انسان و طبیعت دارد. زنان، فرهنگ و تفکر زنانه و مادرانه چیزی نیست جز باغبانی هستی. باغبان به جای نجار، تلاش می‌کند تا گیاهان، گل‌ها و طبیعت را مطابق استعدادها و طبیعتش مراقبت کند. تا طبیعت بتواند رشد کرده، شکوفا شود و انسان‌ها از مواهب طبیعی برخوردار شوند. مسئله‌ی زنان در موقعیت بحران کرونا را می‌توان از این زاویه نگاه کرد که زنان فقط افراد یا آدم‌ها نیستند؛ زنان، فرهنگ و اصول و ارزش‌هایی را در طول تاریخ شکل داده و ایجاد کردند. فلسفه‌ای را آفریده‌اند، ذائقه و زیبایی‌شناسی را به وجود آورده‌اند که اکنون که بحرانی وجود دارد، شاید فرصتی است برای توجیه به «فرهنگ زنانه»، فرهنگی که در آن اصول فرهنگی مبتنی بر باغبانی، مراقبت و توجه به انسان، بدن انسان، نیازهای انسان، توجه به طبیعت و نیازهای طبیعت به‌عنوان رکن این تفکر شناخته می‌شود.



در ادامه‌ی نشست دکتر فرشته موتابی، استادیار پژوهشکده‌ی خانواده‌ی دانشگاه شهید بهشتی، در سخنرانی خود با عنوان «روابط همسران در دوران کرونا» گفت: روابط همسران تحت تأثیر مؤلفه‌های متعددی قرار دارد. هرگونه تغییری در این مؤلفه‌ها می‌تواند تعادل رابطه‌ی همسران را به هم زند و برگشت مجدد به حالت تعادل نیاز به زمان و ظرفیت‌های روان‌شناختی همسران دارد. شیوع بیماری کرونا و قرنطینه‌ای که به دنبال آن در جامعه حاکم شد، می‌تواند تغییراتی را در ابعاد مختلف زندگی مشترک و روابط همسران تأثیرگذار باشد. زمان بیشتری که همسران در خانه و در کنار یکدیگر می‌گذرانند، تغییر در مسئولیت‌ها و نقش‌ها، رویارویی همسران با چالش‌های جدیدی مانند بیماری و پیش‌گیری از آن، و تشدید چالش‌های قبلی مانند مشکلات اقتصادی، مراقبت از فرزندان، رسیدگی به والدین و ... از جمله این تغییرات است. از سوی دیگر ظرفیت‌های روان‌شناختی همسران و استحکام رابطه در پیش از این دوران، می‌تواند عامل تعدیل‌گری محسوب شود و از تأثیرات منفی تغییرات و چالش‌های پیش‌روی همسران پیش‌گیری کرده یا آن را کاهش دهد.



نهمین پیش‌نشست علمی همایش ابعاد انسانی - اجتماعی کرونا در ایران

گفت‌وگوی علوم انسانی و علوم طبیعی در مورد مسئله‌ی کرونا

نهمین پیش‌نشست علمی همایش مجازی ابعاد انسانی- اجتماعی کرونا در ایران، روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ به صورت آنلاین با حضور دکتر محمود شمسی شهرآبادی، استاد ویروس‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی ایران و عضو فرهنگستان علوم پزشکی و علوم و نایب رئیس انجمن ویروس‌شناسی ایران؛ دکتر آندیا نعمتی و دکتر گل‌اندام شریفی استادیاران پژوهشکده دانشنامه‌نگاری برگزار شد.



در ابتدای نشست دکتر محمود شمسی شهرآبادی، استاد ویروس‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی ایران و عضو فرهنگستان علوم پزشکی و علوم و نایب رئیس انجمن ویروس‌شناسی ایران، با موضوع «مروری بر مشخصات ویروس کرونا در ارتباط با عامل کووید ۱۹» سخنرانی کرد و گفت: ویروس کرونا اولین بار در ۱۹۳۰ شناسایی شد و به دلیل داشتن زوائد سطحی شبیه به تاج چنین نامیده شد. ویروس کرونا به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱، ۲ و ۳. دسته‌ی ۱ و ۳ در حیوانات مشاهده می‌شوند و دسته ۲ ویروس‌های انسانی از جمله سارس، مرس و کووید ۱۹ هستند. کووید ۱۹ از نظر ژنتیکی ۸۰ درصد با ویروس سارس، ۵۵ درصد با ویروس مرس و ۹۵ درصد با ویروس خفاش‌ها قرابت دارد. آنها ذرات ریز کروی با قطر ۱۰۰-۱۵۰ نانومتر هستند. در داخل آنها یک ژنوم RNA قرار گرفته که با یک لایه پروتئینی پوشیده شده و هسته ویروسی را تشکیل می‌دهند. مجموعه‌ی هسته RNA با یک پوشینه‌ی لیپوپروتئینی احاطه می‌شود. روی این غشای لیپوپروتئینی زائده‌هایی میخی شکل وجود دارد که زائده S نامیده می‌شود. این زائده‌ها تعیین‌کننده بیماری‌زایی، عفونت‌زایی، انتقال و موتاسیون شدید ویروس هستند. با ایجاد تغییراتی در زائده‌ی S، هویت ویروس چه به لحاظ بیماری‌زایی و چه به لحاظ انتقال، از بین می‌رود یا تغییر می‌کند. با اتصال آنتی‌بادی (پادتن) به زائده S بیماری‌زایی ویروس از بین می‌رود. زائده S۱ (که خیلی شبیه به ویروس خفاش، مرس و سارس است) به گیرنده‌های ACE۲ موجود در سطح سلول‌های اپی‌تلیال دستگاه تنفسی، گوارشی و کلیوی می‌چسبند. سایر ویروس‌های کرونا به گیرنده‌های دیگر می‌چسبند. پوشش ویروس با غشای سلول ادغام و RNA ویروس به داخل سلول رها می‌شود. ویروس‌های ساخته‌شده جدید می‌توانند از طریق آگزوسیتوز از سلول خارج شوند.





اگر دارویی بتواند جلوی این چسبندگی را بگیرد و این مرحله را بلوکه کند، داروی بسیار مهمی خواهد بود. همچنین اگر پادتن‌هایی بتوانند به سطح S1 بچسبند و مانع اتصال آن به گیرنده‌های سطح سلول شوند، مصونیت‌زایی می‌کنند. پوشش گلیکولیپید یا پروتئین ویروسی سبب حساسیت ویروس در برابر بعضی از مولکول‌ها مثل اتر، کلروفرم، بنزن، صابون، پاک‌کننده و الکل می‌شود و می‌تواند سبب هضم یا پاره شدن پوشش ویروس شود و عفونت‌زایی آن را از بین ببرد. در مورد تهیه واکسن این نکته مهم است که بدانیم آیا فرد پس از ابتلا به ویروس کرونا، می‌تواند مجدد مبتلا شود یا خیر و مصونیت با واکسن تا چه زمانی می‌تواند برقرار باشد و این که آیا واکسیناسیون اثر جانبی دارد یا خیر. با در نظر گرفتن همه‌ی این شرایط تهیه واکسن برای کمتر از ۱ تا ۱/۵ سال آینده امکان‌پذیر نخواهد بود.

سخنران دوم دکتر گل‌اندام شریفی، استادیار گروه علوم پایه‌ی پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سخنرانی خود با عنوان «اثرات متقابل گیاهان و ویروس کرونا» گفت: اثرات متقابل گیاهان و ویروس کرونا به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱- اثر گیاه بر ویروس کرونا، ۲- اثر ویروس کرونا بر گیاهان. گروه اول شامل دو زیرگروه است: ۱- اثر گیاهان بر پیشگیری از عفونت ویروسی که از قدیم‌الایام در طب سنتی از آنها استفاده می‌شد. همچنین می‌توان از گیاهان برای تهیه‌ی واکسن برای مقابله با ویروس کرونا استفاده نمود و در حال حاضر برخی شرکت‌های دارویی در این زمینه تحقیقاتی کرده و به موفقیت‌هایی هم دست یافته‌اند. ۲- اثرگذاری گیاه بر انتشار ویروس کرونا که از راه اجتماعات انسانی در مزارع و باغ‌ها در مراحل کاشت، داشت و برداشت به وقوع پیوسته و یا از طریق خام‌خواری گیاهان مثل میوه و سبزیجات و عدم ضدعفونی آنها شیوع این ویروس افزایش می‌یابد؛ گروه دوم به اثر ویروس کرونا بر گیاه اشاره دارد، به این صورت که ویروس به طور مستقیم، سبب بیماری‌زایی گیاه نمی‌شود ولی بر صنعت گل‌کاری و گیاه‌کاری از نظر اقتصادی خسارت‌های زیادی وارد می‌کند.



گیاهان از جنبه‌های مثبت و هم از جنبه‌های منفی در شیوع ویروس کرونا دخالت دارند، می‌توانند روی شیوع این ویروس اثر بگذارند و خودشان نیز تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا قرار گیرند.

آخرین سخنران دکتر آندیا نعمتی، استادیار گروه علوم پایه‌ی پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در سخنرانی خود به موضوع «ترکیبات شیمیایی مؤثر و نقش آنها در مقابله با ویروس کرونا» پرداخت و گفت: انتقال ویروس کرونا کووید ۱۹ از طریق انسان به انسان و یا از طریق سطوح خشک آلوده به غشاهای مخاطی از طریق عطسه، سرفه یا اشک چشم و در پی تماس با دست افراد دیگر انجام می‌شود. این ویروس روی سطوح بی‌جان ماندگار است و می‌تواند در دمای اتاق تا ۹ روز زنده بماند و عفونت‌زا باشد. ویروس‌های کرونا نسبت به حرارت، رطوبت و نور حساس هستند. ماندگاری آنها در دمای پایین بسیار بالاست و با افزایش دما پایداری آنها کاهش می‌یابد. این ویروس‌ها روی انواع سطوح با دماهای مختلف، ماندگاری‌های متفاوتی دارند. استفاده از مواد ضدعفونی‌کننده و گندزدا می‌تواند به میزان زیادی فعالیت عفونت‌زایی آنها را کاهش دهد و یا از بین ببرد. مواد ضدعفونی‌کننده و میکروبوکش روی سطح سلول جذب شده، به داخل سلول نفوذ یافته، با غشای سیتوپلاسمی برهم‌کنش داده و اختلال ایجاد می‌کنند. آنها می‌توانند سبب ترشح ماده درون سلول به خارج از آن شده و پروتئین‌ها، نوکلئیک اسیدها، DNA و RNA را تخریب کنند. آنها می‌توانند زمان تقسیم سلولی را افزایش داده و مانع سرعت بالای تکثیر آنها شوند. این ترکیبات شامل گروه‌های شیمیایی الکل‌ها (مثل اتانول، ایزوپروپانول)، آلدئیدها (مثل فرمالدئید)، بای‌گوانیدها، بای‌فنل‌ها، دی‌آمیدین‌ها، عوامل رهاکننده هالوژن (سفیدکننده‌ها مثل آب‌ژاول، وایتکس)، هالوفنل‌ها، فلزات سنگین (مثل جیوه و نقره)، فنل‌ها و کرزول‌ها، پراکسیژن‌ها (مثل آب اکسیژنه و پراستیک اسید) و ترکیبات آمونیم نوع چهارم (پاک‌کننده‌های کاتیونی، سورفاکتانت‌ها) باشند.



نظام تربیت مدرسه‌ای (آموزش و پرورش) ایران در آزمون کرونا

دهمین پیش‌نشست علمی همایش مجازی ابعاد انسانی-اجتماعی کرونا در ایران، روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ با حضور آنالاین صاحب‌نظران و دانش‌جویان برگزار شد. در این نشست که با عنوان «نظام تربیت مدرسه‌ای (آموزش و پرورش) ایران در آزمون کرونا» برگزار شد، دکتر سیدمحمد حسینی (مدیر پنل) و دکتر رضوان حکیم‌زاده (معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش)، دکتر اسماعیل عظیمی (استادیار دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر محسن باهو (صاحب‌نظر فناوری اطلاعات و ارتباطات و مشاور رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش) و مهندس خسرو سلجوقی (صاحب‌نظر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه آموزش) به‌عنوان سخنران در این نشست حضور داشتند.



در ابتدا دکتر رضوان حکیم‌زاده، دانشیار دانشگاه تهران و معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، به سخنرانی با موضوع «پیامدهای کرونا برای آموزش و پرورش ایران» پرداخت و گفت: بحران کرونا همه شئون زندگی انسان‌ها را دگرگون کرد، عرصه‌ی تعلیم و تربیت نیز از این دگرگونی بی‌نصیب نماند، پس از تعطیلی مدارس در ۱۴۵ کشور جهان، نظام‌های آموزشی در اکثر کشورها به سمت آموزش‌های آنالاین و مجازی روی آوردند، وزارت آموزش و پرورش ایران نیز اقدامات متعددی را در زمینه‌ی بحران کرونا انجام داد، بررسی این اقدامات و بازنمایی آن‌ها و بحث پیرامون پیامدهای مثبت و منفی کرونا بر آموزش و پرورش موضوع این گفتار است.

وی در قسمت اول به تشریح اقدامات آموزش و پرورش با رویکرد کلان تداوم آموزش در هر شرایط و در هر بستگی

ممکن پس از تعطیلی، و در قسمت دوم به پیامدهای مثبت بحران کرونای‌ای نظام آموزشی ایران پرداخت و گفت: موضوع سفر شتابزده و اجباری به دنیای مجازی، ارتقای مهارت‌های سواد دیجیتالی و افزایش خلاقیت‌های فردی معلمان با استفاده از بسته‌های فناوری را که در کنار انعطاف در زمان و مکان آموزش و وسعت یافتن محتوا و اشتراک تجربه‌ها می‌توان جزو پیامدهای مثبت این شرایط قلمداد کرد. آشکار شدن شکاف طبقاتی دیجیتالی، خلأ تعریف عملیاتی و عملی ارکان تدریس در فضای مجازی در دوران قبل از دانشگاه، خصوصاً دوران کودکی و لزوم بازتعریف نقش‌های دست‌اندرکاران امر آموزش در فضاهای موازی و مجازی آموزش جزو مهمترین چالش‌های کرونایی تعلیم و تربیت در جامعه‌ی ما هستند. آنچه در پساکرونا در آموزش و پرورش شاهدش خواهیم بود نیز می‌تواند به‌عنوان زیرمجموعه پیامدهای مثبت و منفی در نظر گرفته شود. درنهایت ماندگاری این شیوه‌ی آموزش دارای تبعات دو جانبه است، بار منفی از جهت کارکردی قبح‌زدایی مدرسه محوری فیزیکی را در نظام آموزشی حداقل در سطح فرهنگ عمومی و عوام به‌بار خواهد آورد و از سویی دیگر این ماندگاری می‌تواند جنبه مثبت خود را در تداوم آموزش‌های باکیفیت‌تر در مناطق محروم به نمایش بگذارد که این امر مستلزم کیفیت‌بخشی به همه ارکان و عناصر دنیای مجازی آموزش است.

سپس دکتر اسماعیل عظیمی، استادیار دانشگاه تربیت مدرس در سخنرانی خود با موضوع «چالش‌های آموزش از راه دور در آموزش و پرورش ایران و راهکارهای مدارس پیشرو در جهان- مطالعه موردی فنلاند» گفت: «تعطیلی‌های





ناشی از گسترش ویروس کووید-۱۹ منجر به حرکت آموزش و پرورش به سمت ارائه‌ی آموزش‌های از راه دور به صورت مجازی شده است. در همین راستا وزارت آموزش و پرورش استفاده از شبکه اجتماعی شاد را در دستور کار خود قرار داده است. با وجود توسعه‌ی زیرساخت‌ها و اقدامات آموزش و پرورش، هنوز چالش‌هایی به خصوص در حوزه‌ی روش‌ها و اصول آموزشی در بهره‌گیری از ابزار تکنولوژی وجود دارد. به دلیل جهانی بودن بحران کرونا، کشورهای دیگر هم شرایط مشابهی را تجربه کرده و اقداماتی را برای بهبود آموزش از راه دور انجام داده‌اند. در این ارائه سعی می‌شود تا با بررسی اقدامات انجام شده در کشور فنلاند به عنوان یک سیستم آموزشی پیشرو، راه‌حل‌هایی در حوزه‌ی روش و ابزار برای رفع چالش‌های آموزش از راه دور ایران ارائه شود. وی راه‌حل‌ها را در دو بخش کلی ابزار و روش تقسیم‌بندی کرد و گفت: در بخش روش، توجه به عناصر مختلف یک آموزش خرد

مانند ارائه، تمرین، بازخورد و ارزشیابی است که در هر کدام از این عناصر، می‌توان راه‌حل‌هایی را به صورت کلی و به صورت خاص تجربه شده در کشور فنلاند به نفع سیستم آموزشی ایران و در شبکه شاد به کار برد. همچنین مهارت‌های دیگر در حین رعایت عناصر آموزش حائز اهمیت است که با توجه به غیرمنتظره بودن تعطیلی‌ها و آماده نبودن معلمان، مورد غفلت واقع شده است. از جمله این موارد می‌توان به حس حضور، تعامل، توجه به بار شناختی و یادگیری اجتماعی، عاطفی اشاره کرد. برای ارتقاء و بهره‌گیری مؤثر از هر کدام از این موارد، می‌توان راهبردهایی را به کار بست که منجر به ارتقای یادگیری و رضایت یادگیرندگان شود.

عظیمی در خصوص بخش ابزار گفت: با وجود اقدامات ارزنده در راستای ایجاد پیام‌رسان شاد، ارزش افزوده‌ای که از این نرم‌افزار انتظار می‌رفت، به نظر برآورده نشد و تنها به یک نرم‌افزار مشابه با پیام‌رسان‌های دیگر، بلکه با امکانات کمتر، اکتفا شد. آموزش و پرورش کشور فنلاند با همکاری بخش خصوصی، اقداماتی انجام داده است که این اقدامات منجر به ایجاد ارزش افزوده نسبت به نرم‌افزارها و ابزار رایج شده است. از جمله این امکانات و ارزش افزوده می‌توان به اضافه شدن تحلیل‌های یادگیری، بهره‌گیری از ابزارهای ارزشیابی مختلف، چت‌بات‌ها و استفاده از روش‌هایی مانند یادگیری بازی محور به صورت افزوده بر نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد. استفاده از این ابزار دامنه‌ی امکانات در دسترس معلم را بسط داده و با غنی‌تر شدن محیط یادگیری، منجر به اثربخش‌تر شدن آموزش و یادگیری، حتی فراتر از آموزش‌های حضوری، می‌شود. نمونه‌هایی از این ابزار و نحوه به کارگیری آن‌ها در ارائه خواهد آمد. مورد دیگر که در آموزش‌های دوران تعطیلی کرونا بارز بود، دسترسی عادلانه به آموزش با کیفیت بود که این مشکل به راحتی از طریق آموزش‌های آنلاین طراحی شده با ابزار و روش‌های اصولی رفع می‌شد. نمونه‌ای از ابزارها و بسته‌های آموزشی که در فنلاند موجود است معرفی خواهد شد. امید است که با بهره‌گیری از روش‌های متنوع و اصولی و ابزارهای مشابه، آموزش از راه دور مجازی در سیستم آموزش ایران، ارتقاء یافته و منجر به بهبود کیفیت یادگیری دانش‌آموزان شود.

در ادامه‌ی نشست دکتر محسن باهو، صاحب‌نظر فناوری اطلاعات و ارتباطات و مشاور رئیس سازمان پژوهش



و برنامه‌ریزی آموزشی به موضوع «فرصت‌ها و تهدیدهای نظام تربیت مدرس‌های ایران جهت مواجهه با فناوری اطلاعات و ارتباطات در دوران پسا کرونا» پرداخت و گفت: توسعه‌ی روزافزون فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات (فاوا) و گسترش خدمات آن در فضای مجازی تحولات عظیمی را در سطح نگرش، بینش و حتی شایستگی‌های افراد و سازمان‌ها به وجود آورده است و برحسب نوع مواجهه با انواع فاوا و زمینه‌ی استفاده از آنها نمی‌توان در این باره الگو یا پارادایم منحصر به فردی را تجویز کرد و یا الگوی موفق‌تری در یک جامعه را برای دیگر جوامع نسخه‌ای اثربخش قلمداد کرد زیرا میزان تأثیر و تأثر و نقش‌آفرینی فاوا در هر کشور وابسته به عواملی نظیر توسعه‌ی منابع انسانی، اجتماعی، فرهنگ و سنن، قوانین و مقررات، بهداشت و محیط زیست، شرایط اقتصادی و حتی



نحوه‌ی بهبود و اصلاح فرآیندها و شبکه‌های مدیریتی آن جامعه است. اما به‌رحال شکی نیست که تأثیر تحولات فاوا در نظام تربیت مدرسه‌ای (آموزش و پرورش) بسیار گسترده است و عدم مدیریت خردمندانانه و بهره‌مندی هوشمندانه از فاوا، چالشی بزرگ برای این نهاد اجتماعی بسیار مؤثر محسوب می‌شود.

از این‌رو در طرح تحول بنیادین نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران و مبانی نظری آن، به‌جای آن‌که به انواع رسانه‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی (با توجه به وضع عملکرد فعلی آنها در عموم جوامع معاصر) به‌صورت عاملی خطرآفرین و تهدیدی مشکل‌ساز برای فرآیند تربیت نگریسته شود برای این نکته تأکید شده که در شرایط پیش روی جوامع بشری به‌جای برخوردی منفعلانه و یا منفی با این عامل مهم فرهنگی و اجتماعی می‌توانیم با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب از توانمندی‌های انواع این‌گونه رسانه‌های نوین دست‌کم در سطوح ملی و محلی به‌مثابه عاملی سهیم در فرآیند تربیت برای جبران محدودیت‌های تربیت رسمی و نیز کمک به انواع تربیت غیررسمی بهره‌مند شویم. این عامل به شدت تأثیرگذار فرهنگی در این صورت می‌تواند نقش اساسی را در پشتیبانی از فرآیند تربیت در جامعه‌ی معاصر برعهده گیرد و لذا در نگرش اسلامی می‌توان و باید از آن به‌عنوان یکی از ارکان تربیت در جامعه‌ی اسلامی یادکرد» (مبانی نظری تحول ص ۱۸۰-۱۸۱) همچنین با عنایت به همین جایگاه، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زیرنظام تأمین فضا تجهیزات و فناوری، تولید و تأمین فناوری اطلاعات و ارتباطات متناسب با اهداف ساحت‌های شش‌گانه تربیت در زیرنظام برنامه‌ی درسی، البته با توجه به نه اصل بسیار مهمی است که برای استفاده از فاوا در نظام تربیت مدرسه‌ای تعیین شده‌اند. بر همین اساس در فصل هفتم سند تحول، یکی از ۲۳ هدف عملیاتی ایجاد تحول بنیادین عبارتست از ارتقای کیفیت فرآیند تعلیم و تربیت با تکیه بر استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین (هدف عملیاتی ۱۷)؛ وی در ادامه چهار راهکار در نظر گرفته شده برای تحقق آن را برشمرد:

۱- «توسعه‌ی ضریب نفوذ شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (ایترانت) در مدارس با اولویت پرکردن شکاف دیجیتالی بین مناطق آموزشی و ایجاد سازوکار مناسب برای بهره‌برداری بهینه و هوشمندانه توسط مربیان و دانش‌آموزان».

۲- تولید و به‌کارگیری محتوای الکترونیکی متناسب با نیاز دانش‌آموزان و مدارس با مشارکت بخش دولتی و غیردولتی و الکترونیکی کردن محتوای کتاب‌های درسی براساس برنامه‌ی درسی ملی.

۳- اصلاح و به‌روزرسانی روش‌های تعلیم و تربیت با تأکید بر روش‌های فعال گروهی خلاق با توجه به نقش الگویی معلمان.

۴- گسترش بهره‌برداری از ظرفیت آموزش‌های غیرحضوری و مجازی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی ویژه‌ی معلمان دانش‌آموزان و ... با رعایت اصول تربیتی.

محسن باهو در ادامه گفت: اما با وجود تلاش‌های فراوان بخش‌های مختلف نظام آموزش و پرورش کشور در این زمینه (مواردی نظیر شبکه‌ی ملی رشد، هوشمندسازی مدارس و...) باید اذعان کرد که بحث گسترش فاوا و تحقق راه‌کارهای سند تحول در این خصوص به علل و دلایل مختلف در نظام آموزش مدرسه‌ای کشور ما، چنان‌که باید و شاید دنبال نشد. با این حال انتشار ویروس کرونا، نیازها و مطالبات جدیدی را از در خانه ماندن الزامی را احساس کنند بشری و به‌واسطه ناشناخته بودن آن و نفوذ سریع، سبب تعطیلی تمامی کسب‌وکارها و عموم نهادهای اجتماعی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها شد، باعث شد تا خانواده‌ها افزون بر موضوعات روحی و روانی ناشی از مواجهه با بحث پیش‌گیری و درمان ویروس کرونا، نیازها و مطالبات جدیدی را از در خانه ماندن الزامی را احساس کنند و تعطیلی مدارس نیازهای تربیتی و پرورشی جدیدی را برای فرزندان ایجاد کرد که نشان داد تدابیر پیش‌بینی‌شده برای مواجهه نظام تربیت مدرسه‌ای با این شرایط در میدان عمل مناسب نبوده‌اند. یعنی تلاش حوزه‌ی ستادی برای ارائه خدمات گسترده آموزشی در رسانه ملی و تدابیر و اقدامات انجام شده در بستر فضای مجازی و مدیران مدارس، معلمان، برنامه‌های درسی (محتوا، رسانه و زمان یادگیری) از یک سو و برآیند عملکرد دانش‌آموزان و خانواده‌ها از سوی دیگر در عمل ثابت کرد که نظام تربیت مدرسه‌ای کشور ما برای مواجهه‌ی مناسب با رویداد کرونا توانایی لازم را ندارد و نیاز به آسیب‌شناسی دارد.

باهو اذعان کرد که با توجه به شرایط اضطراری و لزوم فائق آمدن بر این بحران، عموم معلمان عزیز مدارس به‌واسطه‌ی احساس مسئولیت در این شرایط خاص با حداقل امکانات در اختیار و بر بستر شبکه ملی اطلاعات و برخی پیام‌رسان‌ها کوشیدند تا با ایجاد گروه‌ها و کانال‌های خاص، کلاس‌های درس و تعامل آموزشی بین خود و دانش‌آموز را برقرار کرده و بخش اعظمی از دغدغه‌ها و نگرانی خانواده و دولت را کاهش دهند اما باید اعتراف کرد که بخش عمده‌ای از دانش‌آموزان و معلمان نیز از این امکان (به‌واسطه‌ی عدم پوشش کلی و محدودیت‌های زیرساختی و تجهیزاتی در سطح خانواده و در مناطق مختلف کشور) محروم شدند. البته در نهایت وزارت آموزش و پرورش با وجود چالش‌های متعدد، پس از ارائه‌ی آموزش بر بستر شبکه‌های صدا و سیما و هم‌زمان با ترغیب معلمان به استفاده بیشتر از فضای مجازی، نسبت به ایجاد سامانه‌ی مستقل با مسئولیت و نظارت خود با عنوان



شبکه‌ی «شاد» اقدام کرد. این طرح از منظر ایفای مسئولیت و مثبت‌اندیشی به موضوع دارای نکات خوب، مهم و قابل توجه است خصوصاً این‌که با عزم وزیر و حمایت همه‌جانبه‌ی حوزه‌ی ستادی برای تحقق همراه بوده است. پیام بزرگ این پروژه در صلابت مدیریتی و حمایت همه‌جانبه از مدیران و برنامه‌ها و پروژه‌های مترقی قبلی (نظیر شبکه ملی مدارس رشد) می‌توانست پشتوانه‌ی آرامش کشور در ارائه‌ی خدمات آموزش مجازی مناسب بر بستر فضای مجازی کشور باشد اما استفاده از فرصت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌خصوص در فرآیند تربیت و یاددهی یادگیری در شبکه‌ی شاد نیازمند توجهات ویژه و تعیین ابعاد محتوایی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و قانونی و نیز آینده‌نگری تأثیر و تأثرات آن بر کارکردهای اصلی مدارس است چنان‌چه وجود شرایط خاص کرونايي و نبود نظام حکمرانی و تنظیم‌گری در خصوص برخی از مصوبات کلان کشور در عرصه‌ی فاوا (همانند منع استفاده از موبایل در مدرسه، تأکید بر یادگیری صرف مجازی و مشکل خانواده محروم ...) نیازمند بررسی و اصلاح است. مخاطره‌ی جدی در این شرایط، ساده‌انگاری مسائل اساسی و غالب شدن تفکر تقدم فناوری بر تربیت و آزادسازی آموزش مجازی دانش‌آموزان از تحت نظارت اهداف و اصول و ضوابط جریان تربیت رسمی مدرسه‌ای کشور است که می‌تواند چالش اساسی برای تربیت مدرسه‌ای در دوران پساکرونايي باشد زیرا بهره‌مندی تنها از فضای مجازی فرصت هجمه‌ای به کارکرد تربیتی مدارس و طرح فرضیه مدرسه‌زدایی خواهد بود و چه‌بسا زمزمه‌ی باطل شکست نهایی برنامه‌ی درسی رسمی و آموزش حضوری را تقویت کند. همچنین عدم توجه و تمایز مدیریتی شبکه‌های یادگیری رسمی با شبکه‌های فنی زیرساختی و یا شبکه اجتماعی مخاطره‌ای بزرگ خواهد بود. وی در ادامه به راهکارهای پیشنهادی پرداخت و گفت: ایده‌ی راهبردی پیشنهادی این بحث استفاده تلفیقی فناوری در یاددهی و یادگیری با رویکرد یادگیری ترکیبی و فرآیندهای سازمانی سازمان یادگیرنده و هوشمند است که اقدام و عمل اجرا شده همانند آموزش معلمان، جشنواره‌های تولید محتوای الکترونیکی، طرح اتصال مدارس، مدارس هوشمند، تولید و توسعه‌ی محتوا و نرم‌افزارهای آموزشی و تربیتی، شبکه‌ی رشد و... از شناخت مناسب و ترسیم مدیریتی پاسخ‌گو در مواجهه با چالش‌های این‌گونه بوده اما عدم صبوری و سعه‌ی صدر مدیریتی کلان یا عدم پیش‌بینی چالش و نگاه حداقلی و ابزاری به بهره‌مندی یا مداخلات غیر اصولی و... سبب عدم پایدارسازی و نهادینه نشدن اقدامات در مدرسه شده و تصمیمات غیرمتناسب و تصدی‌گرانه برخورد کردن با موضوعات حاکمیتی تنزل جایگاه در نقش‌آفرینی سیاستی، ساختاری و برنامه‌ای در دستگاه را رقم زد. براین اساس اهم برنامه و راهکارهایی که نظام تربیت مدرسه‌ای (آموزش و پرورش) کشور ما باید در شرایط جاری و آینده برای بهره‌مندی از فرصت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات با رویکرد تلفیق در فرآیندها و برنامه‌ها با الگوی ترکیبی داشته باشد.

با هو ادامه پیشنهادات خود در این زمینه را مطرح کرد:

- اهتمام به ایفای مسئولیت اجتماعی و رسالت تربیتی مدارس در برابر دانش‌آموز و معلم، مدرسه و خانواده.
- فراهم‌سازی استمرار فرآیند تربیتی مدرسه با فراهم‌سازی شرایط یادگیری در همه‌جا و همه زمان (همه جا حاضر).
- برقراری حکمرانی صحیح و سلامت توسعه خدمات فناورانه در نظام تربیت رسمی و تعاملات سازمانی.
- فراهم ساختن زیرساخت‌ها و چارچوب‌های تعامل سازنده بین معلمان و دانش‌آموزان در فضای مجازی ایمن و سلامت.
- تقویت‌انگیزه و ارتقای روحیه معلمان جهت انجام رسالت معلمی در برابر نظام تربیتی و دانش‌آموزان در هر شرایط...
- توسعه‌ی مدل‌های پردازشی روزآمد و پاسخ‌گو و مدل‌های یادگیری ترکیبی برخط و تعاملات سازمانی همه‌جا حاضر.
- غنابخشی اوقات دانش‌آموزان با محتوای و خدمات مبتنی بر برنامه‌های تربیتی و درسی و برنامه‌ی تحصیلی هفتگی.
- آرامش‌بخشی و بالابردن روحیه‌ی فایق آمدن بر شرایط و تقویت امید به بهبود شرایط در کشور برای مواجهه با شرایط خاص و بحرانی.
- ایجاد نهضت ملی تولید محتوا برای تقویت یادگیری متناسب با برنامه‌های درسی و تربیتی.
- ارزیابی اهداف چرخش‌های تحول‌آفرین و سیاست‌ها، راهبردها و راهکاری سند تحول برای اقدام عملی پاسخ‌گو در این شرایط.
- استفاده از موقعیت‌ها و رسانه‌های متنوع یادگیری در فرآیند یادگیری رسمی با مشارکت‌پذیری حداکثری و همه‌ی ظرفیت ذی‌صلاح.
- توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی شبکه‌ی یادگیری ملی رشد مدارس و تأمین بسته‌های متنوع یادگیری با الگوهای روزآمد.
- مراقبت در حذف تفکرات و اقدامات تضعیف‌کننده‌ی نظام تربیت مدرسه‌ای و استفاده‌های سودجویانه در شرایط خاص.
- در ادامه‌ی نشست مهندس خسرو سلجوقی، صاحب‌نظر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه‌ی آموزش، به



موضوع «چگونگی تحول آموزش مجازی در وزارت آموزش و پرورش در دوران پسا کرونا» پرداخت و گفت: بررسی تاریخیچه‌ی ارائه‌ی فناوری‌های ارتباطی پیشرفته به جامعه دلالت بر آن دارد که با ارائه‌ی هر فناوری ارتباطی جدیدی به جامعه موجی از بیم‌ها و امیدها در پی آن پدید آمده است، برخلاف تجربه‌ی بشری، اولیای فرهنگی ایران در مواجهه با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، به‌صرف آن که امکان کاربری نامناسب از این فناوری‌ها وجود دارد، به‌طور عمد با دیده نفی و انکار با این فناوری‌ها برخورد کرده‌اند و روند ممنوعیت کاربری از ویدیو در اوایل انقلاب، به روند ممنوعیت کاربری از ماهواره و برخی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه انجامیده است.



وی در ادامه به بررسی الگوواره قدیم و جدید آموزش و پرورش در دوران کرونا و پسا کرونا پرداخت و گفت: الگوواره یا الگوی سنتی، یا همان الگوواره‌ی رایج آموزش و پرورش در کشورهای توسعه‌نیافته، بر پیش‌فرض‌هایی مبتنی است که طراحان آن در طول سالیان سال، بدون هیچ دقتی، با فرض گرفتن آن‌ها، نظامی از آموزش و پرورش را ساخته‌اند که در حال حاضر به دلایل مختلف و متعدد ناکارآمد جلوه می‌کند. برای اصلاح این الگوی ناکارآمد، ابتدا باید پیش‌فرض‌های نهفته یا آشکار آن را استخراج و پس از آن با بررسی انتقادی این پیش‌فرض‌ها و جایگزین ساختن اصولی

جدید، به خلق نظام آموزش و پرورشی کارآمد و متناسب با شرایط اجتماعی جدید اقدام کرد.

سلجوقی در ادامه برخی از پیش‌فرض‌های الگوواره‌ی سنتی یا رایج آموزش و پرورش را مطرح کرد:

- علم و معرفت تقریباً معادل اطلاعات است. نتیجه آن که اگر کسی اطلاعات حاضر و آماده را از معلم دریافت کرد و آن‌ها را به‌خاطر سپرد، صاحب علم و معرفت خواهد شد.
- کودکان نیازی به تأمل در مورد مطالب آموزشی ندارند؛ چرا که قبلاً بزرگان تأمل و تفکرات لازم در مورد این مطالب را به‌عمل آورده‌اند.

هدف آموزش و پرورش، انتقال عادات، تجارب و آموخته‌های نسل قبل به نسل جدید است.

- برخی از اصول الگوواره جدید: معرفت، چیزی بیشتر از اطلاعات است. به بیان دیگر، اهمیت پردازش اطلاعات و کسب توانایی این کار، بیش از خود اطلاعات است.

- فرآیند شناخت، بیش از یک بعد دارد؛ به بیان دیگر، فرآیند شناخت مستقل از اموری همچون عاطفه، هیجان، علاقه و تخیل نیست.

وی در ادامه گفت: لذا نقش مهارت‌آموزی با انتخاب هر یک از دو الگوواره‌ی قدیم و جدید در دوران کرونا و پسا کرونا، راهکارهای متفاوتی را برای توانمندسازی کودکان در شرایط کنونی رقم خواهد زد، بدیهی‌ست دوران کرونا فضای انتقالی از کرونا را تا حدودی مهیا کرد و لازم است پس از ورود به دوره پسا کرونا باید الگوواره جدید رویکرد حاکم در وزارت آموزش و پرورش و کشور شود.

در ایران ما حداقل‌ها را داریم ولی طرز استفاده از آن را بلد نیستیم. مثلاً مطالعه‌ی داریم که در سال ۱۳۹۶ روی کودکان ۳-۵ سال در کشور انجام شده که طبق آن، ۶۵ درصد کودکان ۳-۵ سال کشور دارای تلفن همراه یا تبلت هستند. این عدد کم نیست؛ همچنین یک ارزیابی از کسانی که وارد توییت‌ر می‌شوند انجام شد که چند نفر از این‌ها که وارد توییت‌ر می‌شوند می‌دانند که لانچر چیست؟ فقط ۸ درصد

متأسفانه ۲-۳ اتفاق در آموزش و پرورش افتاده است. اول این که، مطالعه‌ی نشان می‌دهد که ۸۰ درصد چیزی که به کودکان، آموزش می‌دهیم اصلاً به دردشان در زندگی روزمره نمی‌خورد. دوم این که، متأسفانه وقتی موضوع هوشمندسازی مدارس مطرح شد آموزش و پرورش ما داشتن یک وایت‌برد الکترونیکی و چند دستگاه رایانه هوشمند سازی می‌دانست. شما اسناد مالزی را نگاه کنید. از بودجه اختصاصی می‌توانید بفهمید که آن‌ها چه کاری انجام دادند؟ آن‌ها حدود ۳۰-۴۰ درصد بودجه را برای تربیت معلم‌ها، ۳۰-۴۰ درصد بودجه را برای محتوا و فقط در حدود ۲۰ درصد بودجه را به ابزار یعنی رایانه اختصاص دادند. در حالی که ما ۱۰۰ درصد بودجه را برای ابزار گذاشتیم و تربیت معلم، محتوا و ... را فراموش کردیم.

وی در خصوص راهکارهای فعال‌تر شدن بخش خصوصی، گفت: بخش خصوصی ما زمانی می‌تواند فعال شود که بتوانیم مجوززدایی کنیم. چون قانون اساسی ما نگفته، برای هر کاری بیا مجوز بگیر! گفته، شما به هر کاری

می‌توانید دست بزنید جز آنجایی که قانون منع کرده است. ما باید به جای گرفتن مجوز، ریل‌گذاری یا همان ضابطه‌گذاری کنیم. تحریم خارجی هرچه سفت‌تر بشود ما بهتر می‌توانیم کمربند خود را محکم کنیم. ولی تحریم داخلی اتفاقاً برای خودمان بیشتر محدودیت ایجاد می‌کند. باعث می‌شود خودمان را از دنیای فناوری دور نگه داریم. نمونه‌اش رفتاری که وزارت آموزش و پرورش در مورد استفاده از تلفن همراه در مدرسه می‌کند. به‌عنوان ضد توسعه و پیشرفت است.

وی در ادامه در خصوص شبکه‌ی ملی اطلاعات و پیشنهاد برای وزارت آموزش و پرورش برای دوران پسا کرونا، سخن گفت و برای پاسخ به نیازهای آموزش و پرورش در فراگیر کردن کاربرد فناوری اطلاعات برای توسعه‌ی حوزه‌های آموزشی و پرورشی و اداری متناسب با زیرساخت‌های موجود و قابل دسترس شبکه ملی اطلاعات، پیشنهادهای زیر مطرح کرد:

۱- استفاده از پردازش مهی (Fog Computing)

۲- ایجاد شبکه‌ی اختصاصی ابری آموزش و پرورش بر بستر شبکه‌ی ملی اطلاعات: باید اذعان داشت که شبکه‌ی ملی اطلاعات یک شبکه سیمی مستقل نیست، بلکه مجموعه ارتباطات زیرساخت، مخابرات، اپراتورها و... شبکه ملی اطلاعات را تشکیل می‌دهند. لذا با استفاده از فناوری‌هایی مانند (MPLS) و برچسب‌زنی اختصاصی (ضمن حفظ امنیت داده‌های در حال تبادل، نیاز به بار اضافه درون شبکه یا ایجاد یک شبکه موازی را منتفی می‌شود. نتیجه آن‌که ایجاد یک شبکه‌ی دیگر در درون و یا به موازات شبکه ملی اطلاعات (مشابه شبکه‌ی علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) برای آموزش و پرورش توصیه نمی‌شود و مقرون به صرفه اقتصادی نیست.

۳- به‌کارگیری فناوری در تغییر الگوی یاددهی و یادگیری؛

۴- شیوه‌های نوین ارزشیابی و ارزیابی؛

وی در پایان، مطالب خود را جمع‌بندی کرد و در خصوص اینکه هم‌زمان با کرونا و دوران پسا کرونا چه کار می‌توان کرد، گفت:

- به بخش خصوصی هم اجازه بدهند تا خدماتی مانند سامانه‌ی شاد را به مدارس عرضه کنند و فضا را رقابتی کنند.

- سامانه‌ی ماهواره‌ای را برای انتقال محتوا تدارک ببینند.

- آموزش معلمان را در اولویت قرار دهند.

- سامانه‌های تولید محتوا برای معلمان ایجاد کنند مانند سامانه موزابوک مجارستان.

- بخشی از محتوای دروس را در شرایط غیرکرونايي در فضای مجازی ارائه دهند.

- مجوز ورود تبلت دانش‌آموزی را صادر کنند.

- ارزیابی‌های برخی دروس را به‌صورت برخط برگزار کنند.

- در بسط و گسترش رویکرد یادگیری معکوس بکوشند و بستر آن را فراهم کنند.

- برخی از کتاب‌های درسی را به‌صورت الکترونیکی تولید و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند.

- امکان یادگیری مشارکتی را برای دانش‌آموزان در فضای مجازی فراهم کنند.

- آموزش والدین، مربیان و معلمان را در فضای مجازی دنبال کنند.

- منابع لازم را به‌صورت چندرسانه‌ای و با کمک فناوری‌های نوین در اختیار سه‌گروه اصلی قرار دهند (معلم و مدیر، دانش‌آموز و خانواده)

بستر اینترنت را به مناطق محروم توسعه دهند البته اگر سامانه‌ی اختصاصی ماهواره‌ای ایجاد شود بهتر است.

آخرین سخنران این نشست، دکتر سیدمحمد حسینی در سخنرانی خود به موضوع «کرونا، آموزش و پرورش و ضرورت گذار پارادایمی» پرداخت و گفت: وقتی درباره‌ی حال و آینده‌ی جوامع بحث و برنامه‌ریزی می‌شود، یک بخش نقشی اساسی و غیرقابل انکار دارد و آن آموزش و پرورش است. زیرا آموزش و پرورش قلب جامعه منسجم، مردم‌سالار، برابر و موفق، اساس توسعه‌ی فردی، اجتماعی و انسانی و مهم‌ترین تعیین‌کننده‌ی آینده کشورها و حتی زمینه‌ساز جهانی بهتر برای زندگی کردن است. البته منوط به آن‌که پیشرفته‌ترین بخش جامعه باشد، همگام با تغییرات علمی، فناوری، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره به پیش برود و حتی زمینه‌ساز و عامل این تغییرات باشد.

در حال حاضر آموزش و پرورش به معنی پیش‌بینی و آماده‌شدن برای آینده، براساس دانش گذشته در قالب فرایندهای امروزی است. مدارس تنها مکان‌های مسلط برای یادگیری، آن هم به شکل انتقال بسته‌های دانش هستند. برنامه‌های درسی موضوعاتی مجزایی هستند که از قرن شانزدهم میلادی توسط پیتر راموس ساختار بندی شده‌اند و کاربرد چندانی در زندگی واقعی دانش‌آموزان ندارند، آرایش کلاس‌های درسی، چیدمان پشت‌سرهم قبل





از قرن شانزدهم است، فرایندهای یاددهی- یادگیری به روش‌های سخنرانی و پرسش و پاسخ عصر پیشامدرن شباهت دارند و هنوز هم ارزشیابی‌های حافظه‌مدار پرسترس که تمام فرایندهای آموزشی را کنترل می‌کنند، اولویت اصلی نظام‌های آموزش و پرورش است. چنین ویژگی‌هایی نشان می‌دهد آموزش و پرورش بر مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها (پارادایم) مبتنی است که فرض می‌کند جهان، آموزش و پرورش و هر آنچه در آن است ایستا (ثابت در زمان و مکان)، ساده (دارای قواعد روشن و دقیق)، قطعیت‌گرا (دارای نظم و ترتیبی روشن و بدون تغییر) است که می‌توان به سادگی آن را پیش‌بینی، برنامه‌ریزی، کنترل و هدایت کرد. این پارادایم، مدرنیسم نام دارد. تعمق در مطالب فوق نشان می‌دهد آموزش و پرورش با مسئله‌ای اساسی مواجه است.

مسئله‌ای که در صورت استمرار، ضرورت وجودی آموزش و پرورش را زیر سؤال می‌برد و شعار «مرگ مدرسه یا آموزش و پرورش» به واقعیت تبدیل خواهد شد. بنابراین تغییر و تحول اساسی در آموزش و پرورش یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و حتمی است.

وی در ادامه به نقش کرونا در تسریع تحول آموزش و پرورش پرداخت و گفت: اینکه آموزش و پرورش باید تغییر کند، موضوعی قدیمی است و تلاش‌های مریبان مختلف از قرن ۱۸ تاکنون گواهی بر این امر است. اما در هر دوره‌ی زمانی، به دلایل متعددی از تغییر بنیادین آن جلوگیری شده است. زیرا در هر تلاشی برای تغییر اساسی در آموزش و پرورش، هنوز ساختارها و فرایندهای موجود تا حدودی می‌توانست به شرایط و نیازهای موجود آموزش و پرورش پاسخ گوید و به دلیل آشنا بودن و تجربه کردن این ساختارها و فرایندها توسط سیاست‌گذاران و اصلاح‌گران آموزشی، عملاً دگرگونی آن به ساختارها و فرایندهایی جدید ممکن نمی‌شد اما در حال حاضر، ویروس کرونا اگرچه سبب شد تقریباً تمامی بخش‌های جوامع تعطیل شود، اما دقیقاً همین زمان، زمان آغاز به‌کار واقعی آموزش و پرورش بود. زیرا آموزش و پرورش یعنی تخیل، کنجکاوی، خلاقیت و ماجراجویی و نه تکرار مکررات گذشته، زیرسؤال بردن عادات و باورهای غیرواقعی و غیرکاربردی گذشته، زندگی در شرایط واقع‌بینانه امروز و ساختن آینده مناسب توسط خود دانش‌آموزان و این یعنی تغییر در هر آنچه که تاکنون درست فرض می‌شد. بنابراین کرونا یک تسریع‌کننده در تغییر و تحولات آموزشی است زیرا حداقل دربارهی کشور ایران باعث شد آموزش و پرورش با بزرگترین ترس خود یعنی بهره‌گیری از فناوری‌های نوین (موبایل و اینترنت) مواجه شود و از آن استفاده کند، مصوبه‌ی خود مبنی بر «گوشی تلفن همراه در مدرسه ممنوع» را زیرپا بگذارد و اساساً این بستر ترسناک، اصلی‌ترین بستر زنده‌ماندن آن شود، جایگاه مدرسه به عنوان تنها محیط یادگیری و آموزش زیر سؤال برود و آموزش در خانه سندیت پیدا کند، معلمان به اندازه تمام سابقه‌ی کاری خود در فناوری و کاربرد آن در آموزش و یادگیری پیشرفت کنند، والدین نقشی پررنگ در یادگیری فرزندان خود داشته باشند، و صدا و سیما یار اصلی آموزش و پرورش شود.

حسینی ادامه داد: اگرچه کرونا سبب شد تغییرات بنیادین در نظام آموزشی تسریع شود و در زمانی کوتاه قابلیت‌های جدیدی در آموزش و پرورش شکل بگیرد و آموزش و پرورش به شرایط و نیازهای حال حاضر نزدیک‌تر شود، اما این امر می‌تواند یک رخداد موقتی باشد و به محض حل این مشکل، تمامی پیشرفت‌ها متوقف و آموزش و پرورش به حالت قبلی خود برگردد. این وضعیت زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بفهمیم تمامی این تغییرات در راستای پیش‌فرض‌های پارادایم مدرن، یعنی قطعیت‌گرایی، کنترل و قابلیت پیش‌بینی و حتی ایستایی و سادگی صورت گرفته و فقط ظواهر امر جابه‌جا شده‌اند و نه پیش‌فرض‌های زیربنایی. بنابراین احتمال بازگشت آموزش و پرورش به وضعیت قبل از کرونا خیلی زیاد است. بنابراین حالا که آموزش و پرورش بعد از یک و نیم قرن در کشور تغییراتی ارزشمند و سازنده را تجربه کرده و قابلیت‌هایی جدید یافته است، نیاز است با دگرگونی‌هایی اساسی و نه تغییر و تحولاتی ظاهری، واقعیت آن را به حقیقتش نزدیک ساخته و کمک کنیم به بخش سازنده و بسیار مهم جامعه تبدیل شود. تثبیت و تقویت تغییر بنیادین نظام آموزشی و جلوگیری از بازگشت آن به وضعیت نامطلوب گذشته نیازمند فراتر رفتن از تغییر و تحولات ظاهری و دگرگونی‌های اساسی در پیش‌فرض‌های آن است. گذاری از پیش‌فرض‌های مدرنیسم به پیش‌فرض‌هایی مقابل آنها یعنی از ایستایی، سادگی، قطعیت‌گرایی و قابلیت پیش‌بینی آموزش و پرورش به پویایی، پیچیدگی، غیرقطعیت‌گرایی و غیرقابل پیش‌بینی بودن آن. پیش‌فرض‌هایی که در عرصه‌های مختلف زندگی انسان امروز عملی شده‌اند، اما جای آنها در آموزش و پرورش خالی است و هر روز بیشتر از قبل به آن احساس نیاز می‌شود.

یازدهمین پیش‌نشست علمی همایش ابعاد انسانی - اجتماعی کرونا در ایران:
سیمای نظام آموزش عالی ایران در دوران پسا کرونا

یازدهمین پیش‌نشست علمی همایش مجازی ابعاد انسانی - اجتماعی کرونا در ایران، روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ با حضور صاحب‌نظران و دانشجویان برگزار شد. در این نشست که با عنوان «سیمای نظام آموزش عالی ایران در دوران پسا کرونا» برگزار شد، دکتر محمدرضا آهنچیان، مدیر پنل و دکتر محمود مهرمحمدی، استاد برنامه‌ی درسی دانشگاه تربیت مدرس؛ دکتر مسعود صفایی مقدم، استاد فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران؛ دکتر یدالله مهرعلی‌زاده، استاد مدیریت آموزش عالی دانشگاه شهید چمران و مدیر اجرایی سازمان مدیریت صنعتی خوزستانی و دکتر محمدرضا آهنچیان، استاد مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد و مدیرکل برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم به‌عنوان سخنرانان در این نشست حضور داشتند.

در ابتدای نشست دکتر محمود مهرمحمدی، استاد برنامه‌ی درسی دانشگاه تربیت مدرس، در سخنرانی خود به موضوع «کرونا و آشنایی‌زدایی از آموزش‌گری در آموزش عالی» پرداخت و گفت: معتقدم آموزش عالی ما در بُعد شیوه‌های آموزش و پداگوژی دچار رکود و سکونی مزمن از حیث نوآوری شده است که می‌توان به آن برهوت نوآوری در آموزش یا خواب زمستانی آموزش اطلاق کرد. کرونا دو کار مهم کرد. نخست، هوشیاری نسبت به اصل کارکرد آموزشی، بدین معنا که رویداد کرونا بر این تصور خط بطلان کشید که با روشن نگاه داشتن مشعل ترویج دانش از طریق آموزش، مشعل دانشگاه نسل اول روشن نگاه داشته می‌شود، تصویری از دانشگاه که البته متعلق به گذشته و یک پدیده‌ی انارونیک و بدون توجیه در زمان حاضر است! لذا باید با گذر از این تصویر به استقبال دانشگاه‌های نسل دوم و سوم و چه بسا چهارم برویم! احتمالاً این تصور غلط در شکل‌گیری برهوت نوآوری در فرآیندهای یاددهی یادگیری نقش داشته است. تصویری که با شیوع ویروس کرونا نسبت به بطلان



آن نوعی «خودآگاهی جهانی» پدید آمد و به این نتیجه رسیدیم که آموزش با دانشگاه عجین است و دانشگاه بدون آموزش، دانشگاه نیست. دوم اینکه هوشیاری نسبت به ماهیت آموزشی و ضرورت اهتمام نسبت به ارتقاء کیفیت آن: این نکته در بحث حاضر کانون اصلی توجه من است.

مهرمحمدی ضمن بیان اینکه مشاهدات من نشان می‌دهد در طی سالیان طولانی، تدریس دانشگاهی هرگز مختارانه و داوطلبانه به سمت برهوت‌زدایی حرکت نکرده و وصف برهوتی آن پابرجا مانده است. کرونا مانند ابر بهاری بر این وادی خشک بارید و در نتیجه اندک غنچه‌های تغییر و نوآوری در آن رویداد، گفت: واقعیت این است که شوک کرونا سبب شد وجه پرابلماتیک آموزش‌گری (سهل و آشنا پنداشته شدن کنش آموزش) در آموزش عالی رخ بنماید و از امر آموزش‌گری آشنایی‌زدایی شود! ناگهان آموزش چون یک امر غریب و ناآشنا خودنمایی کرد و آموزش‌گران در دانشگاه را با چالش و استرس مواجه ساخت! این وجه پرابلماتیک، همان غیراکتسابی تلقی شدن آموزش‌گری نزد عموم استادان و حتی سیاست‌گذاران آموزش عالی است. برپایه این نگاه غالب، صلاحیت آموزش‌گری همان پدیده‌ای است که گویی هم‌آیند و هم‌زاد بی‌بها و هزینه شایستگی (پژوهشگری) است که البته برای کسب آن باید بسیار بها پرداخت و هزینه کرد (چه مادی و چه معنوی). ولی گویی با کسب صلاحیت پژوهشگری در



رشته‌ای خاص، قابلیت آموزش‌گری نیز به پاس تلاش‌های مربوط در آن عرصه، رایگان به فرد اعطاء می‌شود. شبیه یک اشناتیبون یا دستخوش در عالم کسب‌وکار. گویا قابلیت آموزش در عالم آکادمی حکم همان اشناتیبون در عالم کسب‌وکار را دارد! که به پژوهشگران عرصه‌های دانشی، به‌طور طبیعی اعطا می‌شود.

وی ادامه داد: متخصصان آموزش هرچه تلاش می‌کردند آموزش را به‌منابه یک امر تخصصی به استادان معرفی کنند که تحصیل و کسب مهارت و قابلیت در آن نیازمند تلاش سیستماتیک است و خود به خود به‌دست نمی‌آید، راه به جایی نمی‌بردند. چون عموم استادان قائل به صبغی تخصصی برای آموزش نبودند و آموزش‌گری را فاقد بعد تخصصی (دانشی و مهارتی) می‌دانستند. اما کاری که از عهده متخصصان حوزه‌ی آموزش بر نیامد از عهده‌ی شوک کرونا برآمد! استادان ناگهان با تمام وجود با واقعیتی مواجه شدند که با پیش‌فرض آنان درباره‌ی آموزش و آموزش‌گری تطبیق نمی‌کرد. این پیش‌فرض چه بود؟ «می‌دانیم (دانش تخصصی)، پس می‌توانیم (جریان آموزش را به نیکویی هدایت و مدیریت کنیم)» سخنرانی می‌کنیم و هدف‌های مورد نظر درس و رشته به‌دست می‌آید. اکنون امکان حضور در کلاس درس و ارائه مستقیم بحث و درس از استادان دانشگاهی سلب شده و گویی کرونا یگانه سلاح‌شان در عرصه‌ی آموزش را از آن‌ها ربوده است. لذا باید مهارت‌هایی را کسب می‌کردند تا بتوانند از عهده وضعیت حادث‌شده برآیند و آموزش را به جبر زمانه با تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات درآمیزند. کرونا با اقتضائات خاص خودش شاید برای نخستین‌بار ناتوانی در آموزش را به رخ بسیاری از استادان دانشگاهی کشید و لزوم کسب دانش و مهارت در این زمینه را مطرح کرد و به آن موضوعیت بخشید. این امر البته استرس‌های خاص خودش را هم به‌همراه داشت که این هم یک تجربه‌ی تازه و بی‌سابقه برای اکثر استادان بود.

گرچه، برهوت‌زدایی از عرصه‌ی آموزش‌گری آموزش‌عالی تنها در گرو این اتفاق نیست، اما آموزش مبتنی بر وب، به‌صورت برخط یا نابرخط، می‌تواند حکم «تلنگری» را داشته باشد که سبب هوشیاری استادان نسبت به ضرورت کسب مهارت و قابلیت ویژه‌ی آموزش‌گری شده و لازم است این هوشیاری به توجه جدی‌تر به سایر ایده‌ها و دستاوردهای متنوع و گسترده‌ی دانش در حوزه‌ی یاددهی یادگیری نیز کشانده شود. بله، آن‌چه اتفاق افتاد را باید صرفاً یک شروع مبارک و مغتنم ارزیابی کرد که تنها قطعه‌ای از پازل چندین و چند تکه کسب قابلیت آموزش‌گری در آموزش‌عالی را شامل می‌شود. یعنی کاربرد تکنولوژی آنلاین و آفلاین برای آزاد کردن تمام و کمال (صد در صدی) فرآیند یاددهی یادگیری از قید مکان و حضور فیزیکی.

وی در ادامه توضیح داد: اتفاق دوره‌ی کرونا در واقع تنها بخشی از یک «پرونده» و آن‌هم «پرونده» ورود تکنولوژی به عرصه‌ی ایجاد تحول در آموزش و بهبود کیفیت تدریس است (که شاید جز در موارد بحران و اضطرار بهترین گزینه هم نباشد). بلکه تحول در آموزش و ایفای نوآوران و مسئولان نقش آموزش‌گری به‌عنوان یک عضو هیأت‌علمی، شامل «پرونده‌های» متعدد دیگری می‌شود که چه بسا وابستگی این‌چنینی به اینترنت و محتوای الکترونیک نیز نداشته باشد. منظور امکان رجوع به انبوهی از استراتژی‌های تدریس است که می‌تواند فضای درس و بحث را متحول و شاد و فعال کند و از خمودگی ناشی از ارائه‌ی سخنرانی یا استادمحوری‌هایی می‌بخشد اما در آنها یا نشانی از تکنولوژی دیجیتال نیست یا کاملاً در حاشیه است. مواردی نظیر بازی‌گونه ساختن غیردیجیتال درس، حل مسئله در قالب گروه‌های کوچک، تدریس تیمی، تدریس مبتنی بر پورتفولیوی دانشجویان، تدریس مبتنی بر آموزش دانشجویان به یکدیگر و... که با جستجو در اینترنت می‌توان موارد بیشتری از این دست را شناسایی کرد.

تازه، چشم‌انداز دلرباتر از برهوت‌زدایی هم در قالب آموزش پژوهی (دانشگاه آموزش پژوه و استاد آموزش پژوه) جلوه‌گر می‌شود که براساس آن استادان رشته‌های مختلف علاوه‌بر «مصرف» دانش تخصصی آموزش، برای ایفای کارآمدتر نقش آموزشی خود، دست به‌کار اجرای پژوهش در کلاس درس و «تولید» دانش آموزش در رشته خود نیز می‌شوند.

به‌هرحال رویداد کرونا سبب شد کار تحول در آموزش‌عالی، از این «پرونده» (ورود تکنولوژی به عرصه ایجاد تحول در آموزش و بهبود کیفیت تدریس) آغاز شود و البته در همین پرونده نیاز به کار سیستماتیک اعم از برگزاری کارگاه‌ها و دسترسی به منابع راهنما داریم تا بتوانیم ورود عجلانه و ناگهانی کنونی را که قطعاً معرف به‌کارگیری حرفه‌ای و استفاده حداکثری از زیرساخت‌های برگزاری کلاس مجازی نیست، را به سطح مطلوب برسانیم.

مهرمحمدی در تبیین علت اینکه تابستان ۹۹ بهترین فرصت برای تدارک جنین اتفاقاتی است، گفت: چرا که علاوه‌بر ارزشمندی ذاتی آن به‌عنوان یک شایستگی آموزش‌گری، بعید نیست دنیا و ایران با منع تشکیل کلاس‌های حضوری در نیم‌سال بعد هم مواجه باشد و در این صورت انتظار می‌رود کلاس‌های مجازی با مهارت و چیرگی بیشتری به اجرا گذاشته شوند. به‌ویژه این‌که با استفاده از ظرفیت متنوع پلتفرم‌های آموزش مجازی، کلاس‌های مجازی را از استاد محوری یا ادامه lecturing خلاصی بخشیم. همچنین ارزشیابی و آزمون را باید



به گونه متفاوتی فهم و عملیاتی کنیم که با فضای مجازی و دسترسی دانشجویان به همه منابع سازگاری داشته باشد. مثلاً استفاده از digital portfolio می‌تواند در همه سطوح و دوره‌های آموزشی مورد تأکید قرار گیرد. وی در پایان خاطرنشان کرد: در جهان آینده شاید بتوان از سال ۲۰۲۰ و نشانگر بارز آن که همان کروناست به‌عنوان نقطه عزمیت در اتفاقی شگرف در آموزش عالی یاد کرد. مشروط به این‌که با بازگشت به شرایط طبیعی میراث ارجمند دوران کرونازده را از خاطر نبردیم و به وضعیت برهوتی مألوف در آموزش عالی بازگشت نکنیم.

با بازگشت شرایط پس از کرونا، لازم است با اتخاذ سیاست‌های مناسب و با پاس‌داشت تجربه این دوره از بذره‌های کاشته شده محافظت شود تا خشک و نابود نشوند. امید آن‌که وضعیت برهوتی آموزش عالی کشور ما با تعقیب اتفاقات تکمیلی در سه گام به سبزی و آبادانی بدل شود:

- اهتمام به ارتقاء سطح به‌کارگیری تکنولوژی آنلاین و افلاین و استفاده کارآمدتر از آن.
- اهتمام به شناخت و کاربرد روش‌های تحول‌آفرین آموزش که ضرورتاً متکی به تکنولوژی نیستند.
- اهتمام نسبت به چشم‌انداز آموزش پژوهی و تبدیل دانشگاه به دانشگاه آموزش پژوه.

سپس دکتر مسعود صفایی مقدم، استاد فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران، به سخنرانی با عنوان: «تحلیل ناکامی آموزش عالی در شرایط دشوار» پرداخت و گفت: «شرایطی که در پی گسترش ویروس کووید ۱۹ یا کرونا در جهان پیش آمد و ناکامی در مدیریت درست شرایط نشان داد که جهان آمادگی مواجهه با شرایط دشوار را ندارد. ناکامی نخبگان جامعه‌ی بشری در برخورد با



ویروس کرونا زنگ خطر را برای نهادهای پرورش‌دهنده‌ی این نخبگان به صدا درآورد. آموزش عالی به عنوان کانون آموزش و تربیت کارشناسان و مدیران نتوانسته مدیرانی تربیت کند که آمادگی برخورد مؤثر با شرایط دشوار را داشته باشند. نظام آموزش عالی برای شرایط معمولی طراحی شده است. تحلیل این ناکامی امری است که باید مد نظر کارشناسان و بخصوص فیلسوفان تعلیم و تربیت قرار گیرد.

وی درخصوص تحلیل ناکامی آموزش عالی، گفت: چرا آموزش عالی از تربیت مدیران و کارشناسانی که بتوانند در شرایط دشوار همان‌گونه کار کنند که در شرایط معمولی و نادشوار، ناکام بوده است؟ یکی از پاسخ‌های محتمل که به‌دنبال تشریح و توجیه آن هستیم این است: به‌این دلیل که

پیش‌فرض‌های آموزش عالی درباره‌ی «دشواری» و جایگاهی که باید در آموزش عالی داشته باشد نادرست بوده است. باور به «نامطلوبیت دشواری» و اتخاذ موضع حذفی در قبال آن، کیفیت آموزش و تربیت را نازل کرده و باعث شده که رویکردهای تأملی آن‌گونه که باید و شاید وارد گردونه‌ی آموزش عالی نشود. این امر به پرورش نخبگانی انجامیده است که صرفاً برای شرایط معمولی و نادشوار آماده هستند.

دراین گفتار، مباحث مورد نظر ذیل چند عنوان ارائه می‌شود: پیش‌فرض‌های نهاد آموزش عالی درباره «دشواری». خاستگاه توده‌ای پیش‌فرض‌ها. بسندگی به آموزش و تربیت نازل و عام‌پسند. ماهیت و کارکردهای دشواری. کارکرد دشواری در افزایش خودآگاهی پیش‌فرض اول: دشواری امری است نامطلوب.

دشواری امری است ذاتاً نامطلوب. از این‌رو رویکرد نهادهای علمی دشواری زدایی از ساحت زندگی بشر بوده است. در این نگاه، زندگی خوب عبارت است از یک زندگی که در آن از سختی و دشواری خبری نباشد. وقتی که نهاد متفکر جامعه، با چنین رویکردی با دشواری مواجه شود، ذهن‌هایی با تمایل گریز از دشواری یا تبدیل دشواری به سهولت و راحتی پرورش می‌دهد. بر این اساس دانشگاه نمی‌تواند یا نمی‌خواهد ذهن‌هایی را پرورش دهد که نه تنها از دشواری فراری نباشند بلکه، او را همواره در کنار خود دیده و با او به دادوستد پرداخته و مواجهه با او هرگز غیرمنتظره نباشد.

پیش‌فرض دوم: دشواری امری است نامنتظر.

دشواری از لحاظ وجودشناختی واجد یک هستی اصیل نیست. ناگهانی و نامنتظر است. مزاحمی است که گاه و بیگاه ناخوانده سر می‌رسد و زندگی را تلخ می‌کند. همچون شیطان است که ناخوانده وارد ساحت وجود آدمی شده و نامنتظر و سر بزن‌گاه‌ها هستی آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و زندگی خوب بدون دشواری است و



نهایتاً این‌که دشواری را می‌توان و باید از زندگی زدود تا به زندگی خوب نایل آیم.

صفایی مقدم در خصوص خاستگاه توده‌ای پیش‌فرض‌ها، گفت: پیش‌فرض‌های فوق برآمده از باورهای عامه‌ی مردم بوده و به‌این معنا عام‌پسند هستند. پس آموزش‌عالی تاکنون به‌گونه‌ای عوام زده بوده است. باور به نامطلوبیت دشواری، و اتخاذ موضع حذفی در قبال آن، محصول درک متعارف توده مردم است که در عین حال تبدیل به یک مطالبه‌ی عمومی شده است. این مطالبه که شریان اصلی نظام سرمایه‌داری و نظم حاکم جهانی است با نظام‌های سه‌گانه قدرت، ثروت و منزلت پیوند وثیق دارد. به‌گونه‌ای که در عرصه رقابت‌های سیاسی و اقتصادی، و کسب منزلت اجتماعی، نمی‌توان به‌آن بی‌توجه بود. دانشگاه به علت وابستگی شدیدی که به نظام قدرت، نظام ثروت و نظام منزلت دارند همواره از این رویکرد عوام‌گرایانه تبعیت کرده است. از این‌روست که رویکرد نهادهای علمی دشواری زدایی از ساحت زندگی بشر بوده است.

وی در ادامه به موضوع سلطه کمیت بر کیفیت در آموزش‌عالی، پرداخت و گفت: اثرگذاری پنهان گرایش‌های توده‌ها بر رویکردهای جهانی، در هر سه حوزه قدرت، ثروت، و منزلت‌های اجتماعی، باعث سلطه‌ی کمیت‌ها بر کیفیت‌ها در حوزه‌ی آموزش‌عالی شده و آموزش‌عالی را به‌مثابه ابزار نظام جهانی در چنبره کمیت گرفتار کرده و ناچار به ارائه یک تربیت نازل و عوام‌پسند شده است.

صفایی مقدم در خصوص دشواری و ماهیت و کارکردهای آن، گفت: درک جایگزین از دشواری نامطلوبیت و نامنتظر بودن را از او می‌زداید، و بر کارکردهای مثبت او تأکید می‌کند. فقط آن نظام آموزش‌عالی که مبتنی بر یک هستی‌شناسی مثبت از دشواری باشد می‌تواند افرادی تربیت کند که بتوانند شرایط دشوار را همانند شرایط ناهدشوار مدیریت کنند. برحسب این رویکرد جایگزین دشواری یک وجود و حقیقت اصیل دارد. دشواری مهمان ناخوانده نبوده بلکه از ویژگی‌های اصیل هستی است. هرگز قابل زدایش از حیات نیست. با آسانی درهم‌تینده است. نسبت ذاتی و ضروری با تلخی و نامطلوبیت ندارد. حضورش دائم بوده و ناگهانی و نامنتظر نیست. حضور گسترده‌ای در حیات آدمی دارد به‌گونه‌ای که هیچ ساحتی از زندگی از او خالی نیست. از یک هستی ذومراتب برخوردار است. هر مرتبه‌ای از او با مرتبه‌ی کیفی متفاوتی از حیات همراه است. از این‌رو فقدان هر مرتبه از دشواری منجر به فقدان مرتبه‌ی حیاتی وابسته می‌شود. کارکردهای دشواری نیز متنوع و برای تربیت ضروری‌اند. جدیت بخشی به حیات و افزایش خودآگاهی، حضور ذهن، و شجاعت روحی از جمله اساسی‌ترین آنهاست.

مبتنی بر این درک، انسان‌های آگاه، خودآگاه، عمیق، منعطف، شجاع و ریسک‌پذیر، امیدوار و خوش‌بین، مد نظر آموزش‌عالی خواهند بود. خوشبختانه این نکات و نکته‌های دیگر به صراحت در منابع دینی ما و به‌خصوص قرآن کریم آمده است. فقط به چند آیه اشاره می‌شود: لقد خلقنا الانسان فی کبد (سوره‌ی بلد آیه ۵). فان مع العسر یسرا. ان مع العسر یسرا (سوره‌ی شرح آیات ۵ و ۶). یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه (سوره‌ی انشقاق آیه ۶)

وی در ادامه به کارکرد دشواری در افزایش خودآگاهی پرداخت و گفت: از اهداف مغفول آموزش‌عالی، و به‌طور کلی تربیت، توسعه‌دادن به ساحت زندگی آگاهانه و افزودن به عرصه‌ی هشیار ذهن است. در ساحت خودآگاه ضمیر هشیار آدمی تدبیر امور را به عهده دارد. در ساحت ناخودآگاه، ضمیر ناهشیار مسئول رتق و فتق امور آدم است. در ساحت خودآگاه آدمی در بیداری روحی به سر می‌برد و در ساحت ناخودآگاه، فرد در خواب است و امور او با مدد عادات، خاطرات فروخورده و ساختارهای فیزیولوژیک به انجام می‌رسند. حوزه‌ی فعالیت ضمیر ناهشیار شرایط معمولی است. طرفه آن‌که بیشتر ایام عمر کثیری از آدمیان با مدیریت ضمیر ناهشیار سپری می‌شود. و از مهم‌ترین کارکردهای دشواری غفلت‌زدایی و افزایش میدان عمل خودآگاهی است. انسان غافل انسانی نیست که به هیچ چیزی توجه نمی‌کند بلکه کسی است که به آن‌چه که باید توجه نمی‌کند. قرآن کریم می‌فرماید غافلان کسانی هستند که خداوند را فراموش کردند و ما هم خودشان را از یاد خودشان بردیم. (نسوا لله فانسیهم انفسهم)، و این‌که خداوند بایدترین بایدهاست. او که فراموش شود یعنی فضیلت‌ها فراموش شده‌اند و خودبه‌خود ردیلت‌ها میدان‌دار می‌شوند. یعنی نبایدها جای بایدها را می‌گیرند. کمیت جای کیفیت، بدبینی جای خوش‌بینی، ناامیدی جای امیدواری، تنگ‌نظری جای شرح صدر، خودپسندی جای نوع دوستی، تک روی‌های خودپسندانه جای همکاری‌های عمیق و همه‌جانبه، بسندگی به ظواهر حیات جای توجه به جواهر، و نهایتاً آموزش‌عالی بی‌توجه یا کم توجه به فضائل اخلاقی جای آموزش‌عالی فضیلت بنیان را می‌گیرد.

بر این اساس، هدف تربیت را گسترش حوزه‌ی خودآگاهی و لذا بیدار کردن روح‌های به خواب رفته می‌دانیم و از این‌رو بود که سقراط خود را خرمگسی می‌دانست که رسالت او بیدار کردن به خواب رفته‌هاست. زیرا بیداری ذاتاً با هوشیاری و آزادی و اختیار همراه است. لذا استقبال از شرایط دشوار، و آموزش در شرایط دشوار و بر مبنای نامطلوبیت دشواری و باور به درهم‌تیدگی ذاتی دشواری با راحتی باید رویکرد پس از کروناپی

در ادامه‌ی نشست دکتر یددا... مهرعلی‌زاده، استاد مدیریت آموزش عالی دانشگاه شهید چمران و مدیر اجرایی سازمان مدیریت صنعتی خوزستان، به سخنرانی با موضوع «مدیریت راهبردی آموزش عالی و دانشگاهی در ایران و حساسیت اقتصادی و اجتماعی در قبال بحران کرونا» پرداخت و گفت: به‌طور کلی دانشگاه به‌عنوان کانون تولید علم که به‌صورت تاریخی و سنتی مشروعی در این زمینه کسب کرده بر پایه شبکه‌هایی از مبانی فنی و اجتماعی پایه‌ریزی شده که در اتصال اجزای گسسته‌ی جامعه و به‌ویژه خرده‌نظام‌های معرفت، قدرت، ثروت و منزلت سهمی قابل توجه برعهده دارد. این سهم در کشورهای مختلف سرشت و ماهیتی متفاوت دارد. سرشتی که ریشه در نهادهای ایجاد، حمایتی و هدایتی جامع و آموزش عالی به‌طور اعم و دانشگاه به‌طور اخص دارد.



هنگام بروز بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جایگاه نهادها و سازمان‌ها و میزان حساسیت و اهمیت آنها مشخص می‌شود. بدون شک هنگام رخداد بحران‌های طبیعی یا اقتصادی و اجتماعی و بهداشتی کارکرد نهادهایی مانند امنیت، بهداشت، آموزش و آموزش عالی، بنگاه‌ها و... برای جامعه حساسیت و اهمیت متفاوتی دارند. بیماری کرونا به‌عنوان یک بحران بهداشتی با ابعاد وسیع است که تأثیرات متعددی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و فناوری بر مدیریت راهبردی آموزش عالی جهان و ایران برجای گذاشته

است. مهم‌ترین تأثیر بیماری کرونا در حوزه تغییرات ساختاری، فرایندی، اقتصادی و اجتماعی است منظور از حساسیت در یادداشت حاضر میزان اهمیت و مقبولیت دانشگاه و آموزش عالی برای جامعه در مقابله با بیماری کرونا است.

وی در ادامه با توجه به تعطیلی اجباری دانشگاه‌ها در شرایط قرنطینه‌ی ناشی از بیماری کرونا دو پرسش را مطرح و بررسی کرد:

پرسش نخست: آیا تعطیلی دانشگاه برای جامعه به‌ویژه فعالان بخش‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی در مقایسه با تعطیلی دیگر نهادها و دستگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از اهمیت و حساسیت برخوردار است؟

پرسش دوم: چگونه مدیریت آموزش عالی و دانشگاه‌های ایران می‌تواند بین انتظارات نظری و عملی و کارکردی مردم در خصوص حساسیت، اهمیت و نقش راهبردی دانشگاه در برنامه‌های مدیریت بحران خود تجدید نظر کند؟ مهرعلی‌زاده در پاسخ به پرسش اول گفت: این پرسش ناظر به این مسئله است که آیا تعطیلی دانشگاه موجب شده مردم نسبت به فقدان چنین نهادی احساس کمبود داشته باشند؟ از سویی دیگر تا چه اندازه عملکرد گذشته و کنونی دانشگاه در بحران کرونا موجب بر حساسیت و اهمیت مدیریت راهبردی در دانشگاه‌ها تأثیر گذاشته است؟ چگونه مدیریت آموزش عالی و دانشگاه‌های ایران دوباره در برنامه‌های مدیریت بحران خود تجدید نظر می‌کنند؟ اما پرسش دوم به‌دنبال راهکاری برای تحلیل گسست نظر و عمل در افکار مردم است. به‌دنبال آن است مشخص شود چگونه مدیریت آموزش عالی و دانشگاه‌های ایران می‌تواند بین انتظارات نظری و عملی و کارکردی مردم در خصوص حساسیت و اهمیت و نقش راهبردی دانشگاه در برنامه‌های مدیریت بحران خود تجدید نظر کند؟

وی در کندوکاو پرسش اول و برای تحلیل میزان حساسیت و اهمیت دانشگاه دو نوع نگاه را مطرح کرد:

الف- انتظارات نظری: انتظاراتی که مردم از دانشگاه واقعی دارند آن‌ست که بتواند در مراحل چهارگانه بحران (پیش‌گیری، آمادگی، مقابله و بازسازی و بازتوانی) به جامعه کمک‌رسانی کند. منظور از پیش‌گیری یعنی (مجموعه اقداماتی است که با هدف وقوع حوادث و یا کاهش آثار زیانبار آن، سطح خطر پذیری جامعه را ارزیابی نموده و با مطالعات و اقدامات لازم سطح آن را تا حد قابل قبول کاهش دهد)، آمادگی (مجموعه اقداماتی است که توانایی جامعه را در انجام مراحل مختلف مدیریت بحران افزایش می‌دهد که شامل جمع‌آوری اطلاعات، برنامه‌ریزی، سازماندهی، ایجاد ساختارهای مدیریتی آموزش، تأمین منابع و امکانات، تمرین و مانور است)، مقابله (انجام اقدامات و ارائه خدمات اضطراری به‌دنبال وقوع بحران است که با هدف نجات جان و مال انسان‌ها، تأمین رفاه نسبی



برای آنها و جلوگیری از گسترش خسارات انجام می‌شود) و بازسازی و بازتوانی (مجموعه اقداماتی است که جهت بازگرداندن شرایط جسمی، روحی و روانی و اجتماعی آسیب دیدگان به حالت طبیعی به انجام می‌رسد).
ب- **انتظار کارکردی و عملکردی:** به‌طور کلی باید اذعان داشت جامعه تصویر مثبتی از کارآمدی و عملکرد دانشگاه در عرصه‌ی خدمت به جامعه در چهار مرحله بحران یعنی (پیش‌گیری، آمادگی، مقابله و بازسازی و بازتوانی) بروز نمی‌دهد. دانشگاه و آموزش عالی در معرض انتقادات فراوانی هست که ناشی از ماهیت کارکردی و نارسایی نگاه راهبردی در توجه به مسائل واقعی و عینی جامعه به‌ویژه در سه بخش اصلی اقتصاد ایران یعنی صنعت، کشاورزی و خدمات است.

به‌نظر می‌رسد، در کشور ایران بین انتظار از دانشگاه و تصویر از عملکرد دانشگاه شکافی عمیق در ذهنیت جامعه وجود دارد و این تصویر باعث شده که مردم به‌دلیل تجارب گذشته از ناکارآمدی دانشگاه آن‌را از نظر حساسیت و اهمیت اقتصادی و اجتماعی در رتبه کمتری ارزیابی نمایند. به همین دلیل مشاهده می‌شود مردم در کوتاه مدت کمتر انتظار دارند دانشگاه بتواند تأثیری به هنگام بروز بحران‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در زندگی آنها به همراه داشته باشد. بنابراین، این شکاف بین آنچه مردم از دانشگاه انتظار دارند و آنچه عملکرد دانشگاه بوده باعث می‌شود جامعه ایرانی نتواند از توانمندی‌های محیط‌های دانشگاهی به‌خوبی بهره‌مند شود. البته دلایلی برای بروز چنین گسست و شکافی در حوزه‌ی انتظار و عمل وجود دارد. دلایلی که ریشه اصلی آن ماهیت سیاست‌زده آموزش عالی و دانشگاه ایرانی است. سیاست‌زدگی جریان تمرکزگرایی را به شدت تقویت کرده است که باعث شده دانشگاه بیش از حد از کارکردهای اصیل خود خارج شود. تجارب مختلفی از ناتوانی و نارسایی مدیریت راهبردی آموزش عالی ایران و دانشگاه در مدیریت بحران‌های مختلف کشور به‌ویژه سیلاب و اخیر کرونا وجود دارد. مشروعیت رؤسای دانشگاه‌ها در ایجاد اجماع علمی بین گروه‌های آموزشی و متخصصین دانشگاهی رشته‌های مختلف برای بررسی آسیب‌ها کرونا بر صنعت، کشاورزی و خدمات کشور و استان‌ها و ارائه‌ی راهکارها بسیار اندک بوده است.

مهرعلیزاده در پاسخ به سؤال دوم گفت: گفت‌وگوی دانشگاه و جامعه نیاز به بازنگری دارد. گرچه شبکه دانشگاه و جامعه تلاش داشته طی چند سال گذشته با پوست‌اندازی چند ساختار وابسته به معاونت فرهنگی دیالوگی فرهنگی با مردم برقرار ساخته است اما این دیالوگ فاقد راهبری و برنامه مشخصی است. صرفاً استادان عضو این شبکه مسائل و دغدغه‌های شخصی را بیان می‌کنند. درحالی‌که نیاز است براساس یک راهبرد مشخص در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی مسائل طبقه‌بندی و دیدگاه‌های استادان برای رفع نیازهای جامعه در آن قالب سازماندهی شود. دپارتمان‌های علمی و آموزشی دانشگاه در سکوت علمی به سر می‌برند. حال آن‌که می‌توانستند با تشکیل کارگروه‌های مجازی و شناسایی مسائل مهم جامعه در آن زمینه نظرات و دیدگاه‌ها و نسخه‌های علمی خود را در اختیار جامعه قرار دهند. عمده دغدغه‌ی رؤسای دانشگاه‌ها حضور استادان در گروه یا ارائه‌ی آموزش مجازی است. زیرا هنوز دانشگاه در صدد ایفای نقش سنتی خود یعنی آموزش و اتمام برنامه درسی دانشجویان است تا آنها را برای امتحانات پایان ترم و دادن مدرک آماده سازد! اما به‌ندرت مدیریت راهبردی آموزش عالی و دانشگاه‌های ایران در صدد تبدیل فرصت به تهدید هستند. مشکلات تازه و تجربه نشده در مدیریت دانشگاه‌ها باید واکاوی و تحلیل شوند. اما مدیران ارشد آموزش عالی و دانشگاه‌ها هنوز برای حل مشکلات ناشی از بحران کرونا دنبال راه حل‌های سنتی و تکراری هستند. بازنگری فرایندها، ساختارها، فرهنگ جدید تدریس و پژوهش، فناوری‌های نوین و از همه مهم‌تر تلاش دانشگاه برای ایفای نقش در مراحل چهارگانه بحران کرونا در حوزه‌ی مسائل راهبردی دانشگاه‌ها، دانشجویان، استادان، آموزش و پژوهش، تأمین هزینه‌ها، تعامل با جامعه و ساختارها و فرایندهای جدید نامشخص است.

و در آخر دکتر محمدرضا آهنجیان، استاد مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد و مدیرکل برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم‌مدر سخنانی خود با موضوع «تکلیف‌های ما برای آموزش عالی فردا در دنیای پساکرونا» گفت: دغدغه‌ی همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ به جز شیوع جسمی منجر به نگرانی بیمارشدن انسان‌ها، همه‌گیری ذهنی نیز داشته است که دامنه آن بحث‌ها و تحلیل‌های مردم کوچه تا اندیش‌ورزان و متخصصان را دربر گرفته است. آنچه این طیف گسترده از افراد را از هم تفکیک می‌کند، درک آنان از این رخداد به‌عنوان یک پدیده‌ی «درگذر» یا «مانا» (منظور از «مانا» در این‌جا فرض پدیدایی دوباره بحرانی شبیه به ویروس کووید-۱۹ است؛ منظور مانایی این ویروس به‌طور خاص نیست.) و پیامدهای «کوتاه» یا «بلند مدت» آن برای انسان و جهان است. در گیرودار شرایطی که پیش آمده است، تحلیل‌ها و بحث‌های زیادی درباره‌ی آموزش و آموزش عالی نیز مطرح و به بحث گذاشته شده است.

وی ادامه داد: در نگاه به همه‌گیری ویروس به منزله‌ی پدیده درگذر با پیامد کوتاه مدت، آموزش عالی واکنش



خود را به ساده‌ترین شکل ممکن از طریق جابه‌جایی از آموزش حضوری یا کلاسیک به آموزش الکترونیکی نشان داد. این نگاه منجر به تغییرات عملیاتی در «برنامه حین عمل» شد: در کلاس‌های درس، درمان‌گاه‌ها، آزمایش‌گاه‌ها، آتیه‌ها، کارگاه‌ها، مزرعه‌ها، کلینیک‌ها و همه محیط‌هایی که دانشجو در آن مشغول یادگیری بود، فعالیت‌های مربوط به آموزش به شکل حضوری متوقف و به شیوه‌های غیرحضوری ادامه یافت: این چرخش حاصل گسترش اینترنت در دو دهه‌ی گذشته و ظرفیتی است که از طریق آن برای مراجعه به این شیوه، فراهم شده



بود. قطار آموزش‌عالی با این تغییر ریل، از حرکت بازماند و این تغییر بی‌اختیار، تجربه دیگری برای آموزش‌عالی شد که البته تازگی نداشت: پیشتر هم نظام‌های آموزش‌عالی به اختیار خود برای اجرای برنامه به شیوه الکترونیکی در گستره محدودتری اقدام کرده بود. در حال حاضر آموزش‌عالی نمی‌تواند با نگاه اجرایی فقط به این پدیده و پیامدهای آن، به ریل بازگردد درحالی‌که آثار و عوارض ناشی از تغییر در شرایط اضطرار و بحران را نادیده یا ساده می‌انگارد.

مهرعلیزاده ضمن بیان اینکه پس از واکنش مدیران دانشگاهی به بحران برخاسته از همه‌گیری ویروس کووید-۱۹، که در اقدام بدان نیاز چندانی به مشورت گرفتن و تقاضای مداخله از اصحاب تعلیم و تربیت حس نشد؛ تکلیف‌های نانوشته‌ای برای استادان و کارشناسان علم تربیت در این گذرگاه دشوار، متصور است، گفت: ما باید آموزش‌عالی را برای

مواجهه‌ی موجه با موضوع همه‌گیری ویروس، به‌عنوان پدیده‌ای مانا با پیامدهای بلندمدت یاری کنیم. وی در ادامه درباره‌ی برخی از زاویه‌هایی از تکلیف که در این شرایط به روی ما باز است، موارد ذیل را مطرح کرد:

- مفهوم آموزش به کمک تدریس و بررسی امکان جایگزینی آن با آموزش از طریق یادگیری خودراهبر
- الزامات یادگیری واگذار شده به دانشجویان جز آن‌چه نظام برنامه‌ریزی درسی برای آن در نظر می‌گیرد
- پیش‌رانی یا پیش‌گیری حرکت آموزش‌عالی به سوی محوریت فرد (دانشجو) در آموزش
- نقش‌های جدید استادان در تولید محتوای یادگیری و چگونگی ارائه اثربخش آن
- الزامات تغییر در درک از آموختن و ارزشیابی پیامدهای یادگیری
- نگاه به مرزهای کلاس به منزله حد و اندازه کنترل فرایندها و فعالیت‌های یادگیری
- اجتماعات یادگیری به‌عنوان جایگزین‌های دانشگاه و نظام آموزش رسمی
- کارکرد برنامه‌ریزی به‌ویژه برنامه‌های بلند/ میان مدت در تنظیم نقشه یادگیری دانشجو
- روابط انسانی در محیط یادگیری و بازبینی نقش و مرتبت آن در رشد دانشجو
- وجود و گسترش دامنه نفوذ و حضور حاشیه‌ها (طبقه‌ها، مفاهیم) در متن آموزش
- عدالت آموزشی و قابلیت پیش‌گیری آموزش‌عالی از بازتولید فقر در دنیای جدید
- انضباط و بازتعریف آن در مدیریت فرایند یاددهی - یادگیری
- نقش و جایگاه مهندسان برق و کامپیوتر و صنایع و متخصصان فناوری اطلاعات در تدوین برنامه و تنظیم نظامات اجرا
- جایگاه و نقش نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مؤسسات فرهنگی، رسانه‌ها و موارد نظیر، در تحقق هدف‌های آموزش دانشگاهی
- با ساماندهی متخصصان آموزش از سوی یکی از مراجع رسمی مورد وثوق و دارای وجاهت حداکثری، مانند گروه علوم تربیتی شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یا مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش‌عالی، مطالعه و بررسی تکلیف‌ها با مشارکت حداکثری مدیران مرتبط دستگاه(های) مرتبط می‌تواند منجر به دستاوردهایی شود که در یکی از نخستین آثار خود، بتواند به‌عنوان سرمشق سیاست‌گذاران و مدیران آموزش‌عالی عمل کند».

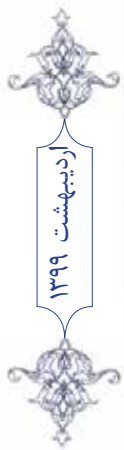
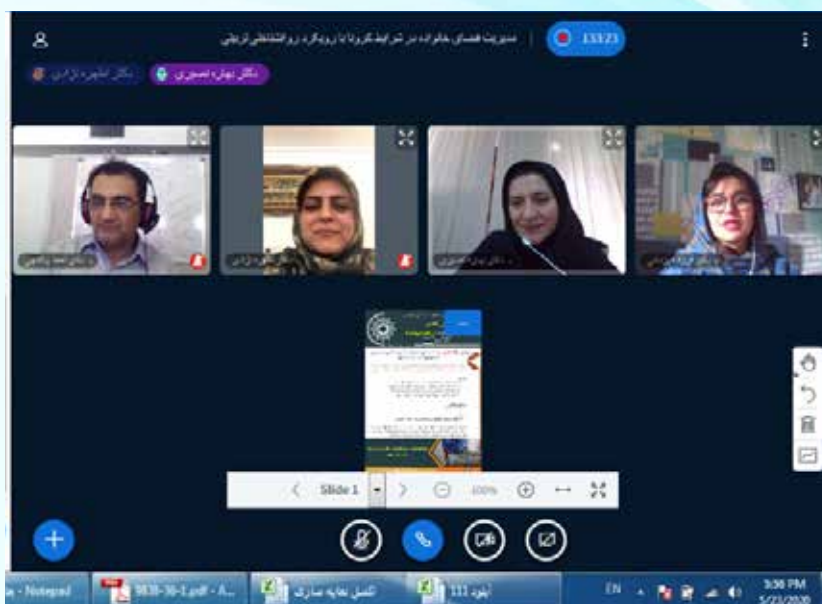


مدیریت فضای خانواده در شرایط کرونا با رویکرد روان‌شناختی تربیتی

دوازدهمین پیش‌نشست علمی همایش مجازی ابعاد انسانی - اجتماعی کرونا در ایران، روز شنبه ۳ خرداد ۱۳۹۹ با حضور صاحب‌نظران و دانشجویان از ساعت ۱۶ الی ۱۸ برگزار شد. در این نشست که با عنوان «مدیریت فضای خانواده در شرایط کرونا با رویکرد روان‌شناختی تربیتی» برگزار شد، دکتر بهاره نصیری مدیر پندل و دکتر فرزانه یزدانی عضو هیأت علمی دانشکده علوم سلامت و زندگی دانشگاه آکسفورد و دکتر اطهره نژادی دبیر کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست هیأت دولت به‌عنوان سخنران در این نشست حضور داشتند.

در ابتدای نشست، دکتر فرزانه یزدانی، عضو هیأت علمی دانشکده‌ی علوم سلامت و زندگی دانشگاه آکسفورد، در سخنرانی خود با عنوان «بررسی دوره‌ی ایزوله کردن و فاصله‌گذاری بر روی جنبه‌های مختلف احساس نیک‌بودی» گفت: این کار در زمینه well being است. مدل طراحی شده آن در حوزه‌ی احساس کلیت و یکپارچگی داشتن در زندگی بر مبنای occupational science و تئوری‌های سیستمی است. بدین‌صورت که انسان‌ها، احساس خوب بودن و خوب زیستن را در زندگی در برقراری تعادل بین کارهایی که در جهت بودن و زیستن خود being تعلقشان belonging و بهبود زندگی becoming انجام می‌دهند اگر کارهایی که انجام می‌دهند در زمینه این سه کارکرد باشد یک احساس تعادلی در فرد به‌وجود می‌آید یعنی احساس خوبی و احساس نیک‌بودی و احساس wellbeing در او بهبود پیدا می‌کند پرسشنامه‌ای بر این مبنای درست کرده و مطالعه‌ای بر روی زمان ایزوله کردن بر روی این سه نیاز being-becoming-belonging و تأثیر آن بر افراد انجام دادم نتایج نشان داد تأثیرات بیشتر در زمینه‌ی belonging و being بار مثبت و در زمینه‌ی becoming تأثیر منفی داشته است.

وی ادامه داد: این مطالعه با هدف بررسی تأثیر دوره‌ی انزوا بر زندگی روزمره‌ی زنان تأثیر انجام شده است. تأثیر مثبت یا منفی درک شده توسط زنان از این دوره مورد بررسی قرار گرفت. پایه‌های نظری توسعه سؤالات نظرسنجی مبتنی بر مدل احساس



یکپارچگی و تمامیت فرد و زندگی بوده است. طبق این مدل، اگر بین آنچه فرد انجام می‌دهد تا نیازهای خود برای زندگی، خود تحقق بخشیدن و تعلق را برآورده سازد، هماهنگی معنادار وجود داشته باشد در او احساس تمامیت و یکپارچگی ایجاد می‌کند. احساس یک کل واحد بودن، تعادل، یکپارچگی و هماهنگی بین فرد و دنیای او با حس نیکبودی همراه است. طبق یافته‌های این تحقیق، زنان به‌رغم استرس‌ها و نگرانی برای آینده، برداشت‌شان از شرایط موجود در رابطه با زندگی، و متعلقات خود نسبت به قبل از شیوع کرونا مثبت‌تر بود. برداشت زنان از انزوا حاکی از آن بود که این دوران بر روی برنامه‌ریزی‌های آینده‌ی زندگی و دستیابی به اهداف‌شان نسبت به قبل از دوره انزوا تغییری نکرده است.

سپس دکتر اطهره نژادی، دبیر کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست هیأت دولت، به موضوع «تحلیل نقش مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی بر کاهش اثرات و پیامدهای کرونا بر زنان» پرداخت و گفت: تاب‌آوری اجتماعی، توانایی یک جامعه در غلبه بر استرس‌ها و سازگاری با تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیط زیستی است. جوامع امروز، سیستم‌های پیچیده‌ای هستند که در این سیستم‌ها، تنش‌هایی بین تاب‌آوری و بهره‌وری وجود دارد و برخی از ریسک‌های سیستمیک که پیامد تلاش برای به حداکثر رساندن بهره‌وری، تلقی می‌شوند، در زیرسیستم‌های مختلف ایجاد شده و تاب‌آوری را دچار تغییر می‌کنند. توانایی پیش‌بینی، جذب، برگشت به حالت اولیه و سازگاری با تهدیدهای غیرمنتظره، مهم‌ترین ویژگی‌هایی هستند که سیستم‌های پیچیده برای بقا و بهبود عملکرد خود در ابعاد مختلف، به آنها نیاز دارند. شیوع ویروس کرونا در ماه‌های اخیر و در سطح جهان، موجب ایجاد اثرات زیادی بر بخش‌های سلامت و اقتصاد جوامع شد که هر یک از این اثرات، خسارت‌های زیادی را در پی داشته و علاوه بر آن، پیامدهای اجتماعی گوناگونی را نیز در مقیاس‌های مختلف، به همراه داشته و خواهد داشت. این پاندمی به وضوح نشان داد که برخی از سیستم‌های انسان ساخت بسیار شکننده بوده و شکنندگی آنها، خسارات جبران ناپذیری را بر جوامع تحمیل کرد. در حال حاضر، دولت‌ها در تلاش برای جذب شوک تولید شده توسط این پاندمی هستند و در عین حال، جامعه بین‌الملل در تلاش برای آغاز فاز برگشت و احیاست. در این مقاله، بررسی مفهوم تاب‌آوری، معرفی اجزای سازنده آن، اشاره‌ای به استرس‌های مستقیم و غیرمستقیم کنونی جامعه ما و ارزیابی چگونگی تأثیر کرونا بر جامعه، نکاتی است که در تحلیل نقش مؤلفه‌های تاب‌آوری بر کاهش آثار و پیامدهای کرونا به‌ویژه بر زنان، با تأکید بر نقش‌های چندگانه آنان در خانواده و جامعه، مورد بررسی قرار می‌گیرد و راهکارهای پیشنهادی با استفاده از مؤلفه‌های یاد شده بیان می‌شود.

پیام تسلیت مقامات و استادان به رئیس پژوهشگاه

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به دنبال درگذشت حاج نعمت‌الله قبادی، پدر دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه، برخی معاونان رئیس جمهور، نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی و تعدادی از مسئولان لشکری و کشوری با ارسال پیامی ارتحال پدر گرامی ایشان را تسلیت گفتند.

همچنین وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، معاونان ایشان و جمعی از استادان و فرهیختگان با ارسال پیام‌هایی جداگانه این ضایعه را به دکتر قبادی تسلیت گفتند. رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و بسیاری از شخصیت‌های علمی کشور نیز طی دیداری جداگانه این ارتحال را تسلیت گفتند.

گفتنی است، حاج نعمت‌الله قبادی والد دو شهید گرانقدر میهن‌اسلامی و پدر گرامی دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پس از طی یک دوره بیماری درگذش و پیکر آن مرحوم در زادگاهش، امل به خاک سپرده شد.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجموعه‌ی علوم انسانی و کرونا (۱)

رنج جدید، کنج امید





پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار می کند:

فراخوان مقاله

فراخوان مجموعه مقالات با تمرکز بر جنبه های ارتباطی مرتبط با پاندمی
کووید - ۱۹ جهت تدوین و گردآوری کتاب

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
قصد دارد با تمرکز بر جنبه های ارتباطی مرتبط با پاندمی کووید - ۱۹ مجموعه مقالاتی
گردآوری و تدوین نماید و آن را در قالب کتاب منتشر سازد.

از پژوهشگران علاقمند دعوت می شود تا عنوان کامل مقاله خود را جهت همکاری در تدوین مقالات علمی تا پایان تیر ۱۳۹۹ اعلام نمایند.

book_covid_19@ihcs.ac.ir

مهلت ارسال مقالات، پایان آبان ۱۳۹۹

مدیر مسئول: سیدمحسن علوی پور

سردبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام رسان ها: @ihcss, @pajoheshgah